



دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور  
شماره استاندارد بین‌المللی: ۲۳۸۳-۳۳۲۷  
سال دوازدهم / شماره دوم / پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی  
مدیر مسئول: حمید صابر فرزام  
سر دبیر: باقر غیاری بناب  
مدیر داخلی: محمد پارسائیان  
مدیر اجرایی: حسین شجاعی  
همکاران: نجمه کاظمی، محمدحسین اخوان طیبی

هیأت تحریریه:

محمدعلی مهدوی راد، دانشیار، دانشگاه تهران  
محمدعلی رضایی اصفهانی، استاد جامه‌المصطفی العالمیه  
فتحیه فتاحی زاده، استاد، دانشگاه الزهراء (س)  
علی نصیری، استاد، دانشگاه علم و صنعت ایران  
محمد رضا شاهرودی، استاد، دانشگاه تهران  
محسن قاسم‌پور، دانشیار، دانشگاه کاشان  
عباس مصلایی پور یزدی، دانشیار، دانشگاه امام صادق (ع)  
سید محمد علی ایزی، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی  
حسینعلی قبادی، دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس  
علی منظری، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی  
فرزانه مفتون، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی  
فرانک فرزندی، دانشیار پژوهش، جهاد دانشگاهی  
ژیلاد بقیبی، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی

گرافست: علیرضا عبادی  
چاپ و صحافی: انتشارات جهاد دانشگاهی  
قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

◆ هیأت مشاوران:

احمد پاکچی، دانشگاه امام صادق (ع)  
مجید معارف، دانشگاه تهران  
احد فرامرز قراملکی، دانشگاه تهران  
مسعود آذربایجانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران  
سلیمان خاکیان، دانشگاه قم  
ولی‌الله تقی پورفر، دانشگاه قم  
فریمان ابراهیم زاده، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

◆ این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استادی علوم جهان اسلام  
www.isc.gov.ir  
پایگاه مجلات نور  
www.noormags.com  
بانک اطلاعات نشریات کشور  
www.magiran.com  
مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری  
www.srlst.com  
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی  
www.sid.ir  
پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور  
www.iska.ir

مطالب مندرج در مقالات نمایانگر آرای نویسندگان است و این مجله مسئول  
آراء و نظرات مندرج نمی‌باشد.  
نویسندگان محترم می‌توانند مقالات خود را به آدرس <http://www.jiqs.ir>  
برای داوری و چاپ بارگزاری کنند.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵  
سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور  
کد پستی: ۱۴۱۷۸۴۴۳۹۱  
تلفن: ۶۶۶۴۸۵۶۶۳، ۶۶۶۴۸۵۷۷۵  
فکس: ۶۶۴۸۵۶۵۷



- ۳-۶ راهنمای نویسندگان
- ۷-۲۸ تناظر میان رویکردهای بیانی قرآن و مکاتب هنری مدرن از حیث مفهوم زهر اعدالله
- ۲۹-۴۸ تاکتیک‌های نفوذ دشمن در جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم مرتضی سلطانی
- ۴۹-۶۶ اثبات اعجاز علمی آیه ۱۸۹ اعراف و بهره‌گیری از آن ... سینا آقائی
- ۶۷-۸۴ واکاوی روش‌های تربیتی بر مبنای سوره یوسف؛ یک مطالعه کیفی فاطمه فرهادیان
- ۸۵-۹۶ بررسی تحلیلی حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم مصطفی کریمی پور، عادل ساریخانی
- ۹۷-۱۲۰ بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن با نظریات راجرز، مازلو و ویکتور فرانکل درباره تقویت اراده معصومه قنبر پور، شهین نعل‌بندی گوی‌آغاچ

## راهنمای نویسندگان

دوفصلنامه تخصصی «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم» در راستای منویات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به منظور اشاعه و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه قرآن و ایجاد بستری مناسب برای کاربردی کردن مفاهیم، فرهنگ و پژوهش‌های قرآنی در سطوح مختلف سازمان‌ها و مؤسسات و همچنین انتشار نتایج پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم به همت سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور (جهاد دانشگاهی) پایه‌ریزی و راه‌اندازی شده است.

### راهنمای نویسندگان مقالات

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم وابسته به سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور (جهاد دانشگاهی) است. این نشریه در قالب دوفصلنامه و به زبان فارسی، منتشر می‌شود و در برگیرنده مقالات مرتبط با تمام گرایش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی است. علاقه‌مندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم می‌توانند مقالات خود را به آدرس فصلنامه ارسال کنند تا پس از بررسی و تأیید داوران در نوبت چاپ قرار گیرند. عدم رعایت اصول مذکور، موجب عدم پذیرش یا تأخیر در مراحل بررسی علمی، چاپ و انتشار مقالات دریافتی خواهد شد.

### تعهدات

نویسنده مقاله و در صورت گروهی بودن، نویسنده پاسخگو، باید تعهد کند که مقاله ارسالی تاکنون در هیچ نشریه علمی دیگری منتشر نشده است و همزمان با این نشریه به نشریه دیگری ارائه نخواهد شد. مسئولیت علمی مطالب نیز به عهده نویسنده یا نویسنده پاسخگوی مقاله است.

### اصول و معیارهای کلی

۱- تمامی مقالات باید به زبان فارسی بوده و در نگارش آن‌ها، آیین نگارش فارسی کاملاً مراعات شود، در مورد به کار بردن اصطلاحات علمی، در صورت وجود معادل فارسی پذیرفته

شده، ترجمه اصطلاح و بلافاصله اصل اصطلاح در داخل پراکنش آورده شود، در غیر این صورت، ذکر اصل اصطلاح کافی است.

۲- فصلنامه در رد یا قبول و اصلاح مقالات آزاد است و در صورت لزوم، نظرات اصلاحی و مشورتی خود را به اطلاع نویسنده یا نویسندگان می‌رساند.  
مقالات دریافتی و ملحقات آنها در دفتر فصلنامه، بایگانی نمی‌شود و در هر صورت، مسترد نخواهد شد. (لازم به ذکر است که مقاله نمی‌بایست از ۳۰ صفحه متعارف A<sup>4</sup> تجاوز کند).

### تنظیم بخش‌های مختلف مقاله

در تنظیم و نگارش قسمت‌های مختلف مقالات ارسالی، باید ترتیب زیر مراعات گردد:  
صفحه اول شامل موارد زیر است:

عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی باید در برگیرنده موضوع مقاله باشد. برای عنوان فارسی قلم (B Zar)، سایز ۱۳ ضخیم و برای عنوان انگلیسی قلم (Times News Roman) سایز ۱۲ ضخیم به کار برده شود.

نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی -در صورت دارا بودن سمت دانشگاهی- که باید بلافاصله پس از عنوان مقاله آورده شود (جهت دسترسی سایر محققین به نویسنده E-mail و نشانی نویسنده پاسخگو، شامل نشانی کامل پستی، شماره تلفن، نامبر و مقاله).

صفحه دوم شامل چکیده مقاله با مشخصات زیر است:

چکیده باید به دو زبان فارسی و انگلیسی (حداقل ۲۰۰ و حداکثر در ۲۵۰ کلمه) تهیه شود.  
الف) چکیده فارسی؛ لازم نیست دارای ساختار باشد، لیکن لازم است اهداف، روش تحقیق، مهمترین یافته و نتیجه مطالعه را در برگیرد.

در پایان چکیده بایستی سه تا پنج واژه با عنوان کلیدواژه‌ها معرفی شود.

ب) چکیده انگلیسی؛ لازم است دارای ساختار باشد.

ج) در پایان چکیده انگلیسی می‌بایست سه تا پنج واژه به عنوان کلیدواژه‌ها (Keywords) معرفی شود.

صفحات بعدی شامل متن مقاله، با مشخصات زیر است:

مقدمه و بیان مسأله (فرضیات، سؤالات پژوهش و ضرورت تحقیق).

باید ضمن بیان هدف از تحقیق، خلاصه‌ای از مطالعات و مشاهدات مرتبط با تحقیق مورد نظر را که در گذشته به انجام رسیده است، با ذکر منابع مربوط بیان نماید (در سرتاسر متن مقاله برای جملات فارسی از فونت B Zar با سایز ۱۲ و برای جملات و آیات عربی از فونت IRZar استفاده شود).

## روش‌شناسی پژوهش

باید نحوه طراحی، مطالعه، چگونگی انتخاب نمونه و نیز چگونگی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را به طور کامل شرح داد (معرفی ابزارهای اندازه‌گیری و شواهد مبنی بر اعتباریابی).

## یافته‌ها

- ۱- یافته‌های حاصل از تحقیق باید در قالب متن، جداول و نمودارها به طور کامل بیان شود.
- ۲- مطالب مطرح شده در متن، جداول و نمودارها نباید تکرار باشد.

## نتیجه‌گیری

در این قسمت، روند انجام تحقیق حاضر و یافته‌های حاصل از آن با موارد مشابه قبلی، در داخل و خارج کشور مقایسه و در مورد دلایل رد یا قبول آنها به صورت کامل بحث می‌شود؛ در پایان بهتر است جهت بهتر انجام شدن تحقیقات مشابه در آینده، راهکارهایی پیشنهاد شود.

## تشکر و قدردانی

در این قسمت، نویسنده یا گروه نویسندگان می‌توانند از افراد یا مؤسساتی که به نحوی در انجام مطالعه یا تدوین مقاله، همکاری کرده‌اند، تقدیر به عمل آورند. استفاده یا عدم استفاده این قسمت در متن مقاله اختیاری است.

## منابع و مآخذ

فهرست منابع به کار رفته در مقاله، باید حتماً در صفحه‌ای جدا تایپ و به روش APA و بر اساس حروف الفبا تنظیم شود.

## حالت‌های گوناگون استناد در متن

- ۱- اگر استناد از نقل قول مستقیم باشد و در ضمن نامی از صاحب اثر در متن برده نشود، در داخل پرانتز، ابتدا نام خانوادگی پدید آورده (ویرگول) سپس سال انتشار و در نهایت صفحه اثر (پس از دو نقطه و فاصله) آورده می‌شود. مثال: «مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، پدیده‌های نوظهور و مربوط به دوران مدرنیته است» (واعظی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳).
- ۲- در صورتی که اثر دارای دو نویسنده باشد نام هر دوی آنها در پرانتز آورده می‌شود؛ مانند: (بهشتی و باهنر، ۱۳۸۴، ص. ۹۳). همچنین در صورتی که بیش از دو نفر باشند در اولین استناد اسامی تمامی نویسندگان آورده می‌شود؛ مانند ویندال، اولسون و سیگنایزر، ۱۹۹۹، ص. ۳۵۴، اما در استنادات بعدی فقط نام یک نویسنده آورده می‌شود و به جای مابقی از واژه همکاران استفاده می‌شود؛ مانند: (ویندال و همکاران، ۱۹۹۹، ص. ۳۵۴).

۳- اگر نام پدید آورنده در متن آورده شده باشد، دیگر لزومی به ذکر نام پدید آورنده اثر در پراکنش نیست. برای مثال: واعظی (۱۳۸۶) معتقد است: «مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، پدیده‌های نوظهور و مربوط به دوران مدرنیته است».

۴- در صورتی که نام نویسنده و نویسندگان لاتین در متن ذکر می‌شود، در بار نخست لازم است که در پاورقی به صورت انگلیسی نیز نوشته شود.

### مأخذ نویسی در انتهای متن

مأخذ نویسی کتاب‌ها در انتهای مطالب، به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی صاحب آثار و به شرح ذیل تنظیم می‌شود:

- نام خانوادگی پدید آورنده (ویرگول، فاصله)، نام کوچک (یک فاصله)، سال انتشار در داخل پراکنش (نقطه، فاصله)، عنوان اثر به شکل ایتالیک (نقطه، فاصله)، نام و نام خانوادگی مترجم (ویرگول، فاصله)، شماره جلد (ویرگول، فاصله)، محل نشر (دو نقطه، فاصله)، نام انتشارات (نقطه).

مأخذ نویسی مقالات نیز همانند کتاب بوده و تنها تفاوت اندکی دارد.

- نام خانوادگی پدید آورنده (ویرگول، فاصله) نام کوچک (یک فاصله)، سال انتشار در داخل پراکنش (نقطه، فاصله)، عنوان اثر (نقطه، فاصله)، عنوان نشریه به شکل ایتالیک (ویرگول، فاصله)، شماره دوره - در صورت وجود شماره در داخل پراکنش (ویرگول، فاصله)، شماره صفحه (نقطه).  
\* اگر تعداد آثار استفاده شده از یک نویسنده در طول سال بیشتر از یک آثار باشد، آن‌ها را به ترتیب الفبای کوچک انگلیسی و بعد از نام خانوادگی و نام در کنار تاریخ انتشار - داخل پراکنش - متمایز می‌شود.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۳a). ارتباطات انسانی. جلد اول، تهران: انتشارات تهران.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۳b). افکار عمومی در روابط عمومی. فصلنامه هنر هشتم، سال اول، شماره دوم، شماره مسلسل ۶، صص ۷۰-۸۲.

### نحوه ارسال مقالات

برای درج مقالات در فصلنامه، لازم است اصل مقاله (به صورت فایل Word) و نیز تقاضای درج مقاله از طرف نویسنده اول (اصلی) خطاب به سردبیر به آدرس الکترونیکی [quranjournal@gmail.com](mailto:quranjournal@gmail.com) و یا <http://jiqs.ir> ارسال شود.

## تناظر میان رویکردهای بیانی قرآن و مکاتب هنری مدرن از حیث مفهوم

زهرا عبدالله<sup>۱</sup>: دکترای تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، پژوهشکده هنر، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۸-۲  
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

### چکیده

پژوهش حاضر با توجه به برخی اشارات و آیات قرآنی، آفرینش‌های هنری غرب را از نظر مفهومی شایان تأمل و تدبری دوباره می‌داند. آنچه در این مقاله مدنظر است بررسی ایده و مبنای نظری مکاتب هنری مدرن و نسبت آنها با رویکرد بیانی بعضی مباحث قرآنی است. به عبارت دیگر پژوهش حاضر به این پرسش می‌پردازد که میان رویکردهای بیانی قرآن و روش‌های بازنمایی و بیانگری در مکاتب هنری مدرن چه نسبتی وجود دارد؟ منظور از مکاتب هنری مدرن در این پژوهش، برخی از مهم‌ترین مکاتب و جنبش‌هایی هستند که از اواخر قرن ۱۹ تاکنون پدید آمده و بر دیگر جریان‌های هنری معاصر تأثیر گذاشته‌اند که عبارت‌اند از: رمانتیسیسم، ناتورالیسم، راکسیسم، امپرسیونیسم، پوانتالیسم، سمبولیسم، اکسپرسیونیسم، کوبیسم، فوتوریسم، دادائیسم، کانستراکتیویسم، سورآلیسم، هایپرآلیسم، هنر مفهومی، هنر مشارکتی/تعاملی، آبستراکتیویسم، مینیمالیسم، و دیکانستراکتیویسم (ساختارشکنی). این پژوهش ضمن آنکه از نوع کیفی و اکتشافی است، به روش توصیفی تحلیلی به نگارش درآمده و از چارچوب نظریه انتقادی متفکرانی چون دلوز و گتاری بهره برده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، میان شیوه بیانی برخی مباحث در قرآن کریم با رویکرد اتخاذ شده توسط مکاتب و جنبش‌های هنری مورد تحقیق، از حیث مفهوم، همخوانی و تشابه وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** شیوه‌های بیانی در قرآن، مکاتب هنری مدرن، مفاهیم سیار



## مقدمه

اندیشمندان غربی از ارسطو و کانت تا هگل و هایدگر دربارهٔ پیوند هنر و حقیقت نظریه‌پردازی کرده و این نسبت را متقن و بلا تردید دانسته‌اند. دلوز<sup>۱</sup>، اما در این میان، «به تأسی از نیچه بر این باور است که اثر هنری با نیروهای معطوف به میل سروکار دارد و ارتباط آن با حقیقت اگر هم قابل فرض باشد جنبهٔ ثانوی خواهد داشت ... به اعتباری، هنرمند شیوه‌های نوینی را در هستی طرح می‌کند و به زندگی شکل و رنگی تازه می‌بخشد» (ضمیران، ۱۳۸۳، ص. ۵۵). در پژوهش حاضر سخن نه بر سر ارتباط هنر و حقیقت، بلکه معطوف به رویکردهای نوینی است که هر مکتب هنری را از دیگری متمایز می‌سازد. به نظر می‌رسد میان این شیوه‌ها در ساحت بیانی قرآن و مکاتب هنری مدرن، از حیث «مفاهیم» شباهت‌هایی وجود دارد.<sup>۲</sup> این مفاهیم، بن‌مایه‌های نظری هستند که در آثار تولید شده در هر مکتب (صرف نظر از رشته، سبک، مذهب، ژانر، هنرمند و ...) لحاظ شده و برون‌دادهای عملی هر مکتب هنری بر آنها استوار است، چرا که «هیچ مکتبی بدون ایده، مکتب نمی‌شود» (مدوف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹، ص. ۹).

اگرچه در اطلاق بازهٔ زمانی مشخص به «هنر مدرن» اتفاق نظر وجود ندارد، پژوهش حاضر با تأسی از دائرةالمعارف بریتانیکا این بازه را از اواخر قرن ۱۹ تا قرون ۲۰ و ۲۱ در نظر می‌گیرد<sup>۴</sup> و به بازخوانی

### 1. Deleuze Gilles

۲. توجه به این نکته ضروری است که فرض رابطه میان هنر و حقیقت نه بدان معناست که هر دوی این قلمروها حقیقت واحدی را بیان می‌کنند و نه حتی دال بر تأیید حقیقتی است که در آثار این مکاتب به نمایش درآمده است، اگرچه مولوی در باب حقیقت و معرفت آن، داستان فیل در اتاق تاریک را مثال زده و بدین معنی اشاره می‌کند که «اگر تصور کنیم معرفتی از انسان‌های غیرمعصوم، حق مطلق یا باطل مطلق است، یا احق‌میم یا ظالم»  
آنکه گوید جمله خاندان ابلهی است

۳. آنکه گوید جمله باطل خود شقی است (مولوی، ۱۳۸۴، ص. ۳۰۰)

### 3. Madoff

4. [www.britannica.com/topic/modern-art-to-1945-2080464](http://www.britannica.com/topic/modern-art-to-1945-2080464)



برخی از تأثیرگذارترین مکاتب و جنبش‌های این دوران از رالیسم و ناتورالیسم<sup>۱</sup> تا هنرهای مفهومی، مشارکتی و غیره می‌پردازد. عصر فرهنگی مورد بحث که از حدود سال ۱۸۷۰ آغاز می‌گردد بر پایه «اعتقاد به علوم، فهم منطقی، برنامه‌ریزی پایدار و وحدت هستی استوار بوده» (بکولا، ۱۳۹۲، ص. ۱۶) و دوران معاصر یا عصر فروپاشی ارزش‌ها و ساختارهای گذشته به‌عنوان عصری که «فاقد وحدت است: نه وحدت به معنای همسانی بیان‌ها بلکه به معنای یکپارچگی روانی، معنوی و عقلانی که ذات هر هنر بزرگی است» (بکولا، ۱۳۹۲، ص. ۵۳۷) را نیز شامل می‌شود. به‌علاوه، معیار گزینش این عصر و اهمیت آن تا حدودی نیز برآمده از طرح مقوله «مرگ هنر» در دهه هشتاد قرن بیستم توسط آرتور دانتو، جیانی واتیمو، و هانس بلتینگ<sup>۲</sup> است که البته ریشه‌های تاریخی این بحث به برداشت هگل از پایان هنر باز می‌گردد.

دانتو این ایده را با تحلیل هنر معاصر و بررسی جایگاه آن در تاریخ هنر، و به‌طور خاص، تحلیل تبعات ظهور پاپ‌آرت مطرح ساخت. از منظر دانتو با پیدایش پاپ‌آرت مرزهای بین هنر و زندگی روزمره از بین رفت و از آن پس هر چیز می‌تواند یک اثر هنری محسوب شود (اریاوج، ۱۳۸۱). با وجود آنکه پذیرش «مرگ هنر» کاملاً مشروط و مقید به درک جامعه از هنر است، طرح چنین موضوعی اهمیت بررسی دوران مورد نظر را توجیه می‌نماید؛ ضمن آنکه در اینجا بحث پیرامون معنا و مفهوم آثار هنری غربی که از ایده‌ها و ادراکات زیباشناختی هنرمند به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه نشئت می‌گیرد نیست؛ بلکه صورت و شاکله آثار که مبتنی بر سبک‌ها و مکتب‌ها و مجموع شرایط زمانی و مکانی خلق آثار است، مورد توجه قرار گرفته است.

این پژوهش از سوی دیگر به شیوه‌های بیانی در قرآن کریم نظر دارد. این شیوه‌ها را می‌توان از منظرهای گوناگون، مانند اسلوب‌های بلاغی (تصریح، تشبیه، کنایه، مجاز و...)، منطق بیانی (قیاس و استقرا و تمثیل)، کارکرد (تربیتی، آموزشی، تبیینی، تشریحی و...)، و موارد دیگر مورد توجه قرار داد. رویکرد مقاله حاضر بررسی شیوه‌های بیانی قرآن از حیث «مفهوم» است و درصدد کشف مفاهیم سیار آیات منتخب است تا به این پرسش پاسخ دهد که میان رویکردهای بیانی قرآن و روش‌های بازنمایی و بیانگری در مکاتب هنری مدرن چه نسبتی وجود دارد؟

پژوهش در باب شیوه‌های بیانی در قرآن می‌تواند با رویکردهای مختلف صورت گیرد که در یک دسته‌بندی کلی به دو رویکرد درون‌دینی (پیشینی) و برون‌دینی (پسینی) تقسیم می‌گردد. در رویکرد اول، با شروع از متن قرآن به بررسی ابعاد مختلف شیوه بیان (اسلوب، منطق، کارکرد و غیره) پرداخته می‌شود. در این رویکرد، مطالعات موجود در زمینه شیوه‌های بیانی در مکاتب ادبی و هنری به تناسب برای توصیف یا تحلیل متن قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در رویکرد دوم، با شروع از مطالعات برون‌دینی در زمینه شیوه‌های بیانی و انطباق آن با موارد مشابه در متن قرآن، ابعاد جدیدی از ساختار متن استنباط یا استخراج می‌گردد. به بیانی دیگر، در رویکرد اول، مفاهیم درون‌دینی بر

۱. از آنجا که برخی ناتورالیسم و رالیسم را نقطه آغازین جنبش‌های هنر مدرن می‌دانند، این دو مکتب نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

2. Arthur Danto, Gianni Vattimo, Hans Belting



مصادیق برون‌دینی تطبیق داده می‌شوند، درحالی‌که در رویکرد دوم، برای مفاهیم برون‌دینی مصادیق درون‌دینی جستجو می‌گردد. اگرچه از هر دو رویکرد می‌توان برای یک مطالعهٔ بینارشته‌ای در متن قرآن استفاده کرد، رویکرد دوم تناسب بیشتری با این‌گونه مطالعات دارد. در پژوهش حاضر، با نگاهی پسینی، ضمن انطباق شیوه‌های بیان در مکاتب هنری مدرن بر مصادیق موجود در متن قرآن، استفادهٔ همه‌جانبهٔ قرآن از رویکردهای بیانی متنوع که یکی از رازهای ماندگاری و اثرگذاری این کتاب مقدس بر طیف گسترده‌ای از مخاطبان با سلاطین و دیدگاه‌های گوناگون، در دوره‌های مختلف تاریخی و محیط‌های متنوع فرهنگی است، مورد مذاقه و کنکاش قرار می‌گیرد.

«پژوهش در باب اعجاز بیانی قرآن و جنبه‌های زیباشناختی آن از قرن دوم توسط قرآن‌پژوهان مسلمان آغاز شد» (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۳) و با گام‌های مؤثری که محققان در این مسیر برداشتند پیشرفت‌های قابل توجهی نمود تا بدان‌جا که سید قطب ضمن اعلام آنکه حدود سه چهارم آیات قرآن با روش آفرینش هنری عرضه شده‌اند (سید قطب، ۱۴۲۳، ص. ۸)، با طرح نظریهٔ «تصویر هنری در قرآن» به شیوه‌های تصویرآفرینی قرآن و شاخص‌ترین نمونه‌های آن اهتمام ورزید که در بخش «ابعاد هنری قرآن» در پژوهش کنونی بدان اشاره خواهد شد. مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن اثر سیدی، قرآن را متنی ادبی شمرده و فارغ از مباحث هنری (به معنای ویژگی‌های آفرینش‌های بصری و تجسمی)، صحنه‌پردازی‌ها و جنبه‌های شاعرانه و خیال‌انگیز آن را از حیث ادبی بررسی نموده است. این رویه در پژوهش‌های دیگر نیز دنبال شده است. نقی‌زاده در مقاله معنی هنر و صفات هنرمند از منظر قرآن کریم بر این باور است که برای درک موضع قرآن نسبت به هنر، تنها مستمسک و مرجع، آیات قرآن درباره شعر است و این‌که «از میان همه رشته‌ها و موضوعات هنری، قرآن کریم درباره شعر و شاعری اظهار نظر نموده است» رضاپور مقدم در آفرینش و بیان هنری در قرآن و باز نمود آن در نگارگری با توجه به زبان تصویری نگارگری، هم‌گامی صورت و محتوا را در این هنر با قرآن مورد بررسی قرار داده و بر این باور است که نگارگری با الهام از قرآن، تصاویری را با ترکیب‌های مفرد و مرکب، و با روش‌های توصیفی، گفت‌وگو، تقابل صحنه‌ها و دعوت به رؤیت مصور نموده است.

مقالات متعددی نظیر مقالهٔ پیری با عنوان بررسی جنبه‌های زیبایی‌شناختی تمثیل در زبان ادبی قرآن و مقدم با عنوان مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی استعاره در سبک قرآن مطالعه موردی سوره‌های یوسف، کهف و طه، جنبه‌های زیبایی‌شناختی تمثیل و استعاره در زبان ادبی قرآن را مورد توجه قرار داده‌اند. از سوی دیگر عبدالرئوف در سبک‌شناسی قرآن مقبولیت دستوری و نحو معنایی عربی در ارتباط با تغییر سبک را مورد تحلیل قرار داده و در مطالعهٔ قرآن به منزلهٔ اثری ادبی: رویکردهای زبانی به بافت درون‌زبانی و مناسبات بیناآیه‌ای و بیناسوره‌ای توجه کرده است. در مقدمهٔ مترجم بر اثر دوم، یعنی میر و عبدالرئوف، آمده است: «مقالهٔ اول به برخی جنبه‌های ادبی قرآن از قبیل واژه‌گزینی، تصویر و تصویرپردازی؛ ایهام و کنایه؛ شخصیت و شخصیت‌پردازی و نقش مکالمه‌نگاهی می‌اندازد. مقالهٔ دوم، قرآن را به منزلهٔ کتابی مبین بررسی کرده و به ویژگی‌های بلاغی قرآن از جمله تشبیه،

تمثیل و استعاره و سایر وجوه ادبی قرآن اشاره می‌کند و مقاله سوم سوره را به منزله کلیتی منسجم در نظر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

اگرچه تمامی محققان مزبور به ضرورت توجه به جنبه‌های ادبی و هنری قرآن توجه نموده و در این راستا به دستاوردهای قابل تأملی نایل آمده‌اند اما تاکنون در هیچ پژوهشی به نسبت میان مکاتب هنری مدرن و شیوه‌های بیانی قرآن پرداخته نشده است. پژوهش کیفی و اکتشافی حاضر به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و رویکرد مقاله از حیث مطالعه شیوه‌های بیانی قرآن اساساً معطوف به بررسی «مفاهیم» است و آنها را از مجرای همین مفاهیم با مکاتب هنری مطرح در هنر غرب در تناظر قرار داده است. در واقع این مطالعه بینارشته‌ای، از حیث موضوع، روش و رویکرد اتخاذ شده در قبال قرآن و هنر، فاقد نمونه مشابه است.

### ۱. مفاهیم و روش‌شناسی

برای دلوز خوانش آرای فلاسفه، هنرمندان و نویسندگان از آن‌رو حائز اهمیت و ضروری است که «انگیزه‌ای برای خلق مفاهیمی به دست می‌دهد که پیش از آن وجود نداشته‌اند: مفاهیم جدید از آثار سایرین به دست می‌آیند و یا مفاهیم قدیمی باز تولید می‌شوند تا امکانی نو به دست دهند» (اردلانی، سلیمی، اکبری و گودرزی، ۱۳۹۴، ص. ۲). وی در راستای همین نگاه<sup>۱</sup>، به خوانش آثار هنری باروک می‌پردازد. «حرکت، تغییر و دگرگونی، مفاهیم اصلی خوانش دلوز از باروک‌اند ... برای دلوز، باروک مظهر زیبایی‌شناسانه مفهوم فولد [منحنی‌ها و سطوح فضایی] است، مفهومی که نماد جسمانیت حسانی و حرکتی باروک است و پیوند میان ساختارهای ناهمگون را ممکن می‌سازد. فولد، به مفاهیم «به مشارکت طلبیدن و درگیر کردن» دلالت دارد. این مفهوم می‌تواند تخریب و فروپاشی دوگانه‌های درونی/بیرونی، سطحی/عمیق و جسمانی/روحانی را در باروک تبیین نماید ... به‌زعم دلوز، باروک به سوی یک هدف حرکت می‌کند، به سوی «درهم‌تیندگی» (فهرمانی، پیروای ونسک، مظاهریان و صیاد، ۱۳۹۶، ص. ۷۹). در پژوهش حاضر، در روندی مشابه، کلیتی از مفاهیم و مقولات اصلی مکاتب و جنبش‌های هنری مدرن، پس از بررسی مانیفست‌ها و مدخل‌های تعریف شده از این مکاتب در دائرةالمعارف بریتانیکا و منابع معتبر دیگر تبیین و در جدول ۱ ارائه شده است.

نشانه‌شناسی نوئیسک<sup>۲</sup> (noetic) دلوز، در قبال هنر، در وهله نخست خلق اندیشه‌ای را در نظر می‌گیرد که احساس (آماده‌سازی و دریافت اثر) یا مفهومی (فلسفه) را تحقق می‌بخشد (سوواگنرگس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳، ص. ۱۷۵). زیباشناسی دلوز «پژواکی است از این ایده که این جهان محدود به ساختارهای معرفت‌شناسانه است، هنر مکانیسمی است برای گذر از این محدودیت، بنابراین سرشت هنر، خلق پرسش‌ها و مفاهیم از طریق تأثرات و عواطف متفاوت است به تمهیدات محاکاتی و بازنمایانه» (دلوز،

۱. دلوز در اثر دوجلدی خود پیرامون سینما، کتابهایش در رابطه با پروست و زاخر مازوخ، تحقیق درباره فرانسویس بیکن، و مجموعه مقالاتش در ادبیات، به دنبال تبیین مفاهیم مربوط به آثار هنری و ادبی بوده است.

۲. صفت نوس، آنچه به اندیشه یا مفهوم مربوط می‌شود.



۱۳۹۲)؛ اما منظور دلوز از احساس (sensation)، ادراک (perception) و عاطفه (feeling) معمول نیست بلکه «درک» (percept) و «تأثیر» (affect) را مدنظر دارد (بوگ، ۲۰۰۷، ص ۲۸۱).<sup>۲</sup> به همین واسطه می‌توان از مفاهیم به‌مثابه روش‌شناسی سخن گفت که توسط اسلبی<sup>۳</sup> و دیگران (۲۰۱۹) طرح و بسط یافته و در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. ایده‌آسلی و همکاران آن است که تقریر و سامان‌دهی مفاهیم می‌تواند به عنوان روشی بینارشته‌ای در مطالعه تأثیر و عواطف مورد بهره‌برداری قرار گیرد. از آنجا که مقاله حاضر نیز بنا بر همین رویکرد، مفاهیم را به عنوان زمینه مشترک و بستر ارتباطی مکاتب هنری غربی و قرآن در نظر گرفته، و روش‌شناسی مورد نظر در مطالعات بینارشته‌ای مؤخر و بدیع می‌باشد، در اینجا به اختصار توضیحاتی درباره آن، از منبع مزبور، ارائه می‌گردد و البته شرح دقیق آن مستلزم مراجعه به اصل اثر است<sup>۴</sup>:

مفاهیم، قالب‌های تبیین و شکل‌دهی عناصر اصلی هستند که به‌منظور سامان‌دهی و در قاب نهادن واقعیت به شیوه‌ای خاص به کار می‌روند. مفاهیم، به‌طور مثال مفاهیم هنری (نظیر تصویربرداری از نمای نزدیک یا دور و غیره)، نه تنها به شیوه نگاه کردن به اشیا بلکه به روش‌های به چشم آوردن اشیا نیز دلالت داشته و از طریق تأکید بر عناصر و شاخصه‌های یک قلمرو خاص، این به حضور رساندن را امکان‌پذیر می‌سازند.<sup>۵</sup>

«پرداختن به مفاهیم» در همه آثار علمی و تحقیقاتی، از علوم، مطالعات فرهنگی، و جامعه‌شناسی گرفته تا علوم انسانی و هنر جایگاهی ویژه دارد. منظور از «پرداختن به مفاهیم»، ایجاد، اصلاح، و پردازش مستمر مفاهیم معنادار و دقیقی است که افق‌هایی هدف‌مند به گزیده‌ای از واقعیت می‌گشاید. مفاهیم با در اختیار گذاردن در کی متفن و در عین حال آزاد درباره چگونگی ارتباط نظام‌مند پدیده‌ها با یک‌دیگر، فرایند فهم را هموار می‌سازند. مفاهیمی که به‌درستی ساخته و پرداخته شده باشند مبنای اطلاعاتی و هدایت‌گری برای تحقیقات در دست اقدام به‌شمار می‌روند. مضمون دقیق و شفاف مفاهیم باید تکافوی توجیه اغلب یا تمامی نمونه‌های کاربرد آنها را بنماید.

صرف نظر از رویکردهای متعدد مطرح در قبال مفاهیم در فلسفه، مفاهیم در اینجا ابزاری پویا برای اندیشیدن، و به‌مثابه برنامه عملیات (action schemata) قلمداد می‌شوند. مفاهیم، موجودیت‌های از پیش داده‌شده‌ای نیستند بلکه بنا به اهداف عملی مسأله‌موردنظر توسط کاربر ساخته و پرداخته می‌شوند. چه‌بسا بتوان صرفاً از ظرفیت‌های مفهومی سخن گفت که به‌طور تاریخی درباره شیوه‌های کاربرد و سازوکارهای مقرر به‌جا مانده‌اند (به‌طور مثال در کتاب‌های راهنما، دانشنامه‌ها یا مانیفست‌های

1. Bogue

۲. درباره تفاوت درک و تأثیر با ادراک و تأثر در آراء دلوز و گتاری به مقاله تأثیری فراسوی تأثیر از علی‌خدادادی، سوره مهر، شماره ۱۵ مراجعه نمایید.

3. Slaby

۴. نقش مفاهیم حساس‌کننده sensitizing concepts در روش‌شناسی گراندد تئوری (که جهت نگاه محقق را مشخص می‌سازد) با رویکرد موجود قرابت دارد (اسلبی و دیگران، ۲۰۱۹، ص ۱۲).

۵. مفاهیم مشابه هشتگ‌های موفق در شبکه‌های اجتماعی هستند. هشتگ‌ها نه تنها عناصر گفتگومانی (متن‌ها، توییت‌ها، کامنت‌ها) و عناصر غیرگفتگومانی (تأثیرات، تجارب، تمایلات) را به یکدیگر می‌پیوندند بلکه پدیده‌های پیچیده، نظیر موضوعات عدالت اجتماعی، را به شیوه‌های موجز قابل آدرس‌دهی می‌کنند.

نظری). به‌عنوان پیشگامان چنین درک پراگماتیستی، کنش‌گرایانه، عملیاتی، پویا، و تاریخی از مفاهیم می‌توان از ارسطو، کانت، نیچه، و ویتگنشتاین نام برد و دلوز و گتاری نیز از مؤخرینی هستند که بیشتر سنت فلسفه قاره‌ای را پاس داشته‌اند.

در مفاهیم «عملیاتی»، صفت مزبور ضمن اشاره به شرطی بودن مفاهیم، از کنش‌مندی آنها حکایت می‌کند، آنها واقعیت‌ها و تأثیراتی آفریده و در جابه‌جایی تا بدان‌جا پیش می‌روند که از بستر آغازین پیدایش خود استقلال یافته، در بهترین حالت به یک مفهوم در قلمرو دیگر تبدیل شده یا در بدترین حالت به مضمونی بی‌محتوا بدل می‌شوند. هم‌چنین از همین‌روست که باید به مفاهیم از سطحی وراء این قلمروها نگریم. مفاهیم عملیاتی قالب‌هایی عام با قابلیت تطبیق با قلمروها و موضوعات گوناگون هستند که برای در قاب نهادن و آراستن واقعیت، استراتژی‌های نافذی ترسیم نموده و تمهیدات دیگر را می‌نهند. ساخت‌وساز مربوطه، فعالیت‌های مختلف تولید معنا از انحاء توصیفات کلامی، اشکال گوناگون مواجهه معنادار با آثار هنری، شیوه‌های فعالیت هنری و انواع فعالیت‌های بیانی و زیباشناختی دیگر را شامل می‌شود. یک مفهوم معنادار هم دارای پیشینه است و هم در یک بافتار خاص جای دارد و به‌عبارتی در یک قلمرو ریشه دارد.

همواره میان ریشه داشتن مفهوم در مسیر شکل‌گیری گذشته آن، و آمادگی و پذیرش شرح و اقتباسات جدید توازن وجود دارد. استقلال نسبی مفاهیم از قلمرو و نظریه، به آنها قابلیت «مهاجرت» و جابه‌جایی میان قلمروها و زمینه‌های گوناگون و چه‌بسا ناهمگون را داده و خود مفاهیم را نیز دستخوش تحول می‌کند. بنا بر همین ویژگی، میک بل اصطلاح مفاهیم سیار (traveling concepts) را مطرح نموده و آن را به‌عنوان یک جهت‌گیری روش‌شناختی برای مطالعات فرهنگی و علوم انسانی معرفی می‌کند. مفاهیم بین‌نظام‌ها و رشته‌ها، محققین، دوره‌های تاریخی و جوامع علمی پراکنده جغرافیایی سیر می‌کنند و زمانی که این مهاجرت بین نظام‌ها و رشته‌ها باشد، معنا، هدف و ارزش‌های عملی آنها دگرگون می‌شود (بل، ۲۰۰۲، ص. ۲۴). در پژوهش حاضر، چنان‌چه اشاره شد، این مفاهیم در نظام مکاتب هنری غرب استخراج و در جدول ۱ آورده شده است. بنا بر این روش‌شناسی، با مطالعه متن قرآن با آیاتی مواجه می‌شویم که همان مفاهیم، در قالب توصیفات کلامی و بیانی جلب توجه می‌نمایند. البته همان‌طور که بل نیز به‌درستی اشاره کرده است در این جابجایی، «معنا، هدف و ارزش‌ها» دگرگون شده‌اند.

## ۲. ابعاد هنری قرآن

قرآن کریم کتابی ذو ابعاد است که به‌ویژه در عصر حاضر به بعد هنری و ظرفیت‌های موجود در آن از این حیث کمتر توجه شده است. ضرب‌آهنگ موسیقایی آیات مقفا و موزون برخی از سوره‌های پایانی قرآن، شنونده را مسحور می‌نماید، و وصف حال مقریین در آیات ۱۵ تا ۱۸ سوره واقعه (بر تخت‌هایی جواهرنشان که روبه‌روی هم بر آنها تکیه داده‌اند، بر گردشان پسرانی [به

خدمت [می‌گردند با جام‌ها و آبریزها و پیاله‌هایی از بادیه ناب ... [و انواع میوه و اطعمه] تصویر یک صحنه باشکوه را به ذهن متبادر می‌سازد. اپیزودهای گوناگون داستان حضرت یوسف (ع)، از دسیسه برادران و در چاه افکندن او، نجات او از چاه و همراهی با کاروان تا مصر، و دسیسه زلیخا گرفته تا به زندان افتادن و تعبیر رؤیای هم‌زندانی‌ها، آزادی از زندان و مکننت و مقام یافتن او و غیره، پرده‌هایی از یک نمایش را تداعی می‌کنند؛ و حتی شاید بتوان صحنه‌پردازی مربوط به تعقیب مگسی که شیئی را از فرد می‌رباید (حج: ۷۳)، طنزی تصویری قلمداد نمود که مشرکان و مواضع سست ایشان را مورد طعن قرار می‌دهد.

چنین شاکله‌ای سید قطب را به نگارش تصویر الفنی فی القرآن الکریم / آفرینش هنری در قرآن کریم رهنمون شد که در آن به بیان تصویری و وجوه زیبایی‌شناختی (aesthetic) در قرآن پرداخت. وی اظهار داشت که سبک قرآن، به جز در آیات تشریح، تصویری است. به علاوه، «بیان در آن با حالت تصویر مورد نظر آن هماهنگ است و به تکمیل آثار تصویر حسی یا معنوی کمک می‌کند» (سید قطب، ۲۰۰۲، ۷۵). از نظر سید قطب، تصویر یعنی هر نوع اراده حسی معنا (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۹) و قرآن «با تصویرپردازی هنری خود از طریق خیال‌انگیزی و مجسم‌سازی، معانی ذهنی، حالات درونی، الگوهای بشری، و مناظر قیامت را به شکلی زنده، محسوس، قابل درک و هماهنگ ارائه می‌کند» (خالدی، ۱۹۸۹، ص. ۱۲۵).

مهم‌ترین ویژگی‌های تصویر آفرینی قرآن از نظر سید قطب عبارت‌اند از تخیل، تجسیم، تشخیص، تشبیه، واقعیت، عاطفه، و موسیقی (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹). سید قطب از طریق همین مؤلفه‌ها که «از عناصر جدانشدنی تصویر آفرینی قرآن هستند به ذکر نمونه‌های تصویر هنری در قرآن مانند تصویر حالات واقعی، تصویر معانی ذهنی، تصویر حالات نفسانی، تصویر جلوه‌های طبیعت، تصویر ضرب‌المثل‌ها، تصویر قصه‌های قرآنی، تصویر الگوهای انسانی، و تصویر جلوه‌های قیامت پرداخت» (قاضی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۲).

حسب نظر به اشارات سید قطب و همچنین این اصل که قرآن کریم مخزن همه اسرار دنیوی و اخروی است و به تعبیر آیه ۵۹ سوره انعام «هیچ‌تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتاب مبین آمده است»، جای آن دارد که مسلمانان در امور خود از این منبع لایزال و ظرفیت‌های نامتناهی آن بهره‌گیرند. در ساحت هنر که موضوع این مقاله است چنین ارجاعی به مراتب در آثار ادوار اعتلای هنر اسلامی قابل احصاء و مشهود است و از نمونه‌های متعدد می‌توان نام برد که نکته‌ای از ظرائف غیب و سرّی از اسرار مکنون، به‌واسطه شهود بر هنرمند آشکار شده و او آن را از طریق طرح و نقش یا لحن و رنگ در قالب‌هایی نظیر نقاشی، معماری، موسیقی و شعر به همگان عرضه داشته است. البته مسلم است که افشای چنین رازهایی منحصر به مسلمین نبوده و جان‌های قابل‌را از هر سلک و نسبی شامل می‌شود.

شاید از همین روست که پس از دوران اعتلای هنر اسلامی در قرون میانه، غربیان با تتبع و ژرف‌اندیشی، زوایای نوینی را برای رؤیت جهان در قالب مکاتب هنری گوناگون دریافتند و در نسبت

حقیقت و زیبایی به نکته‌ها و دقایق ظریف و بدیعی نایل گشتند!<sup>۱</sup>  
در این میان آنچه درباره قرآن کریم (بنا بر احاطه تام بر ابعاد آفاقی و انفسی وجود، و علم مطلق به گرایش‌های انسانی در نظر به عالم) جلب نظر می‌کند مشاهده آیاتی است که شیوه بیانی آنها را می‌توان در ارتباط با همان مفاهیمی دانست که در دوران مدرن و پس از آن، خلق آثار در مکاتب و جنبش‌های هنری گوناگون را رقم زده است. در بخش بعد ضمن اشاره به این آیات، مکاتب هنری متناظر، با اشاره به این مفاهیم سیار و عملیاتی ارائه شده است. نکته قابل توجه آنکه رویکرد این تناظر معطوف به آثار فاخر در این مکاتب است و اکیداً آثار سخیفی که بخش نه‌چندان کوچکی از آثار غربی را شامل می‌شود مورد نظر نیست.

به علاوه، همان‌طور که در تبیین مبانی نظری این تحقیق، در باب ویژگی اصلی جابه‌جایی مفاهیم سیار شرح شد، باید به تغییرات عارضی در «معنا، هدف و ارزش‌ها» توجه داشت. ساحت قرآن بسیار فراتر از چارچوب‌های تعریف‌شده انسانی برای هنر یا علم است؛ اما هدایت انسان در گرو تدبیر در آیات آن است و این بحث شاهدهی بر این حکم قرآنی است که «هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست» (حجر/۲۱). در واقع، جدول مزبور، در ساحت هنر حکایت از آن دارد که قرآن کریم نه تنها حاوی نمونه‌های اعلای بیان هنری است بلکه چه بسا بتوان با غور و تدبیر در آن، به الگوها و سبک‌های جدید بیانگری و بازنمایی نیز دست یافت.

### ۳. تناظر میان مکاتب هنری مدرن و شیوه‌های بیانی قرآن

در این بخش پس از تبیین موجز و مختصر از مفاهیم و مبانی مطرح در برخی از مهم‌ترین مکاتب هنری مدرن غربی<sup>۲</sup> (با ملاحظاتی که شرح شد)، به نمونه‌هایی از آیات قرآن<sup>۳</sup> اشاره می‌شود که در آنها از همان مفاهیم، در ساحت فرم، محتوا یا مضمون برای ارائه و بیان مباحث استفاده شده است. ذکر این نکته ضروری است که این مقاله به هیچ وجه مدعی تبیین جامع و کاملی از این مفاهیم در مکاتب مورد بحث نیست و صرفاً به منظور انجام مقایسه مدنظر پژوهش، شمایی کلی از این مفاهیم را مورد توجه قرار داده است. همچنین، گفتنی است برای این که متناسب با هر مکتب، ظرافت‌های ادبی نیز بیان شود ترجمه آیات به شکل ترجمه تفسیری ارائه شده‌اند.

– رمانتیسیم<sup>۴</sup> (۱۷۸۰): موضوع اصلی رمانتیسیم اعتقاد به ارزش تجربه شخصی و فردی، و بازنمایی

۱. کتاب حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر اثر بابک احمدی به تفصیل این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده است. احمدی ضمن اشاره به دیدگاه هرمنوتیک مدرن، در بررسی پیوند حقیقت با تأویل و ریشه‌های آن در فرهنگ فلسفی غرب، نسبت زیبایی و هنر را با اتکا به آراء متفکران و آثار هنرمندان مورد پژوهش قرار داده و مضامینی چون واقعیت، شناخت، نسبت شکل و حس، نسبت شکل و معنا، معنا و ناخودآگاهی، منطق تأثیر، معنا و بی‌معنایی، متافیزیک حضور، و غیره را شرح می‌دهد.

۲. توضیحات مربوط به مکاتب اساساً برگرفته از دائره‌المعارف آنلاین بریتانیکا به آدرس زیر است؛ ضمن آنکه منبع ارجاعات دیگر، در متن تصریح شده‌اند. به علاوه، تاریخ‌های درج‌شده تقریبی هستند و صرفاً اولین ظهور آثار هر مکتب را مشخص می‌کنند: [www.britannica.com/art](http://www.britannica.com/art)

۳. بنابر اقتضای محدودیت کمی صفحات مقاله، صرفاً به ارائه نمونه‌هایی معدود بسنده شده و مطالعه موارد متعدد دیگر به خواننده واگذار می‌گردد.

۴. این اصطلاح توسط «منتقدین آلمانی برای تفکیک خصوصیات هنری مدرن از خصوصیات کلاسیک در هنرها به کار رفت... [و از آنجا که به‌عزم نظریه‌پردازان] حقیقت آن است که هرچه رمانتیک بود تا به امروز دوام آورده است» (کاردنر، ۱۳۹۳، ص. ۵۶۰)، در این لیست، به انضمام هنرهای مدرن، بلدان پرداخته شده است.



دریافت‌های شهودی و غریزی است. از مضامین مورد توجه رمانتیسیم می‌توان به «قهرمان» به‌عنوان شخصیتی استثنایی، احساسات و درگیری‌های درونی او و همچنین هیجانات عاطفی و نیروهای لجام‌گسیخته اشاره کرد.

وَرَأَوْدَتُهُ الْبَيْتِ هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَعَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ... وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ (يوسف/ ۲۳-۲۵)

«بانوی خانه به میل نفس خود با او بنای مرادده گذاشت و درها را بست و یوسف را به خود دعوت کرد و گفت من برای تو آماده‌ام... و هر دو به جانب در شتافتند... و زن پیراهن یوسف را از پشت بدرید»  
 صحنه مواجهه زلیخا و حضرت یوسف (ع) درون اتاق، سرشار از غلیان غریزه و عاطفه، و صحنه مربوط به پاره شدن لباس یوسف از پشت، واگویی عظمی روح یک فرد در آزمایشی بزرگ است. نمونه‌های مشابه دیگری نیز در قرآن می‌توان یافت، از جمله ماجرای درد و اندوه مریم (س) از زایمانی که مسبوق به ازدواج نبوده است: «[برای وضع حمل] در مکانی دور کناره گرفت، درد زایمان [مریم] را به جانب درخت خرما کشانید، [از شدت ناراحتی] گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و از خاطرها فراموش می‌شدم» (مریم/ ۲۴)؛ و صحنه ذبح اسماعیل (ع) توسط ابراهیم (ع): «[در سنین پیری] به او بشارت پسری دادیم، و آنگاه که رشد یافت، به او گفت: همانا در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم... گفت: پدرم آنچه بدان مأموری انجام بده... و ابراهیم، جبین او را به زمین نهاد [تا ذبحش کند]» (صافات/ ۱۰۲-۱۰۴).

- ناتورالیسم (۱۸۲۰): ناتورالیسم مقید به تقلید مویه‌مو از طبیعت و توجه دقیق به جزئیات است. صرف کیفیات فیزیولوژیکی و نه اخلاقی یا عقلانی انسان، در عین عدم قضاوت ارزشی، مبنای ناتورالیسم است و استناد به قطعیت علمی، آن را از رالیسم متمایز می‌سازد.  
 بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِيَ بَنَانَهُ (قیامت/ ۴) ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا (مؤمنون/ ۱۴)

«آری قادریم که [حتی خطوط سر] انگشتان او را موزون و مرمت کنیم... سپس نطفه را به‌صورت علقه، و علقه را به‌صورت مضغه، و مضغه را به‌صورت استخوان‌هایی درآوردیم، و استخوان‌ها را با گوشت پوشاندیم»

اشاره به بازسازی نقوش ظریف و منحصر به فرد خطوط سر انگشتان دست انسان در آیه نخست، بر ریزی آیه و توجه به جنبه‌های علمی خلقت دلالت دارد.

همچنین، در آیه دوم، مراحل رشد جنین از نطفه و علقه تا مضغه، استخوان‌ها و گوشت، توجه محققین بسیاری را به خود معطوف داشته و به‌ویژه بحث مور<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) در خصوص تعبیر «علقه» در این آیه شایان توجه است.<sup>۲</sup>

1. Moore

۲. مور یادآور می‌شود که برخی مواردی که قرآن درباره مراحل رشد جنین انسان و به‌ویژه استفاده از تعبیر علقه، به‌عنوان یکی از این مراحل، ذکر نموده تا سی سال پیش ناشناخته بوده و صرفاً پس از ساخت میکروسکوپ بدان‌ها پی برده‌ایم و این مراحل با علم جدید جنین‌شناسی هماهنگ و همخوان است. «علقه» به معنای زالو، لخته خون بسته، و جسم معلق است که به‌درستی وضعیت جنین را در این مرحله، که به دیواره رحم معلق و آویزان است، از نظر شکل و رفتار به زالو شباهت داشته و خون می‌مکد (خونش را از جفت تأمین می‌کند) را توصیف می‌کند.



- رآلیسم (۱۸۴۸): آثار مکتب رآلیسم به روایت عینی وقایع زندگی، از اعمال ناشایست طبقه حاکم تا رنج طبقات زیردست می‌پردازد. بازنمایی واقعیت مورد تجربه انسان‌ها در زمان و مکانی خاص، زندگی، آداب، و مسائل طبقات متوسط و پایین اجتماع و واقعیات مغفول جامعه و باز تولید دقیق و بی‌طرفانه رخداد‌های اجتماع مورد تأکید این مکتب است.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ إِذَا جَفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيَهُ فِي الْيَمِّ... وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا (قصص / ۷-۱۰)

«و به مادر موسی الهام کردیم هنگامی که بر او ترسیدی وی را در دریا بیفکن ... و دل مادر موسی [از شدت غم فرزند] تهی گشت»

آیه با اشاره به احوال مادر موسی (در جریان کشتار کودکان به دستور فرعون)، دورنمایی از احوال جامعه و ظلم و جور فرعونیان ارائه می‌دهد.

- امپرسیونیسم (۱۸۶۵): امپرسیونیست‌ها به بازنمایی فرم اشیا در نور طبیعی در یک زمان خاص و ثبت دقیق و واقع‌گرایانه تأثیرات گذرای نور و رنگ توجه داشتند. عدم اهتمام به جزئیات، توجه به تأثیر کلی اثر و استفاده از رنگ‌های خالص و شفاف، و نقش مایه‌های فاقد مرز از اصول کار ایشان بود.

إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ... صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ... لَا ذُلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا يَشِيءُ فِيهَا (بقره / ۶۸-۷۱)

«گاوی است نه پیر و نه خردسال ... [رنگ آن] زرد خالص روشن و زربینی است که مایه مسرت بینندگان است ... نه رام است تا زمین را شخم زند و نه کشتزار را آبیاری کند، بی‌نقص است و هیچ لکی در آن نیست».

در ماجرای مقتول بنی اسرائیل از وقایع مربوط به زندگی حضرت موسی (ع)، سفارش الهی برای یافتن ماده گاوی با رنگ زرد خالص، بی‌نقص، نه پیر نه کم‌سن، و نه رام که باید به زودی ذبح گردد اما باید به نگاه بیننده خوش بیاید تأمل برانگیز است؛ ضمن آنکه توصیف بینابینی گاو از حیث سن و سال و کاربری، بر اراده و تأکید گوینده بر عدم ترسیم مرزهای مشخص کننده دلالت دارد.

- پوانتالیسم (۱۸۸۴): با جای گذاری دقیق نقاط مغایر و متباین، اثری خلق می‌شود که در نگاه از فاصله دورتر، دیگر، نقاط دیده نمی‌شوند بلکه از پس انبوه پرش میان این نقاط (multitude of chromatic impulses) و ترکیب آنها در ذهن بیننده، نهایتاً تصویر کلی با شدت و وضوح بیشتری پدیدار می‌گردد (شرودر، ۲۰۱۷).

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ در سوره مبارکه الرحمن ۳۱ مرتبه در فواصل آیات تکرار شده است.<sup>۲</sup>

اگرچه شاید بتوان گفت هر آیه (به‌عنوان واحد بیانی متن قرآن) نقش نقطه در هنرهای بصری را ایفا می‌کند اما این نقش در سوره الرحمن برجسته‌تر شده است و از این رو می‌توان تکرار ۳۱ باره آیه پرسشی «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در میان دیگر آیات تبیینی این سوره را مورد توجه قرار

1. Schröder

۲. به‌عنوان نمونه دیگر می‌توان به آیه «قَوْلٌ يُؤْمَدُ لِلْمَكْذِبِينَ» در سوره مرسلات اشاره کرد که ۱۰ مرتبه در فواصل آیات تکرار شده است.



نسبیت واقعیت، به هم تنیدگی پدیده‌ها و تأثیر متقابل وجوه هستی‌دالالت دارد.  
فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلِي مُدَبِّرًا لَّوَّمٌ يُعَقِّبُ (نمل/۱۰) ... فَالْقَاهَا فَيَاذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى (طه/۲۰) ...  
فَالْقَى عَصَاهُ فَيَاذَا هِيَ تُعْبَانُ مُبِينٌ (اعراف/۱۰۷)

«همین که دید چنان جست و خیز می‌کند که گویا ماری [باریک و تندر] است، فرار کرد و به عقب برنگشت ... پس موسی آن را افکند که ناگهان ماری شد که به هر سو می‌شتافت ... پس عصای خویش را بیفکند و در دم ازدهایی آشکار شد»

صحنه مربوط به افکندن عصای موسی (ع) و پدید آمدن مار از آن، در سه آیه از قاب قرآن شرح شده و از سه تعبیر «جان»، «حیه» و «تعبان» در توصیف این مار استفاده شده است. در واقع، تعبان به وجه عظمت مار، جان به وجه سرعت و چابکی آن، و حیه به وجه زنده‌بودن آن اشاره دارد و به یک پدیده از سه بعد مختلف می‌نگرد.

به عنوان نمونه دیگر می‌توان به صحنه «ضیف ابراهیم» در چهار سوره قرآن اشاره کرد که می‌توان گفت تقریباً هر کدام، وجهی از ماجرا را پررنگ کرده و با جزئیات بیشتر توصیف می‌کند: ذاریات/۲۴-۳۴ (پذیرایی از مهمان، ترس)، حجر/۵۱-۵۸ (بشارت فرزند، امید)، هود/۶۹-۷۳ (واکنش به بشارت فرزند، هیجان)، عنکبوت/۳۱-۳۲ (خبر عذاب قوم لوط، نگرانی). مجموع این آیات در قرآن، تصویر کامل این رویداد را ترسیم می‌نماید.

- فوتوریسم (۱۹۰۹): از جنبش‌های ادبی هنری که با بیانیه‌هایی ساختارشکن به ایجاد و تجسم سرعت و حرکت در اثر هنری تأکید می‌ورزید. هنرمندان این جنبش سعی داشتند سرعت بصری حرکت را به تجسم در آورند. در بخشی از بیانیه این جنبش آمده است: «زمان و فضا رخت بر بستند. ما اکنون در مطلق به سر می‌بریم زیرا سرعت جاودانه و همه‌جا حاضر را آفریده‌ایم ... ما بر آنیم تا تاختن، گام‌های بلند و جهش‌های سهمگین را پاس بداریم ... و اعلام می‌داریم که شکوه جهان به زیبایی نوینی آراسته شده است: زیبایی سرعت» (مارینه‌تی، ۱۹۸۳، صص. ۱-۴).

قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ (نمل/۳۹-۴۰) ... وَالْعَادِيَاتُ ضَبْحًا، فَالْمُورِيَاتُ قَدْحًا، فَالْمُغِيرَاتُ صُبْحًا، فَأَنْزِلُنَّ بِهِ نَعْمًا، فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا، إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ، وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ، وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (عاديات/۱-۸)

«عفریتی از جن گفت من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی، آن کس که به علمی از کتاب الهی دانا بود گفت من پیش از آنکه چشم برهم زنی تخت را بدین جا آرم [و همان دم حاضر نمود]» آیات سوره نمل از لحاظ مضمون و محتوا، و آیات سوره عادیات از حیث لفظ و ریتم رویکردی فوتوریستی دارند. سید قطب درباره سوره عادیات می‌نویسد: «سیاق این سوره در برخوردی سریع و حرکت آفرین جریان دارد که بر اثر پرش و جهش و دویدن با چابکی و سرعت از یکی به دیگری منتقل می‌شود تا به آخرین آیه برسد» (قطب به نقل از خوش‌منش، ۱۳۹۴، ص. ۱۹۸).

- دادائیسیم (۱۹۱۵) (صرف نظر از باورهای پوچ‌گرایانه این جنبش): عقاید و رفتار دادائیسیت‌ها مبتنی



بر نقض قوانین اجتماعی، سنت‌های حاکم و اصول عقلانی مسلط بود و البته در پس این ویرانگری، در پی خلق دنیایی عاری از جنگ و نفرت بودند. دادائیس‌ها شیوه جدیدی در هنر ابداع نکردند بلکه شیوه‌های مرسوم سنتی را در قالبی انتقادی زیر سؤال بردند.

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (ال عمران/ ۴۳)

«ای مریم! برای پروردگارت خضوع کن و سجده به جای آور و بار کوع کنندگان رکوع نما»

در سنت یهود، نمازخانه معبد خاص مردان بود و حضور زنان در آنجا ابداع پذیرفتنی نبود. در این احوال به حضرت مریم (س) که بانویی زاهد و عفیف بود امر می‌شود که به همراه مردان نماز گزار به سجود و رکوع خداوند پردازد. این هنجارشکنی و تبرا از عقلانیت، سنت، و مقررات اجتماعی زمانه، با هدف نجات و رستگاری امت صورت پذیرفت. تصویر نمازخواندن مریم با عده‌ای از مردان در معبد به اندازه نقاشی‌های دادائیس‌ها شوک آور و هنجارشکنانه است که اگرچه از نگاه جامعه آن روز بسیار قبیح می‌آمد اما به روشنی بیانگر موضع پروردگار نسبت به زنان است.

- کانستراکتویسم (۱۹۱۷): توجه به وجه اجتماعی و کارکردگرایی هنر، ایجاد ساختارهای هندسی آستره با تأکید بر واقعیت مادی زمان و مکان، توجه به فضا و ریتم، حذف تزئینات و عدم تقلید از طبیعت از اصول این جنبش است (بولت، ۱۹۷۶، صص. ۲۰۵-۲۴۰). هنرمند - مهندس در این جنبش باید اثری بیافریند که زندگی در همه وجوه آن را سامان بخشد (مورا، ۲۰۱۵، ص. ۲۷).

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْكُبَىٰ أَيْتًا الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ (مائده/ ۹۷)... مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا (بقره/ ۱۲۵)... وَ لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (حج/ ۲۹)  
«کعبه را مایه قوام و سامان بخشی... و جایگاه اجتماع و مکان امن برای مردم قرار دادیم... گرد کعبه طواف کنید»  
ساخت یک بنای چهارضلعی با حداقل الحاقات (بدون پنجره و تزئین) که کاربرد مسکونی رایج را ندارد و صرفاً با کارکرد قوام‌بخشی و امنیت‌بخشی به اجتماع مردم برپا می‌شود، و ساختار مکعبی این بنای ساده و حرکت چرخشی طواف کنندگان به دور آن، فضا و ریتمی را به وجود می‌آورد که بنا بر کارکرد آیینی و اجتماعی آن، نظم و وحدت را تداعی می‌کند. در خصوص تأثیرات این مناسک در ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی احادیث فراوانی آمده و در قرآن نیز وعده داده شده است «مردم را به حج دعوت کن... تا شاهد منافع گوناگون آن باشند» (حج/ ۲۸).

- سورآلیسم (۱۹۲۴): گسست از تمامی تعینات و قیود دنیای واقع، محور اصلی این مکتب است (تشابه در اینجا شاید تنها از حیث صورت باشد چراکه محتوای سورآلیسم مبتنی بر وهم و عدم تقلید به هرگونه اصل اخلاقی بود). بنا بر نظر آندره برتون که بیانیه جنبش را در ۱۹۲۴ صادر کرد، سورآلیسم بر آن بود تا با پیوند خود آگاه و ناخود آگاه، عالم رؤیا را با جهان روزمره در یک ساحت فراواقع به هم بیامیزد. مخاطب این آثار، آنها را از لحاظ منطبق و عقل روزمره غیرقابل توضیح می‌یابد.

۱. زنان در معبد حق عبور، فراتر از مرز دهلیزی که مختص آنان بود، نداشتند و ورود به صحن داخلی با کیفر مرگ روبرو می‌شد. زنان نه تنها در مراسم مقدس قربانی حق شرکت نداشتند که دیدار آن هم مجاز نبود (آشتیانی، ۱۳۸۳، صص. ۳۳۱-۳۳۲).

۲. رک. قرآنی (۱۳۸۵، ص. ۵۱۲).

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فَرَقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ (شعرا/۶۳)... وَأَتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا (کهف/۶۳)... إني أرى سبع بقرات بسمانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَعْبٌ عَجَافٌ وَسَعْبٌ سُنْبُلَاتٍ خَضْرٌ وَأَخْرَ يَابَسَاتٍ (يوسف/۴۳)

«و به دنبال آن به موسی وحی کردیم عصایت را به دریا زن، دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود ... ماهی بریان [زنده شد و] راه دریا گرفت و برفت ... دیدم که هفت گاو لاغر، هفت گاو چاق را می‌خورند و هفت خوشه خشکیده، هفت خوشه سبز [را از بین می‌برند]»

دریای شکافته شده‌ای که امواج کوه‌پیکر آن در دو سوی مسیر عبور در تلاطم و اهتزازند، ماهی کباب شده‌ای که به سمت دریا می‌رود و خورده شدن گاوهای چاق توسط گاوهای لاغر به هیچ پدیده‌ای در دنیای روزمره شباهت نداشته و ظرفیت‌های دنیای فراواقع و خارج از چارچوب‌های فیزیکی را یادآور می‌گردد.

– هابیررآلیسم (۱۹۶۰): در هابیررآلیسم هنرمند قادر به تولید یک نقاشی است که از فرط نزدیکی به واقعیت، با آن اشتباه گرفته می‌شود.

فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ (نمل/۴۴)

«هنگام ورود به قصر [آبگینه] گمان کرد لجه آبی است [دامن جامه بالا زد و] ساق پاهای خود را برهنه کرد تا از آن آب بگذرد»

در قصه ملکه سبا، قصر آبگینه سلیمان چنان بامهارت بنا شده بود که ملکه سبا کف آن را به اشتباه نه‌ری دید و برای گذر از آن دامن جامه خود را بالا زد.

– هنر مفهومی (۱۹۶۰): مدیوم این هنر، ایده یا مفهوم است که عموماً با ابزارهای زبانی تعیین یافته و گاه به واسطه عکاسی، مستندنگاری می‌شود. در چیدمان «یک و سه صندلی» اثر جوزف کاسوت، یک صندلی چوبی واقعی (شیء فیزیکی)، تصویر یک صندلی (بازنمایی هنری)، و تعریف لغت‌نامه‌ای صندلی (شرح فلسفی) در کنار هم به نمایش گذاشته شده است، بدین معنا که هر کدام از نشانه‌های تصویری و متنی و همچنین خود شیء فقط بخشی از واقعیت صندلی را آشکار می‌سازند.

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ (ق/۴)... وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا (انبیا/۳۲) وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ (فصلت/۱۲) أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ (نحل/۷۹) أَنْ اللَّهُ يَزِجُ سَحَابًا تَمُّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ... فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (نور/۴۳)؛ ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ (فصلت/۱۱) وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (ق/۳۸) وَأَجَلٌ مُّسَمًّى (احقاف/۳)، يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ (سجده/۵) وَلَلَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ (فتح/۴)، خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ (منافقون/۷)، مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ (حدید/۱۰)، أَبْوَابُ السَّمَاءِ (اعراف/۴۰)، وَمَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ (زمر/۶۳) إِنْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ (يونس/۵۵) وَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَعْدَ تَرْوَنَهَا (لقمان/۱۰)

«آیا به آسمان بالای سرتان نمی‌نگرید؟؛ سقفی است محفوظ و مزین به چراغ‌های ستارگان که پرندگان در آن به پروازند و ابرها را در آن به حرکت در می‌آورد و به هم در پیوندد ... قطرات باران از میان ابرهای کوه‌پیکر فرو ریزد و نزدیک است برق صاعقه، روشنی چشم‌ها را برسد؛ ابتدا دخان بوده و به همراه زمین

۱. اشاره به واقعیت فیزیکی آسمان.

۲. آیات تصویر پردازانه.



و آنچه میان آنهاست در شش روز و برای مدتی معین خلق شده، محل تدبیر امور عالم است و لشکریان، گنجینه‌ها، میراث، درها و کلیدهای آن از آن خداوند است و ستون‌های آن برای شما قابل رؤیت نیست»<sup>۱</sup> در آیات مزبور به ترتیب به واقعیت فیزیکی، تصویری، و توضیحی (جیستی، چرایی و چگونگی) آسمان توجه داده شده است. چنین تبیینی در خصوص کوه‌ها، زمین، و برخی دیگر پدیده‌ها نیز در قرآن وجود دارد. علاوه بر نمونه مزبور، توجه به ایده/مفهوم در قالب‌های دیگری نیز مطرح است؛ به‌طور مثال، مفهوم زمان یا به‌طور خاص، نسیت زمان و انقباض و انبساط آن، در قالب پرفورمنس (به عنوان یکی دیگر از شاخه‌های هنر مفهومی) زنده کردن الاغ در برابر دیدگان عزیز نبی (بقره/۲۵۹) و زنده کردن پرندگان برای حضرت ابراهیم (بقره/۲۶۰) قابل تأمل است. این مفهوم همچنین، از فحوای برخی آیات دیگر نیز قابل دریافت است: یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سال‌هایی است که می‌شمردید (حج/۴۷) و فرشتگان و روح به‌سوی خدا بالا روند در روزی که مدت‌ش پنجاه هزار سال خواهد بود (معارج/۴).

– هنر مشارکتی/تعاملی (۱۹۶۱): تکمیل اثر در این هنرها مستلزم کنشگری و مشارکت فیزیکی و ذهنی مخاطب است (آلمنبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰، ۱۱-۹) و امکان تغییر آفرینشگری توسط مخاطب مفروض است. (آیاتی که سجده واجب دارند شامل) فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (نجم/ ۶۲)، كَلَّا لَا تَطَّعُهَا وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (علق/ ۱۹)، إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَمَرُوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (سجده/ ۱۵)، وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (فصلت/ ۳۷)

امر به سجده واجب پس از شنیدن یا خواندن چهار آیه از سوره‌های قرآن، صراحتاً به لزوم مشارکت و کنشگری فیزیکی مخاطب<sup>۳</sup> اشاره داشته و به‌طور ضمنی، صرف تلاوت آیه بدون اقدام به سجده را فرایندی ناقص و مختل می‌داند. همچنین، تعامل و کنشگری مخاطبان قرآن (به‌ویژه وابستگی و کنش آفرینشگر به کنش مخاطب) مفهوم مبنایی بسیاری از آیات است، از جمله: «اگر خدا را یاری کنید خدا نیز شما را یاری می‌کند» (محمد/۷)؛ «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» (بقره/۱۵۲)؛ «به عهد من وفا کنید تا به عهدتان وفا کنم» (بقره/۴۰)؛ «اگر برگردید باز می‌گردیم» (اسرا/۸)؛ «و مکر کردند و ما نیز مکر نمودیم» (نمل/۵۰)؛ «شما را فراموش می‌کنیم همان‌طور که

۱. آیات توضیحی.

## 2. Almenberg

۳. پیدایش و رواج هنرهای مشارکتی و تعاملی در عصر جدید را به دلیل اهمیت یافتن بیش از پیش مصرف‌کننده [یا مخاطب]، انتخاب وی و سهم آفرینش‌گری او دانسته‌اند (آلمنبرگ، ۲۰۱۰، صص ۲-۴) و جالب آنکه به‌نظر می‌رسد چنین امری در قرآن بسیار مورد توجه بوده است چرا که نقل مطالب در قرآن اغلب توالی خطی ندارد (اگرچه به‌طور مثال داستان حضرت یوسف(ع) در یک سوره یا توالی خطی بیان شده اما درباره پیامبرانی نظیر حضرت ابراهیم(ع) و موسی(ع) چنین نیست) و برای یافتن و تکمیل تصویر کامل، کنشگری و جستجوی خواننده را در سوره‌های متعدد طلب می‌نماید تا بدانجا که تفسیر قرآن به قرآن، که به همین شیوه دلالت دارد، از روش‌های کهن، شناخته‌شده و متداول در میان مفسرین (فتحی، ۱۳۸۸، ص. ۲۰) بوده است. در همین راستا، نمونه دیگری از به‌تعمیل فراخواندن مخاطب در قرآن را می‌توان به‌واسطه طرح مسأله در یک آیه و پاسخ به آن در آیات دیگر دانست، به‌طور مثال: «و اگر در آنچه بر تو نازل کرده‌ایم تردید داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خواندند پرس (یونس/۹۴)» که خواننده برای یافتن پاسخ این چالشگری باید به آیات دیگر در سوره‌های دیگر مراجعه نماید: آنچه بسیار پیامبران که در اقوام پیشین فرستادیم و مسخره‌شان کردند] و اگر از آنان بررسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است، قطعاً می‌گویند: الله (زخرف/۹)، [عیسی با بیانات روشن نزدشان آمد... و اختلاف ورزیدند] هر گاه از آنان سؤال کنی چه کسی آنان را آفریده است، مسلماً می‌گویند: الله (زخرف/۸۷)، و هر گاه از آنان سؤال کنی کیست که از آسمان باران نازل سازد... به یقین جواب دهند که آن خداست (عنکبوت/۳۳) و آیات دیگر که وجوه دیگری از پاسخ را ارائه می‌دهند.

شما فراموش کردید» (جائیه/۳۴) «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» (غافر/۶۰)، «اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است» (ابراهیم/۷).  
- آبسترکتیویسم (۱۹۶۴): آبستره یا انتزاع به ترسیم تصاویری دلالت دارد که به ابژه شناخته شده‌ای اشاره ندارند. هنر انتزاعی از حیث درجات بازنمایی متنوع است و با به حداقل رساندن یا حذف عناصر روایی شکل می‌گیرد.

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (نجم/۹): وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (حجر/۸۷)

«به اندازه دو قوس کمان یا نزدیک تر... ما به تو هفت مثانی و قرآن عظیم را عطا کرده‌ایم»  
در موارد متعددی نظیر آیات مذکور، بر دلالات مورد نظر آیات قرآنی اتفاق نظر نیست و این وجه از انتزاع تعمودی به نظر می‌رسد. نقش مایه‌های هندسی دو نیم‌دایره نزدیک به هم از آیه اول، و مفهوم بسیار موجز و بدون توضیح هفت مثانی<sup>۱</sup> در آیه دوم از مصادیق این انتزاع به شمار می‌روند.  
- مینیمالیسم (۱۹۶۵): جنبشی هنری که گزاره‌های خود را با منابعی محدود و چه بسا حداقلی به صورت عینی، شرح‌ندادنی و غیرارجاعی اظهار می‌دارد. آثار مینیمالیستی غالباً فاقد مضمون، روایت، ترکیب‌بندی و مؤلفه‌های احساسی یا بیانگرانه است و از این رو توجه بیننده صرفاً معطوف به خود شیء است.

«الم (بقره/۲)؛ کهیصص (مریم/۲)؛ حم عسق (شوری/۲-۳)» نمونه‌هایی قرآنی از این سبک به شمار می‌آیند؛ ۲۹ سوره از قرآن با مقطعات آغاز می‌شود که درباره معنا، تفسیر و وجه ارجاع و بیانگری آنها اتفاق نظر وجود ندارد.

- دیکانستراکتیویسم (ساختار شکنی)<sup>۲</sup> (۱۹۸۲): ساختار شکنی «در قالب یک طرح تفکر انتقادی، مفاهیمی را که شکوفایی و بالندگی کل یک دوران متافیزیک مرهون آنهاست و در یک دوره فکری به مثابه بدیهیات و قوانین تلقی می‌شوند مورد چالش قرار می‌دهد» (دریدا،<sup>۳</sup> ۱۹۷۳، ص. ۳۲) و آنها را در شکل و جایگاهی متفاوت<sup>۴</sup> عرضه می‌کند. ساختار شکنی به دلیل زیر سؤال بردن اصالت و قطعیت معانی مسلم پنداشته شده، تردید آفرین است و در عین حال مخاطب را در معرض لایه‌های دیگری از معنا قرار می‌دهد.

فَجَعَلَهُمْ جَذَاذِلًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ ... قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ (انبیا/۵۸-۶۳): جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذِنَ مُؤَدِّنَ أُيْتَهَا الْعَبْرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ (یوسف: ۷۰): وَأَمَّا الْعَلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يَرَهُمَا طَعْبَانًا وَكُفْرًا (كهف/۸۰)  
[ابراهیم همه] ب‌ها مگر بت بزرگشان را شکست ... و گفت: بزرگشان این کار را انجام داده است ...

[یوسف] پیمانانه را در بار برادرش گذاشت، سپس ندا دهنده‌ای بانگ زد: ای کاروان، یقیناً شما دزد هستید ... [آن] نوجوان [را کشتم زیرا] پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدم که آن دو را [در آینده] به طغیان و کفر بکشاند»  
قیح دروغ، تهمت، و قتل از اصول مسلم و قطعی تمامی ادیان و جوامع انسانی است و ارتکاب به این گناهان کبیره به شدت مذموم است، باین حال آیتاتی از قرآن با رویکردی ساختار شکنانه انجام این موارد را به اذن خداوند در جهت نیل به اهدافی والا تر و به منظور تعلیم معانی ظریف تر و عمیق تر برای برخی بندگان خاص مجاز شمرده است.

۱. ر. ک. مقاله «تعامل تفسیر و حدیث در تعیین سبع المثانی» از اری ربین، ترجمه مرتضی کریمی نیا.

۲. آنچه تحت عنوان ساختار گرایی رایج است ترجمه structuralism است. برای این نظریه و رویکرد نقد ادبی در قرآن، ر. ک. مقاله به سوسی تفسیر مدرن سوره کهف، ساختار و نشانه‌شناسی اثر ایوان ریچارد نئون و ساختار شکل‌گیری معنا در سوره کافرون به مثابه اثری ادبی از دیدگاه نظریه ساختار گرایی اثر صادق خورشیا، محمدهادی مرادی و حسام حاج‌مؤمن.

3. Derrida

4. deformation and dislocation



## جدول ۱. آیات قرآن و نمونه‌های متناظر در مکاتب هنری مدرن

مکاتب هنری	آیات قرآن	مفاهیم بسیار عملیاتی
رمانتیسم	(یوسف/۲۳) ماجرای زلیخا و حضرت یوسف (ع)	ارزش تجربه شخصی و فردی؛ بازنمایی دریافت‌های شهودی و غریزی؛ قهرمان و احساسات و درگیری‌های درونی او؛ هیجانات عاطفی و نیروهای لجام‌گسیخته
ناتورالیسم	(قیامت/۴) آفرینش خطوط سر انگشتان؛ و (مؤمنون/۱۲) مراحل رشد جنین	تقلید موبه‌مو از طبیعت و توجه دقیق به جزئیات؛ توجه به کیفیت فیزیک و نه اخلاقی یا عقلانی؛ عدم قضاوت ارزشی؛ استناد به قطعیت علمی
رالیسم	(قصص/۷-۱۰) دستور قتل نوزادان پسر توسط فرعون و به دریا افکندن موسی توسط مادرش	روایت عینی وقایع زندگی انسان‌ها در زمان و مکانی خاص، پرداختن به مسائل طبقات متوسط و پایین اجتماع و واقعات مغفول جامعه؛ باز تولید دقیق و بی طرفانه رخداد‌های اجتماع
امپرسیونیسم	(بقره/۶۸-۷۱) سفارش الهی برای یافتن گاوی با خصوصیات ویژه در ماجرای مقتول بنی اسرائیل	بازنمایی اشیا در نور طبیعی در زمانی خاص؛ ثبت واقع‌گرایی تأثیرات گذرای نور و رنگ؛ توجه به تأثیر کلی اثر و استفاده از رنگ‌های خالص و شفاف و نقش مایه‌های فاقد مرز
پوانتالیسم	«فَبَآئِیَآءٍ رَّكِبًا تَكْدِبَانِ» و تکرار ۳۱ باره آن در سوره الرحمن	جای گذاری دقیق نقاط مغایر و متباین و ترکیب آنها در ذهن بیننده
سمبولیسم	(نور/۳۵) استفاده از مشکات، مصباح، زجاجه و درخت زیتون در نمادپردازی نور الهی	بیان حقایق عمیق تر هستی به صورت غیر مستقیم و با واسطه از طریق نمادها
اکسپرسیونیسم	(تکویر/۱۲-۱۱) توصیفات وهم‌انگیز روز قیامت	پرداختن به موضوعات دراماتیک؛ بیان بن‌مایه‌هایی از ترس، عشق، نفرت، تئویش و تلاطم؛ ترسیم «پسچینگی‌های رنگ‌پررنگ شونده، تنوع برآشوبنده و تدریج‌های دگرگون‌شونده»
کوبیسم	(نمل/۱۰) جان، طه (۲۰) حیثه، و (اعراف/۱۰۷) نعیان در توصیف ماری که از عصای موسی (ع) پدید آمد	مشاهدهٔ ایزه از منظرهای گوناگون و تلفیق این مشاهدات به عنوان واقعیت جدیدی از ایزه؛ توجه به ساختار فرم، نسبت و واقعیت، بهم تنیدگی پدیددها و تأثیر متقابل وجوه هستی
فوتوریسم	(نمل/۳۹-۴۰) حاضر نمودن عرش سبا برای سلیمان (ع) در کمتر از چشم برهم زدنی؛ و موسیقی آیات سوره عادیات	ایجاد و تجسم سرعت و حرکت
دادانیسم	(ال عمران/۴۴) دستور خداوند به مریم (س) برای به‌جا آوردن نماز با مردان معبد	نقض قوانین اجتماعی و اصول عقلانی حاکم و خلق دنیایی عاری از جنگ و نفرت در پس این ویرانگری؛ زیر سؤال بردن شیوه‌های مرسوم سنتی در قالبی انتقادی
کانستراکتیویسم	(مائده/۹۷) توصیف ساختار هندسی بنای بدون تزئین کعبه از وجه کارکرده (بقره/۱۲۵) وجه اجتماعی، (حجج/۲۸) هدف و (حجج/۲۹) فضا و ریتم	توجه به وجه اجتماعی و کارکردگرایی هنر؛ ایجاد ساختارهای هندسی آستره با تأکید بر واقعیت مادی زمان و مکان؛ توجه به فضا و ریتم؛ حذف تزئینات و عدم تقلید از طبیعت؛ خلق اثر با هدف سامان‌بخشی به وجوه گوناگون زندگی
سورالیسم	(شعرا/۶۳) عبور موسی (ع) از دریای شکافته شده؛ (کهف/۱۲۳) بازگشت ماهی بریان شده به دریا؛ (یوسف/۴۳) خورده شدن هفت گاو چاق توسط هفت گاو لاغر	گسست از تعینات و قیود دنیای واقع؛ درهم آمیختن عالم رؤیا با جهان روزمره و پیوند خود آگاه و ناخود آگاه
هایپررالیسم	(نمل/۴۴) اشتباه گرفتن آنگینة کف قصر سلیمان با حوضچهٔ آب توسط ملکه سبا	تولید اثری که از فرط نزدیکی به واقعیت، با آن اشتباه گرفته شود
هنر مفهومی	(بقره/۱۲) توجه دادن قرآن به آسمان فیزیکی در کنار (انبیاء/۱)؛ فصلت: ۱۲، نحل: ۷۹، نور: ۴۳؛ توصیفات تصویرپردازانه از آسمان و (فصلت: ۱، ق: ۱، ۲، ۳، احقاف: ۱۰، ۱۰۰ (...)) آیات توضیحی پیرامون آن	بیان وجوه تازه‌ای از واقعیت با استفاده از مفهومی ایده با مفهوم؛ تأکید بیشتر بر مفهوم ایده به نسبت فرم
هنر مشارکتی / تعلیمی	(نجم/۲۲، علق/۱۹، سجده/۱۵، فصلت/۳۷) آیاتی که سجده واجب دارند؛ (غافر/۶۰، انفال/۶۱-۶۵) آیاتی که مخاطب را به کنشگری فرامی خوانند؛ یا (ابراهیم/۷) آفرینشگری را مقید به کنشگری مخاطب اعلام می کنند	تبیین آفرینشگری مؤلف و فرایند تکامل اثر از کنشگری و مشارکت فیزیکی و ذهنی مخاطب؛ امکان تغییر آفرینشگری توسط مخاطب
آبسترکتیویسم	(نجم/۹) تمایز دو قوس کمان نزدیک بهم؛ و (حجر/۸۷) هفت مثالی	به حداقل رساندن یا حذف عناصر روایی؛ ترسیم تصویری بدون دلالت مشخص
مینیمالیسم	الم (بقره/۲)؛ کهعصی (مریم/۲)؛ حم عسق (شوری/۲-۳)	خلق اثر با منایعی محدود و حداقلی به صورت عینی، شرح‌نقدانی و غیرارجاعی؛ حذف مضمون، روایت، ترکیب بندی و مؤلفه‌های احساسی یا بیاترانه
دیکانستراکتیویسم (ساختار شکنی)	(انبیا/۵۸-۶۳) نسبت دادن شکستن پت‌ها به بت بزرگ توسط ابراهیم در حالی که خود مرتکب آن شده بود؛ (یوسف/۷) اتهام دزدی به بنیامین توسط برادرش یوسف؛ و (کهف/۸۰) کشتن جوانی که در صورت زنده ماندن والدین خود را به کفر می کشاند	زیر سؤال بردن اصالت و قطعیت معانی مسلم پنداشته شده؛ قرار دادن مخاطب در معرض لایه‌های دیگری از معنا



لازم به ذکر است که نسبت اطمینان در تناظر مورد بحث، در موارد مختلف متفاوت است و چه بسا صاحب‌نظران در هر مورد، به آیاتی دیگر استناد نموده یا حتی مکتب هنری دیگری را قابل افزودن به لیست ارائه شده ببینند.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد هدف از این بحث صرفاً اشاره به گشوده بودن باب گفت‌وگو با قرآن از منظر گفتمان‌ها و پارادایم‌های مدرن است و به‌طور قطع پیشروی در این مسیر مستلزم تفحص و مطالعات دامنه‌دارتری است.

### نتیجه‌گیری

اگرچه پیرامون فنون و صنایع ادبی، فصاحت و بلاغت زبانی و اعجاز و ظرائف کلامی قرآن (که به‌ویژه در عصر جاهلی دست‌مایه جذب بسیاری به دین مبین اسلام گردید)، بسیار سخن رفته، اما چنانچه در این بحث مشخص شد آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته پویایی و امتداد این ویژگی تا عصر حاضر و بیانگری معارف با شیوه‌ها و شگردهای بیانی امروزی است. بحث ارائه‌شده نه مدعی ارائه قرائت کاملی از انواع شیوه‌های بیانی قرآن است و نه داعیه پرداختن به تمامی جزئیات مفاهیم و مقولات مطرح در مبانی نظری مکاتب هنری غربی را دارد، بلکه صرفاً تناظر میان این دو قلمرو را از حیث مفهوم مورد بررسی قرار داده و به این مهم دست یافت که مفاهیم سیار از «ارزش تجربه شخصی و فردی»، «تقلید موبه‌مو از طبیعت»، و «ایجاد و تجسم سرعت و حرکت» گرفته تا «نقض قوانین اجتماعی و سنت‌های حاکم و اصول عقلانی مسلط»، «کارکرد گرایشی»، و «حذف عناصر روایی» و غیره، در طول تاریخ و در گستره جغرافیایی تمدن‌های گوناگون، شکل و شیوه بیان حقایق و واقعیت‌ها را متأثر ساخته است.

تناظر مزبور بیش از آنکه به عنوان اعجازی دیگر از قرآن یا کارآمدی آن در جهان امروز مورد استناد قرار گیرد، حاکی از «انسانی بودن» رویکرد بیانی این کتاب است و به راز ماندگاری آن اشاره دارد، و البته چه بسا بتوان گفت در این کتاب از رویکردهای متنوع هنری برای جلب توجه مخاطب استفاده شده و بر همین اساس، اهمیت خوانش هنری قرآن را دوچندان می‌نماید. مکتب‌های هنری (که خود متأثر از اجتماع و نحله‌های فلسفی دوران هستند) گرچه در فرایندی تدریجی شکل گرفته‌اند، هر یک به‌نوعی، جنبه‌هایی از ارتباط انسان و جهان پیرامون را مدنظر داشته و از این رهگذر پاسخ‌گوی پرسش یا نیازی بشری بوده‌اند و بدین ترتیب در تاریخ ماندگار و تأثیرگذار گشته‌اند.

این تناظر حاکی از توجه کلام وحی به اهمیت این ارتباط (که در عرفان و کلام اسلامی از آن تحت عنوان ارتباط جهان‌های آفاقی و انفسی یا عوالم صغیر و کبیر یاد شده) و جایگاه قرآن در پاسخ‌گویی به سؤالات بشری است. به‌علاوه، نشان می‌دهد که خالق‌ی که بر انسان



و نیازهایش محیط است، درصدد پاسخ به پرسش‌های وی برآمده و برای برقراری ارتباط با او، بنا به اقتضائات زمانه، اهتمام ورزیده است.

این امر، علاوه بر رمز ماندگاری قرآن، دلالتی محکم بر لزوم مراجعه به این منبع و خزانه الهی در عصر حاضر دارد؛ عصری که به بهانه تغییرات بنیادین، جهان قدیم و جدید را نه در امتداد یکدیگر بلکه دو پارادایم آشتی‌ناپذیر جلوه داده و چنین آثاری را مغفول یا وانهاده است.

به عبارت دیگر، اهتمام قرآن به برقراری ارتباط با انسان هر دوره، از جمله دوران معاصر، با شیوه بیانی خاص وی، علاوه بر اشاره به اعجاز قرآن و اهمیت خوانشی نواز آن، غفلت از تعالیم این کتاب را زیان‌بار می‌داند؛ در [روز قیامت] رسول [با دریغ] عرض کند: بارها! اَمّت من این قرآن را مهجور و متروک رها کردند (فرقان: ۳).

## منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۵ ش). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: پیام آزادی.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۸۳ ش). تحقیقی در دین یهود، چاپ سوم، تهران: نگارش.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰ ش) حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
- اردلانی، حسین؛ سلیمی، همایون؛ اکبری، مجید؛ گودرزی، حجت (۱۳۹۴ ش). تجسم احساس در اندیشه ژیل دلوز؛ بررسی نقاشی‌های فرانسیس بیکن، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، شماره ۱۶، صص ۲۲-۱.
- اریاوچ، آکس (۱۳۸۱ ش). پایان هنر، فصلنامه اینترنتی طاووس، شماره ۱۱.
- بکولا، ساندر (۱۳۹۲ ش). هنر مدرنیسم، ویراستار روین پاکباز، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ معاصر.
- پاشازانوس، احمد؛ نظری، علیرضا؛ فولادی، مریم (۱۳۹۴ ش). تحلیل عناصر نقش‌مند در انسجام‌بخشی به ساختار آوایی متن قرآنی، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۷، صص ۴۲-۲۵.
- حسینی‌راد. عبدالمجید (۱۳۹۵ ش). مبانی هنرهای تجسمی، چاپ هفتم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- خالدی، عبدالفتاح صالح (۱۹۸۹ م). نظریه تصویر عند سید قطب، السعودیه: دارالمناره.
- دلوز، ژیل (۱۳۹۲ ش). سینما ۱، تصویر حرکت، ترجمه مازیار اسلامی، تهران: مینوی خرد.
- سید قطب، (۱۴۲۳ق) مشاهد القیامه فی القرآن، قاهره: دارالشروق.
- ضیمران، محمد (۱۳۸۳ ش). ژیل دلوز و فلسفه دگرگونی و تباین، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۸۰ و ۸۱، صص ۵۷-۴۸.
- فتحی، علی (۱۳۸۸ ش). مبانی قرآنی تفسیر قرآن به قرآن، معرفت، سال ۱۸، شماره ۱۳۶، صص ۳۵-۱۹.
- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۹ ش). سید قطب و نظریه تصویر هنری در قرآن، تحقیقات علوم قرآن و

- حدیث، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۶۳.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۵ ش). تفسیر نور، جلد اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قهرمانی، محمدباقر؛ پیروای ونک، مرضیه؛ مظاہریان، حامد؛ صیاد، علیرضا (۱۳۹۶ ش). درهم تنیدگی فولدهای فضایی و جسمانی در سینمای باروک، نامه هنرهای نمایشی و موسیقی، شماره ۱۴، صص ۷۱-۸۶.
- گاردنر، هلن (۱۳۹۳ ش). هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: نگاه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۴ ش). مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: هرمس.
- میر، مستنصر و عبدالرئوف، حسین (۱۳۹۰ ش). مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی: رویکردهای زبانی، ترجمه ابوالفضل حرّی، تهران: نیلوفر.
- Almenberg, Gustaf (2010). Notes on Participatory Art: Toward a Manifesto Differentiating It from Open Work, Interactive Art and Relational Art, Milton Keynes: AuthorHouse.
- Bal, Mieke (2002). *Traveling Concepts in the Humanities: A Rough Guide*, Toronto: University of Toronto Press.
- Bogue, Ronald (2007). The Art of the Possible, *Revue Internationale de Philosophie*, vol.3, no. 241, pp. 273-286.
- Bowl, John (1976). *Russian Art of the Avant-Garde: Theory and Criticism 1902-1934*, New York: Viking Press.
- Derrida, Jacques (1973). *Speech and Phenomena, and Other Essays on Husserl's Theory of Signs*, trans. by David B. Allison, Northwestern University Press.
- Halliday, Hasan (1976). *Cohesion in English*, London: Longman.
- Madoff, Steven Henry (2009). *Art School: (propositions for the 21st Century)*, MIT Press.
- Marinetti, Filippo Tommaso (1983). *Manifesto of Futurism: Published in Le Figaro*, Yale Library Associates.
- Moore, Keith L. (1986). A scientist's interpretation of references to embryology in the Qur'an, *Journal of the Islamic Medical Association of North America*, vol.18: 15-17.
- Mura, Gianluca (2015). *Analyzing Art, Culture, and Design in the Digital Age*, Hershey: IGI Global.
- Sauvagnargues, Anne (2013). *Deleuze and Art*, trans. by Samantha Banks-ton, London: Bloomsbury Pub.
- Schröder, Klaus Albrecht (2017). *Ways of Pointillism: Seurat, Signac, Van Gogh*, Hirmer Publishers.
- Slaby Jan; Mühlhoff, Rainer; Wüschner, Philipp (2019). *Concepts as Methodology*, A



Plea for Arrangement Thinking in the Study of Affect, in *Analyzing Affective Societies: Methods and Methodologies*, ed. Kahl, A., New York: Routledge, pp. 27-42.

## تاکتیک‌های نفوذ دشمن در جامعه اسلامی از منظر قرآن کریم

مر ترضی سلطانی: <sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع)،  
دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۴۸ - ۲۹  
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

### چکیده

نفوذ بیگانگان و دشمنان در سرزمین و فکر مسلمانان، سابقه‌ای به وسعت تاریخ اسلام دارد. از صدر اسلام تا کنون منافقان، اهل کتاب و سایر دشمنان دین در تلاش بوده‌اند تا به هر نحوی روزنه‌ای برای تحت تأثیر قرار دادن عقاید، فرهنگ، اقتصاد و... جامعه اسلامی بیابند. دشمنان، هنگامی که در خود توان رویارویی نظامی و مستقیم را نبینند، می‌کوشند از نقاط ضعف مسلمانان نهایت بهره را برده و در جهت مقاصد پلید خود بهترین استفاده را بنمایند. اصطلاحاً، نفوذ دشمن بیشتر به تاکتیک‌های غیرمحسوس و پنهانی آن‌ها جهت اعمال توطئه خود اشاره دارد؛ قرآن کریم در این میان نگاهی ویژه به مسئله نفوذ و اقسام و انواع آن دارد. بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که در قرآن کریم، استفاده از جاسوسان، روابط صمیمانه با بیگانگان، شایعه‌پراکنی، تبلیغات و القای شبهات، تبعید یا حذف فیزیکی رهبران دینی جامعه، ترور شخصیتی رهبران، اغفال مسلمانان از طریق تظاهر به دوستی، افشای اسرار مسلمانان، برداشت ناصحیح از فضائل اخلاقی، ایجاد تنگناهای اقتصادی، سوءاستفاده از چهره‌های موجه در جامعه، نافرمانی از دستورات رهبر جامعه، تخریب مراکز فرهنگی و نفوذ در آن‌ها، جنگ روانی و قرار دادن توده مردم در استضعاف فکری، کارآمدترین ابزارها و ترفندهای دشمن جهت نفوذ است که در این مقاله به تفصیل مستندات آن جمع‌آوری شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نفوذ، نفوذی، دشمن‌شناسی، بیگانگان، توطئه، جنگ نرم.



## مقدمه

دشمنان هر نظام و مکتبی (اعم از دینی یا غیردینی)، بر آن‌اند تا برای ضربه‌زدن و اجرایی ساختن سیاست‌های خصمانه خود، طرح‌ها و نقشه‌هایی را سامان داده و رقیبی که اندیشه‌ها و آرمان‌هایش با منافع آن‌ها در تضاد است را از صحنه خارج کنند. طبعاً نظام حکومتی پیامبر اعظم و نیز انقلاب اسلامی ما، از این قاعده مستثنا نبوده و به جهت اندیشه‌های ضداستکباری و آرمان‌های عدالت‌خواهی، با دشمنانی از خارج و داخل که منافعشان نه تنها منطبق با اسلام نیست؛ بلکه در جهت مخالف آن است مواجه بوده، هست و در آینده نیز خواهد بود.

بر اساس آیات قرآن کریم، ارتداد و همرنگ شدن مسلمانان با کفار، آرزوی قلبی کفار بوده است و اگر به مسلمانان دسترسی پیدا کنند از دشمنی دریغ نخواهند کرد: «إِنْ يَتَفَقَّوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُورُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (الممتحنة/ ۲). نیز آنان، تا بر گرداندن مسلمان به آیین کفر آلود خود، از پا نمی‌نشینند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوْدُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ» (ابراهیم/ ۱۳). باید دانست دشمنان برای پیشبرد اهداف شوم خود راه‌های متعددی را بر می‌گزینند.

گاهی مواجهه آن‌ها مواجهه مستقیم بوده و علناً شمشیر تجاوز بر اسلام و مسلمانان را بر کشیده و بر طبل عداوت می‌کوبند؛ گاهی هم وقتی از رویارویی مستقیم مأیوس شده باشند، موقتا دشمنی صریح را کنار گذاشته و با چهره‌ای منافقانه، لباس دوستی یا بی‌طرفی بر تن می‌کنند، اما در عین حال دشمنی خود را حفظ کرده، از راه‌هایی دیگر برای اعمال نفوذ در طرف مقابل استفاده می‌جویند.

انگیزه خیانت دشمن، تنها در مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بر اساس نص قرآن کریم که فرموده: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا...» (البقرة/ ۲۱۷)، به هر نحو ممکن می‌خواهند اسلام زدایی کرده و مردم را از اسلام دور سازند. در یک نگاه کلی می‌توان دریافت مهم‌ترین عاملی که دشمن را در رساندن به اهداف و اعمال تاکتیک‌هایش جهت نفوذ یاری می‌دهد، استفاده از نقاط ضعف طرف مقابل است و همین موضوع، راه را برای نفوذ دشمن باز می‌کند. سابقه این موضوع قدمتی به اندازه خلقت آدمی دارد. برای اولین بار نیز نفوذ در ابناء بشر، با استفاده از همین روش بوده است. هنگامی که ابلیس لعین می‌خواست در حضرت آدم و حوا (ع) نفوذ کند، مسئله جاودانگی انسان و ملک شدن آن‌ها را مطرح نمود که نقطه ضعف ایشان

بود: «... وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکِیْنَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِیْنَ» (الأعراف/۲۰). شایان ذکر است مراد ما از واژه «بیگانه» - که در عنوان پژوهش ذکر شد - همان «دشمن» است. مسئله نفوذ دشمن اخص از دشمن شناسی است و بیشتر به راهبردهای نامحسوس دشمنان برای توطئه و فتنه‌انگیزی اشاره دارد. صدا البته در احادیث و سیره ائمه طاهریین (ع) نیز می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت اما به دلیل وسعت زیاد آن، تحقیق را در قرآن کریم محدود نمودیم. در این مقاله به بررسی این توطئه‌های منافقانه که در قرآن بدان اشاره رفته است، می‌پردازیم و به طور خاص مسئله نفوذ بیگانه را از منظر قرآن کریم و ابعاد مختلف مطرح در قرآن را در مواردی مثل: معنای این اصطلاح در لغت، اصل مسئله نفوذ در قرآن، زمینه‌های نفوذ بیگانگان، راهکارهای مقابله با آن‌ها و... را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۱. مفهوم لغوی «نفوذ»

نفوذ در زبان فارسی با الهام‌گیری از معنای عربی آن، به معنای فرورفتن در چیزی (هدف) (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۲۰۰۲۰؛ معین، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۷۷۸)، تأثیر گذاشتن بر کسی، راه یافتن پنهانی در گروهی یا جایی به منظور هدفی است (عمید، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۸۲۱). از سوی دیگر، مراجعه به کتب لغت عربی و بررسی ریشه این لفظ و مشتقات آن نیز نشان می‌دهد که این لغت به معنای داخل شدن و رخنه کردن در چیزی است. در کتاب مفردات الفاظ القرآن این ماده این گونه تعریف شده است: «نفذ السهم»؛ گذشتن تیر از هدف است، و «ثقب المثقب فی الخشب» زمانی گفته می‌شود که مته چوب را سوراخ کند و از آن طرف بیرون بیاید، و «نَفَذَ فُلَانٌ فِی الْأَمْرِ» یعنی دستور را اجرا ساخت، و نفاذ و نفوذ نیز دو مصدر این ریشه هستند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۱۷). «النفاذ» نیز به معنای گذشتن و عبور کردن و رهایی یافتن از چیزی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۸۹)؛ یعنی همان معنایی که در آیه شریفه سوره الرحمن مراد است: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَمْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» (الرحمن/۳۳). در جایی دیگر، درباره ماده «نفذ» چنین آمده است: «(فعل این کلمه) از باب قعد (يقعد) است و نَفَذَ السَّهْمُ نَفْذًا وَ نَفَاذًا به معنای شکافتن هدف و خارج شدن از آن است، ... و نَفَذَ الْأَمْرُ وَالْقَوْلُ نَفْذًا وَ نَفَاذًا به معنای به اجرا در آمدن و انجام شدن است، «أمر نأفذ» هم به معنای مُطَاع بودن آن است» (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۲، ص ۲۱۳).

## ۲. مفهوم اصطلاحی نفوذ در قرآن کریم

در مورد تعریف اصطلاحی نفوذ نیز تعاریف زیادی بیان شده است. در اصطلاح، نفوذ دشمن یعنی رسوخ، تأثیر، ورود و قدرت‌یابی در مکان یا محیط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی خاص از طریق راهیابی پنهانی یا غلبه یا تأثیرگذاری (اسماعیلی و اسکندری، ۱۳۹۵، ص ۷۸). وقتی دشمن در جهت اعمال توطئه خویش و عملی کردن تاکتیک‌های شیطنت‌آمیز خود موفق عمل کرده و به هدف اولیه یا نهایی خود برسد اصطلاحاً گفته می‌شود در این حالت دشمن نفوذ کرده است.



از این رو وقتی بتواند با ایجاد کودتا یا جنگ و یا هر ابزار نفوذ سخت این هدف را محقق کند باز نفوذ صورت گرفته است.

بنابراین راهبرد نفوذ را باید چنین تقسیم کرد: راهبرد نرم و راهبرد سخت. نفوذ به صورت کلی و مطلق همان نفوذ نرم و بی سروصدا و نامحسوس است. از این رو اگر مقام معظم رهبری نفوذ دشمن را هشدار می‌دهند، مقصودشان همان نفوذ نرم است؛ زیرا خیلی هنر نیست که وقتی دشمن اقدام به جنگ نظامی یا کودتا کرد با آن مقابله کرد؛ بلکه هنر اصلی این است که توطئه نرم دشمن را پیش‌بینی و خنثی کنی. این نوع نام‌گذاری، تسمیه‌الکل بالجزء بوده و در اصطلاح ادبی مجاز است به علاقه‌ی آلت.

به عبارتی تاکتیک دشمن مساوی با نفوذ نیست، بلکه دشمن با یک سری ابزارها نفوذ می‌کند و چون در بسیاری از موارد این نفوذ بی سروصدا و نامحسوس است دیگر اذعان ندارند که دشمن با فلان ابزار و از این طریق ضربه‌ای به ما وارد کرد؛ بلکه صرفاً می‌گویند دشمن نفوذ کرده است. پس وقتی گفته می‌شود نفوذ جایگزین مناسبی برای عملیات نظامی است، مراد همان اتخاذ راهبرد نرم جهت نفوذ است که به همین راهبرد نرم، نفوذ نرم می‌گویند.

بنابراین با توضیحاتی که بیان شد، جواب به این سؤال که آیا نفوذ اعم از نفوذ عمودی (جنگ سخت مثل جنگ فیزیکی، قدرت‌نمایی، تهدید و...) و افقی (جنگ نرم) است، آسان می‌شود. همان‌طور که از تعریف نفوذ برمی‌آید و نیز با عنایت به هدف دشمن از نفوذ، در هر دو حالت، غایت دشمن که تغییر باورهاست محقق شده است. از این رو هر دو حالت مصداق نفوذ هستند.

به عبارت دیگر سؤال اینجاست که آیا نفوذ دشمن شامل اقدامات فیزیکی او و برخوردهای نظامی نیز می‌شود یا فقط شامل اثرگذاری‌های غیرمحسوس و مهارگونه از داخل است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که از آنجایی که اهداف دشمن در برخوردهای فیزیکی نیز تأمین می‌شود این‌گونه برخوردهای فیزیکی را می‌توان نفوذ حساب کرد، اما آن مفهومی از نفوذ که مورد تأکید و توجه است، همان نفوذ به صورت نامحسوس و غیرفیزیکی است.

لازم به ذکر است مفهوم نفوذ در طول تاریخ دچار تطور و دگرگونی شده است. زمانی اراده حکومت‌های خصم با حمله مستقیم و تسخیر یک کشور عینیت می‌یافت و زمانی دیگر با انتصاب دست‌نشانده و زمانی هم با تغییر سیاست و گماردن نیروهای همفکر خود. در مورد ایران نیز زمانی تغییر رژیم، از طریق مهار، درگیر کردن و تغییر از راه نزدیکی و نفوذ بوده است.

### ۳. ماهیت و کاربردهای نفوذ در قرآن کریم

مشتقات ماده نفوذ تنها در سه جای قرآن کریم که همگی در یک آیه هستند، به کار رفته و آن آیه ۳۳ سوره مبارکه الرحمن است: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتِطْعَمْتُمْ أَنْ تُتَفَدُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُدُوا لَا تُتَفَدُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ». اقطار در این آیه، جمع قطر و به معنای نواحی است و نفوذ به معنی شکافتن و گذشتن از جوانب آسمان‌ها می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص. ۱۴۸).



در اینکه این آیه شریفه پیرامون قیامت است یا نه بین مفسران اختلاف است. نظر مفسرانی از شیعه مانند علامه طباطبایی این است که آیه ناظر به احوال روز قیامت است و جنان را بر انسان‌ها مقدم داشته است، زیرا اینان در انجام حرکات سریع، چابک‌ترند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص. ۱۰۷). برخی دیگر نیز نفوذ را در اینجا به معنای فرار از قضای خداوند و خروج از ملکوت و آسمان و زمین او دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص. ۴۴۹).

اگرچه کلمه «نفوذ» در قرآن کریم، در مفهوم خاص مورد نظر ما که رخنه کردن و ورود دشمن در جامعه اسلامی است، به کار نرفته است؛ ولی با تأمل در مفهوم آیات قرآن کریم و تدبیر در آن می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که قرآن کریم در موارد متعدد، خطر نفوذ دشمن را گوشزد نموده است. برخی کلمات دیگر در قرآن کریم، مثل: عدو، خدعه، مکر، حيله و نفاق، با معنای نفوذ دشمن مرتبطند که شاید بتوان گفت نفاق مهم‌ترین تاکتیک دشمن جهت نفوذ در جامعه اسلامی می‌باشد.

شایان ذکر است، آن‌گونه که در فرق میان کید و مکر آمده است، هر دو در این که با تدبیر و تفکر انجام می‌گیرند، مثل هم‌اند؛ جز این که کید قوی‌تر از مکر است زیرا کید خود می‌تواند متعدی شود ولی مکر باید با حرف جر متعدی شود. (بنابراین)، «کاده - یکیده» صحیح ولی «مکره» ناصحیح است و به‌جای آن باید از «مکر به» استفاده کرد (ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰، ج ۱، ص. ۲۵۵). معنای مخفی‌کاری نفوذ نیز در ادبیات قرآنی مورد توجه بوده است از این رو می‌بینیم که جریان نفوذ در قرآن با شیطان آغاز می‌شود. نفوذ شیطان عبارت است از ورود پنهانی و مخفیانه‌ی شیطان برای شکستن لایه‌های حفاظتی حق و جایگزین کردن باطل به‌جای آن در ذهن و عمل هر انسانی (تاجیک، ۱۳۹۵، ص. ۱۴). بنابراین مسئله مخفی‌کاری و ورود پنهانی در این اصطلاح بسیار مورد تأکید است.

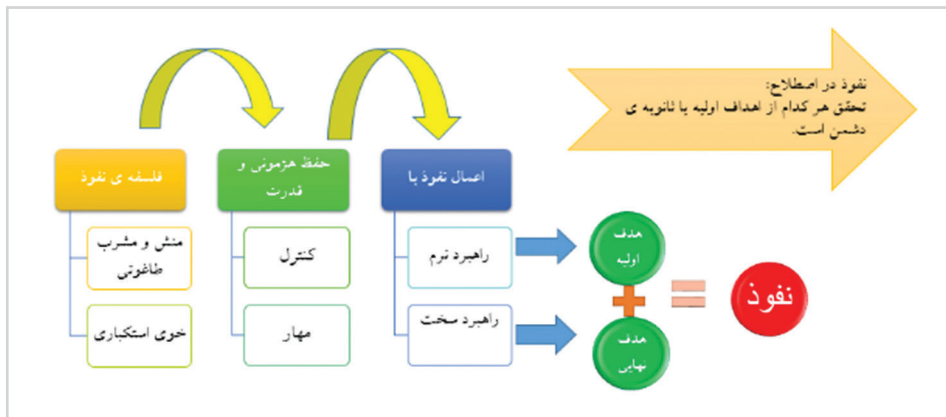
#### ۴. علت و چرایی نفوذ دشمن از منظر قرآن کریم

مخالفان مکتب انبیاء (ع) از همان ابتدای خلقت، آرمان‌ها و غایات الهی ایشان را برناتافته، برخی جاهلانه و برخی عامدانه و با وجود اتمام حجت برایشان و نیز به‌رغم آگاهی از الهی بودن این تشکیلات، باز به دشمنی ادامه می‌دهند. برای مثال، بنی اسرائیل با وجود علم به پیامبر بودن حضرت موسی (ع) باز با ایشان مخالفت کرده و ایشان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. خداوند متعال در این باره فرموده است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَذُؤْنَنِي وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ». بررسی و غور در قرآن کریم، ما را با علل و عوامل این حق‌گریزی آشنا می‌کند که می‌توان همه‌ی آن عوامل را در برخورداری از روحیه استکباری و نیز غرور و تکبر خلاصه کرد. البته امکانات مادی (مثلاً در داستان قوم عاد و قوم سبا (فصلت/۵؛ النمل/۳۳)) و عوام فریبی و سوءاستفاده از جهالت مردم (الزخرف/۵۱) در پیشبرد این هدف آن‌ها را یاری کرده است.

مثال معروف در این موضوع، استکبار فرعون در پذیرش شریعت حضرت موسی (ع) است. این پیامبر الهی همراه با برادرشان حضرت هارون (ع)، با آیات و نشانه‌های آشکار به سوی فرعون فرستاده شدند و با وجود اتمام حجت، وی از پذیرش دعوت ایشان سر باز می‌زند، زیرا استکبار و روحیه خودبزرگ‌بینی وی مانع از تسلیم و اطاعت وی می‌شد. در ادبیات عرفانی و اخلاقی نیز این گونه روایات را روحیه نفرعن می‌نامند که این هم تمثیلی برگرفته از غرور فرعون است. قرآن کریم می‌فرماید: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ» (المؤمنون/ ۴۵-۴۶).

روحیه استکبار و تکبر می‌طلبند که قدرت‌های بزرگ، خواهان حفظ هژمونی و سیطره بر زیر دستان باشند و وقتی گروهی از پذیرش استکبار آن‌ها سر باز زند در صدد باشند آن‌ها را مهار و کنترل نمایند؛ بنابراین وقتی دشمن به یک سلسله تاکتیک‌ها متمسک می‌شود تا نظامی را تغییر و باورهای مردمی را دگرگون کند، علت‌العلل آن این است که می‌خواهد قدرت او محفوظ مانده و حرف اول و آخر و تصمیم‌گیری سرنوشت‌سازی برای دیگران را او اعمال کند. حال عملیاتی که بدین سبب بدان متوسل می‌شود را اصطلاحاً «اعمال نفوذ» می‌نامند.

البته باید توجه داشت که هدف با چرایی و علت فرق دارد. هدف دشمن از نفوذ، هدفی اولیه و ثانویه است. هدف اولیه آن عبارت است از نتیجه کوتاه‌مدتی که از اعمال نفوذ عاید دشمن می‌شود. مثلاً (همان گونه که در ادامه می‌آید)، دشمن با شایعه‌پراکنی، القای شبهات، و... می‌خواهد وحدت‌شکنی کند یا با گماردن جاسوس سعی در جمع‌آوری اطلاعات حیاتی و کلیدی دارد. این‌ها همگی اهداف اولیه از نفوذ است. هدف نهایی و ثانوی دشمن (همان‌طور که هر نفوذی در هر جبهه‌ای این گونه است) از پای درآوردن یک نظام و یک حکومت و خالی کردن آن از عده و عُده و به تبع آن، تغییر باورهای مردم است. الگوی رخداد نفوذ را می‌توان در تصویر زیر ملاحظه کرد:



## ۵. زمینه‌ها و راهکارهای نفوذ دشمن از منظر قرآن کریم

دشمنان اسلام پیوسته در صدد توطئه برای نفوذ در جامعه مسلمانان بوده و نقشه طراحی می‌کنند. خداوند متعال خطر ایجاد شبکه داخلی دشمنان برای توطئه را تذکر می‌دهد: «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ» (الأنعام/۱۲۱). آنان برای این منظور از راهکارها و روش‌های متفاوتی بهره می‌جویند. در ادامه به معرفی و گونه‌شناسی این روش‌ها و برخی عوامل زمینه‌ساز نفوذ دشمن می‌پردازیم.

### ۵-۱. استفاده از جاسوسان

تفاوت عامل نفوذی و جاسوس این است که جاسوس مأمور است به‌عنوان ستون پنجم، اطلاعاتی را کسب کرده و به دشمن عرضه کند؛ ولی عامل نفوذی خودش در مقام تصمیم‌گیری و اجرا قرار دارد. جاسوس گزارشگر است و از خود اراده و تحلیلی ندارد و موظف است آنچه را که در درون ساختار می‌بیند گزارش دهد، ولی عامل نفوذی نقش متفاوتی دارد. شاید بتوان گفت این روش، معمول‌ترین راهکار دشمن جهت نفوذ در میان گروه‌ها و افراد برای توطئه و فتنه‌گری است.

البته باید اذعان داشت که نفوذ، اعم از استفاده از جاسوسان و نفوذیان است؛ بنابراین رابطه نفوذ و نفوذی، عموم و خصوص مطلق است و تنها یکی از راه‌های نفوذ، استفاده از نفوذی‌هاست. براین اساس، هر طریق ممکن که بتوان بدان وسیله رخنه‌ای ایجاد کرده و راهی در طرف مقابل باز کرد، نفوذ نامیده می‌شود. در سوره مبارکه «توبه» آمده است: «لَوْ خَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُوْضِعُوا لَكُمْ لِیُغْنَوْكُمْ الْفِتْنَةَ وَ فِیْكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ...» (التوبه/۴۷). قرآن کریم چنین پرده برداشت که میان مسلمانان، «سماعون» و جاسوسانی هستند که رخدادهای آن‌ها را به دیگران گزارش می‌دهند. آنان در جبهه، به نشر اراجیف می‌پردازند و در پشت جبهه، مسئولان تدارکات را نگران می‌سازند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۹، ص. ۶۴۷).

در جنگ احد نیز کسانی بودند که نه تنها در جنگ شرکت نکردند، بلکه با سران شرکت رابطه‌ای سرری داشتند. این گروه در ایجاد سستی در صفوف مسلمانان از هیچ کوششی دریغ نورزیده و زمینه ضعف و فشل برخی از مؤمنان را فراهم آوردند: «هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا» (آل عمران/۱۲۲). گروهی از اوس و خزرج نیز، با دادن اطلاعات سرری به دشمنان اسلام و سستی ورزیدن خود، مسلمانان را به شدت تضعیف می‌کردند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۵، ص. ۴۷۵). برخی نیز به برقراری روابط مرموز سیاسی - اطلاعاتی با مشرکان می‌پرداختند: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِیْهِمْ...» (المائدة/۵۲).

در سوره مبارکه مائده نیز به بحث سماعون، و در خصوص برخی یهودیان که حرفه آن‌ها جاسوسی برای علمای دنیا طلبشان بوده و از رسول الله نیز جاسوسی می‌کردند، اشاراتی شده است: «... وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ...» «سماع» صیغه مبالغه از ریشه «سمع» است و به کسی گفته می‌شود که حرفه‌اش گوش فرادادن سخن دیگران برای



هدف باطل است، چنان که خبرچین و جاسوس را نیز سَمَاع می‌خوانند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۲۲، ص. ۴۵۵).

در توضیح سَمَاعون آمده است: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ» یعنی اینکه از تو می‌شنوند تا بر تو دروغ بندند.. «سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ» یعنی آن‌ها جاسوسان (عیون) غایبان هستند. این قضیه به اجماع علما در قضیه زناکار محصن نازل شده است. «قضیه این بوده که گروهی از یهودیان به نزد رسول‌الله (ص) آمده و خواستند تا درباره زناکار محصن از رسول‌الله سؤال نمایند. آن‌ها گفتند که اگر محمد (ص) به جلد (تازیانه) فتوا داد از او بپذیرید و اگر به رجم فتوا داد نپذیرید، زیرا آن‌ها حکم رجمی را که در تورات بود به چهل تازیانه تحریف نمودند» (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۵۲۲). توضیح آیه اینکه، «آن‌ها زیاد به سخنان تو (پیامبر) گوش می‌دهند، اما این گوش دادن برای اطاعت نیست؛ بلکه برای این است که دستاویزی برای تکذیب و افترا بر تو پیدا کنند (سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ). این جمله تفسیر دیگری نیز دارد، آن‌ها به دروغ‌های پیشوایان خود فراوان گوش می‌دهند. ولی حاضر به پذیرش سخن حق نیستند. صفت دیگر آن‌ها این است که نه تنها برای دروغ بستن به مجلس شما حاضر می‌شوند؛ بلکه در عین حال جاسوس‌های دیگران که نزد تو نیامده‌اند نیز هستند... که در صورت اول لام «للكذب» لام تعلیل و در صورت دوم لام تعدیه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۳۸۴).

## ۲-۵. روابط صمیمانه با بیگانگان

عادت خوش‌خیالی و اعتماد بی‌اساس به دشمنان قسم‌خورده اسلام، تا حدی مذموم است که خداوند متعال در آیه‌ای جداگانه، علاوه بر گوشزد کردن کینه درونی آنان، برقراری این گونه دوستی‌ها را به ضرر جامعه اسلامی دانسته است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خِيَالًا وَدُّوا مَا عَنَتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِّنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تُعْقِلُونَ» (آل عمران / ۱۱۸).

«بطانۀ» نکره واقع در سیاق نهی «لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً» و مفید عموم است. حکومت اسلامی باید اسرار خود را طبقه‌بندی کرده و رازهای محرمانه را در هیچ بخشی، اعم از سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... با بطانۀ گیری بیگانگان فاش نکرده و آن‌ها را از رمزهای کلیدی کشور آگاه نکند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۵، ص. ۴۲۹).

در جایی دیگر کسانی را که به دوستی دشمنان و لبخند آنان دلخوش کرده‌اند، به شدت نکوهش کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...» (الممتحنة / ۱). برخی دیگر از آیات قرآن کریم، نیز به صراحت تمام، عدم پابندی مشرکان به عهد و پیمان‌هایشان را متذکر می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ ... كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ تَأْبَى قُلُوبُهُمْ...» (التوبة / ۷-۸). یعنی با شما سخن دوستانه طرح می‌کنند تا از آنان راضی شوید، در

حالی که در دل‌های آنان جز دشمنی، حيله، خیانت و نقض عهد چیزی وجود ندارد. خداوند نیز در اینجا، با لحنی اعتراض آمیز و توبیخ گونه، از مؤمنان سؤال می‌کند که چگونه انتظار دارید مشرکان متعهد باشند؟ حال باید پرسید چرا برخی خوش خیالان یا مغرضان، از دشمنان قسم خورده دین، انتظار دارند که به تعهدات ایشان در مذاکره‌ها و توافق‌نامه‌ها پایبند باشند؟ اساساً چرا باید از دشمن توقع خوش عهدی داشت؟ «تکرار کلمهٔ «کیف» نیز در این آیه شریفه، استبعاد ثبات مشرکین را بر عهد و پیمان‌ها نشان می‌دهد» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۵۳۲). کاملاً واضح است که استکبار، عامل مهم برهم‌زدن تعادل اجتماعی است. مستکبران می‌کوشند فکرشان را بر دیگران تحمیل کنند، همان‌گونه که در رابطه سیاسی می‌خواهند سیاست خود را تحمیل کنند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَدَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً...» «مهم‌ترین دلیل نبرد با مستکبران همان پیمان‌شکنی آن‌هاست؛ چون خداوند دلیل مبارزه با آنان را «لا ایمان لهم» (به کسر) قرار نداد؛ بلکه (لَا يُؤْمِنُ لَهُمْ) (به فتح) قرار داد؛ زیرا با کافر بی‌ایمان می‌توان زندگی مسالمت‌آمیز نمود، ولی با مستکبر بی‌ایمان هرگز ممکن نیست؛ چون زندگی بدون تعهد متقابل، میسور نیست و وقتی طرف مقابل به عهد و سوگند و میثاق خود احترام نمی‌نهد و هر لحظه که زورمند شد آن را نقض می‌کند، هرگز نمی‌توان با او زندگی مشترک داشت» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «د»، ص ۵۸) و این استکبار و اعتلاطلبی دشمن عامل نپذیرفتن استواری بر عهد و پیمان‌هاست.

### ۵-۳. شایعه‌پراکنی

در ماجرای غزوهٔ احزاب، عده‌ای منافق صفت، با ایجاد جنگ روانی و شایعه‌پراکنی می‌کوشیدند تا اعتماد مردمانی را که در جنگ شرکت کرده بودند متزلزل سازند. قرآن کریم این بیمار دلی آن‌ها را بیان نموده و می‌فرماید: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (الأحزاب/ ۱۲) توطئه بی‌شرمانهٔ اجتماعی - حیثیتی بر ضد پیامبر اکرم (ص) و اتهام به یکی از همسران آن حضرت در حادثهٔ معروفِ اِفْکِ نیز نمونه‌ای دیگر از این گونه شایعات بی‌اساس است: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (النور/ ۱۱). از سوی دیگر، دشمنان در کنار این توطئه‌ها، پیوسته به مرگ آن حضرت (ص) و پایان اسلام نیز دل‌بسته بودند و با خود می‌گفتند: او پادشاهی همانند سایر پادشاهان است و پس از مرگ، اهدافش نیز تباه می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۲۱، ص ۵۸۴). کسانی را که خداوند آن‌ها را در قرآن «مرجفون» معرفی می‌کند نیز، در انتشار این اخبار دروغین نقش کلیدی داشتند. «مرجف» از «رجفه» به معنای خبرهای لرزان و بی‌اعتبار است و «مرجفون»، شایعه‌پردازان و اراجیف‌گویان‌اند.

## ۵-۴. تبلیغات و القای شبهات

تبلیغات سوء، القای شبهات و ایجاد دلهره و ترس در میان مردم، یکی از ابزارهای مهم دشمن برای نفوذ است. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ ۱۷۳) این روش که نوعی تحقیر امت است، برای مسلمانان آزمایشی الهی است که مؤمنان خاصی از آن سربلند بیرون می‌آیند.

خداوند متعال در اینجا می‌فرماید: این کار نه تنها روحیهٔ ایشان را تضعیف نمی‌کند، بلکه بر ایمان ایشان می‌افزاید. دشمن با ابزارهای تبلیغی وسیعی که هم اکنون در اختیار دارد نیز می‌کوشد این گونه القا کند که دارای قدرت نظامی بزرگی است و باید از او ترسیده و حساب برد. از دیگر اقدامات تبلیغی دشمنان این بوده که به پیروان نفوذی خود دستور داده بودند تا در بامداد به نزد رهبر مسلمانان (پیامبر) رسیده و اظهار ایمان کنند و در پایان آن روز کافر شوند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهِ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران/ ۷۲).

در اثر این اقدامات زمینهٔ تزلزل مسلمانان سست ایمان فراهم آمده، مسلمین دچار دلهره و ترس می‌شدند و هم سایر یهودیان در دینشان مستحکم می‌شدند. القای شبهه در کارآمدی نظام و انقلاب اسلامی و ایجاد تردید میان توده‌های مردم در اعتقاد به حق و دین‌مداری، راهبرد متداولی است که دشمن در زمان ما از طریق رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغاتی وسیعی که در دست دارد، از آن بهترین استفاده را می‌کند. تبلیغات وسیع و هیاهوی سیاسی در سطح کلان باعث می‌شود تا عقیدهٔ باطلی در بین مردم نفوذ کرده و در بلندمدت تثبیت شود.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (الزخرف/ ۵۱). این امر باعث شده بود تا تفکر فرعون قبط در میان اشراف بنی‌اسرائیل نفوذ کرده و خطر استصنام و مال‌پرستی، اشراف اسرائیلی را بر آن داشت که به فرماندهی طالوت اعتراض کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۱، ص ۶۳۸) زیرا مردم زمان فرعون، با تبلیغات وسیع فرعونیان، تفکر الوهیت وی را پذیرفته بودند (الشعراء/ ۲۲، ۲۹ و ۴۴؛ طه/ ۷۹). نمونه‌ی بارز دیگر این موضوع، شبهاتی بود که سامری القامی کرد. وی با سوءاستفاده از غیبت رهبر جامعه، به راحتی توانست جمعیت بسیاری را با گوساله‌کذایی فریب داده، به عنوان خدای مردم و خدای حضرت موسی (ع)، معرفی کند (طه/ ۸۸).

«در ماجرای جنگ احد، پس از شکستی مقطعی که در آن معرکه دامنگیر مسلمانان شد، یهودیان به آن دامن زده و می‌گفتند: اگر اسلام حق است و حق همواره پیروز و شکست‌ناپذیر است، چرا مسلمانان در این نبرد شکست خوردند؟ هدف آنان از این گونه توطئه، دسیسه و طعن‌های حسودانه، بازگرداندن مسلمانان از اسلام به کفر بود» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۶، ص ۱۵۳). شایعه آمادگی نظامی دشمن از سوی منافقان، برای ارباب و وحشت مجاهدان احد (آل عمران/ ۱۷۳)، فعالیت تبلیغاتی بیماردلان مدینه برای ایجاد تزلزل در روحیه مسلمانان (الأحزاب/ ۱۲)،

نکوهش خداوند از نقل اخبار و شایعات مربوط به جنگ بدون یقین به صحت آن‌ها (النساء/۸۳)، هشدار شدید خداوند به شایعه‌پراکنان مدینه درباره جنگ (الأحزاب/۶۰)، همگی نمونه‌هایی از مصادیق تبلیغات و القای شبهات در صدر اسلام است. این در حالی است که خداوند متعال، نسبت به خطر عقب‌گرد جامعه ایمانی و ارتداد آنان هشدار داده است (آل عمران/۱۰۰ و ۱۴۹). اتهام ارتجاعی بودن تعالیم انبیا (الشعراء/ ۱۲۴ و ۱۳۷)، تهمت مشرکان مبنی بر ارتجاعی بودن قرآن (الانعام/ ۲۵؛ الانفال/ ۳۱؛ النحل/ ۲۴؛ الفرقان/ ۴-۵)، تهمت ارتجاعی بودن عقیده به معاد از سوی مشرکان (المؤمنون/ ۸۲-۸۳؛ النمل/ ۶۷-۶۸؛ الاحقاف/ ۱۷) نیز مصادیقی از قرآن کریم است که در زمان ما، مخالفان دین، برای نشان‌دادن عقب‌ماندگی و به‌روز نبودن مؤمنان به‌خاطر التزام ایشان به ایمان بیان داشته و از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای معاند و ... تبلیغ می‌گردد.

#### ۵-۵. تبئید یا حذف فیزیکی رهبران دینی

قرآن کریم در ماجرای حضرت شعیب (ع) می‌فرماید: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ» (الأعراف/ ۸۸). این امر نشان‌دهنده آن است که وقتی نیرنگ آنان برای عملی‌سازی اهداف پلیدشان کارگر نشد، مانع خود را رهبرانی می‌بینند که از انحراف امت جلوگیری می‌کنند. از این رو درصددند تا ایشان را یا از صحنه دور نگه دارند و یا به‌طور کل از صحنه حذف کنند. در این حالت که روشنگران جامعه در متن جامعه حضور ندارند، می‌توانند افکار مردم را منحرف کرده و یا رهبرانی را که شمایل مردمی و دینی ولی تفکر انحرافی دارند را جانسپین آن‌ها کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (الأنفال/ ۳۰). این آیه به‌صراحت نشان می‌دهد که ترور و مسئله حذف فیزیکی از روش‌های مکرآمیز کفار در صدر اسلام بوده است. دسیسه‌سامری در انحراف امت بنی‌اسرائیل در غیاب حضرت موسی (ع) نمونه آشکاری از این نوع نفوذ است. برخی مفسران در ذیل آیه شریفه: «يَجْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَ هُمُومَا لَمْ يَنَالُوا...» (التوبة/ ۷۴) مقصود از «هُمُومَا لَمْ يَنَالُوا» را، توطئه قتل پیامبر (ص) احتمال داده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۷۹).

#### ۵-۶. ترور شخصیتی رهبران دینی

دشمن از هر راهی برای تخریب شخصیت رهبران و بدبینی مردم نسبت به آن‌ها استفاده می‌کند. به حضرت هود (ع) گفتند: «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ» (الأعراف/ ۶۶). شکستن قداست رهبری با انواع تهمت‌ها و افتراءات، برای همراه نکردن مردم با ایشان، از توطئه‌های دشمنان برای نفوذ در اذهان مردم است. از جمله روش‌های دشمن در این نوع تخریب‌ها، متهم ساختن رهبران و زعمای جامعه دینی به ریاست‌طلبی و قدرت‌طلبی است. قرآن کریم می‌فرماید: «فَقَالَ



الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَفْضَلَ عَلَيْكُمْ وَآوَىٰ إِلَيْهِ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آيَاتِنَا الْأُولَىٰ» (المؤمنون/ ٢٤). متأسفانه این موضوع، آفتی است که به راحتی گریبان گیر افراد ساده لوح می‌شود. نسبت سحر دادن به پیامبران، مجنون خواندن ایشان، ایجاد تردید در نبوتشان و... از جمله مصادیق ترور شخصیتی انبیاء و رهبران دینی است. شایان ذکر است موارد تخریب وجهه اولیای الهی در قرآن کریم بسیار زیاد است. تعداد موارد گزارش اهانت به اولیای الهی در قرآن کریم در ٦٢ سوره و بالغ بر ٢٣١ مورد است. همین امر نشان می‌دهد که مسئله اهانت به اولیای الهی توسط دشمنان و مخالفان امری حایز اهمیت بوده است و قرآن کریم اهتمامی جدی بر گزارش این امر و برملا کردن شیوه‌های ناصحیح رفتار مخالفان با انبیا داشته است. صرفاً به عنوان یک نمونه می‌توان بیان داشت که فقط در سوره مبارکه اعراف، آیات زیر گزارشی در این باره دارند: ٦٠-٦٢ / ٦٤ / ٦٦-٦٨ / ٨٢-٨٤ / ٨٨-٨٩ / ٩٢-٩٣ / ٩٤ / ١٠١ / ١٠٩ / ١٢٧ / ١٣١ / ١٣٢ / ١٨٤ / ١٩٤-١٩٦.

## ٥-٧. اغفال مسلمانان از طریق تظاهر به دوستی

گاهی ممکن است دشمن از درب دوستی وارد شود و حتی بتواند با چرب‌زبانی، طرف مقابل را منافقانه مجذوب سخنان خود نمایند (این امر در معاهدات بین‌المللی بسیار مشهود است)، همان‌طور که قرآن کریم فرموده: «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ...» ولی بعد از اینکه منافع خود را در خطر دید، به عهد خود وفادار نبوده و میثاق را یک‌جانبه نقض می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا... وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنْ حَسِبَكَ اللَّهُ...» (الأنفال/ ٦١-٦٢). در اینجا خداوند متعال هوشیاری کامل را نسبت به تحرکات دشمن گوشزد کرده و می‌فرماید اگر مقصود آن‌ها از پیشنهاد صلح، این باشد که با تو خدعه کنند و جنگ را به تأخیر انداخته و به تهیه سلاح پردازند و آنگاه شما را غافلگیر سازند، خداوند کفایت حال تو را می‌کند.

آیه‌ای که نشان می‌دهد ای بسا در زیر دستکش‌های مخملی دشمنان، پنجه‌هایی چدنی باشد. در جایی دیگر نیز درباره تکتیک ملکه قوم سبأ می‌فرماید: «وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ» (النمل / ٣٥). معلوم است دشمن وقتی در شما قوتی بیابد، می‌کوشد با دادن امتیازاتی ناچیز شما را از مقابله باز دارد.

ملکه سبأ نیز وقتی در صدد آن بر آمد تا خبرنگارانی را به همراه هدایایی به سمت حضرت سلیمان (ع) فرستد تا بعد بنگردد که آن فرستادگان با چه خبری باز می‌گردند و مقدار انعطاف سلیمان (ع) را محک بزند؛ با واکنش شدید ایشان مواجه شد که در جواب او فرمودند: «... أَتَمَدُونَنِي بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ» (النمل / ٣٦). «مال» در اینجا به صورت نکره آمده که مفید تحقیر است و ناچیز بودن آن را بیان می‌دارد. مقابله با این گونه نیرنگ‌ها، هوشیاری کامل در برابر تحرکات خصمانه‌ای که بوی دوستی و صلح‌خواهی دارد را می‌طلبد.



در رابطه با خیانت دشمن باید دانست که تا زمانی که طرف مقابل معاهده به اصول عهدنامه پایبند بود، می‌بایستی دولت اسلامی نیز به عهد خود وفادار بماند: «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ». «در عظمت پیمان همین بس که قرآن کریم فرمود «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا صَلَاةَ لَهُمْ» یا «لَا صِيَامَ لَهُمْ»، بلکه فرمود: «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ»، زیرا ترک نماز و روزه برای نظام خطر آفرین نیست، بلکه عهدشکنی است (که خطر آفرین است)» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۴، ص. ۶۲۰).

ولی گاهی بر اثر عدم تعهد طرف مقابل، دولت اسلامی مجبور به عهد‌گریزی می‌شود. در این رابطه تذکر این نکته از قرآن کریم حائز اهمیت است که لازم نیست دشمنان اسلام نخست خیانت کنند تا عهد با آن‌ها نقض شود، بلکه چنانچه با هوش سیاسی دریافت شد که آنان در صدد خدعه و فریب‌اند، مسلمانان معاهده و صلح‌نامه را نزد آنان بیندازند: «إِنَّمَا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَي سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۴، ص. ۶۲۴).

## ۵-۸. افشای اسرار مسلمانان

افشای اسرار در روابط فردی و دوستانه کار ناشایستی است و این امر به مراتب در امور اجتماعی و حیاتی اجتماع خطرناک‌تر است و می‌تواند ضررهای جبران‌ناپذیری را به جامعه اسلامی تحمیل کند. افشای اسرار به دشمنان، خیانت به خود و مردم است، همان‌گونه که خداوند در آیه ذیل، از این موضوع به خیانت کردن به امانات خود تعبیر کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الأنفال/۲۹)

باید دانست «از جمله اموری که خداوند به رسول‌الله (ص) دستور داده و ایشان اجرا نموده و نهایتاً این مردم هستند که از آن منتفع می‌شوند، دستورات سیاسی و امور مربوط به جهاد و اسرار نظامی و جنگی است که اگر افشا شود زیان‌های جبران‌ناپذیری را به مردم وارد می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص. ۵۵).

در جای دیگر نیز می‌فرماید: «... تُسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (الممتحنة/۱). در این جا نیز خداوند متعال، به شدت مسلمانان را از دوستی پنهانی با دشمنان بر حذر می‌دارد. طبعاً دوستی‌های پنهانی با دشمن، نهایتاً به افشای اسرار درونی ایشان منجر شده و ناآگاهانه آنان را منتفع خواهد کرد. بنابراین افشای اسرار یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نفوذ دشمن و وارد کردن ضربه‌های کاری به اجتماع مسلمانان خواهد بود.

## ۵-۹. برداشت ناصحیح از فضائل اخلاقی

یکی از زمینه‌های نفوذ دشمن می‌تواند عدم درک صحیح از فضائل اخلاقی بالأخص تفسیر ناصحیح از زهد و پارسایی باشد. اگرچه زهد و پرهیزکاری در دین مبین اسلام بسیار مورد سفارش و تأکید بوده است، ولی تفسیر غلط و ناصحیح از آن و انتشار آن به اسم دین‌داری و معنویت، می‌تواند موجی از راحت‌طلبی و مسئولیت‌گریزی را بین مسلمانان ایجاد کند. عزلت در اسلام به

معنای قطع روابط و بی‌اعتنایی به جامعه نیست، بلکه هدفمند کردن و تنظیم روابط اجتماعی است. زاهد بودن در دنیا نیز، دست کشیدن یک‌سره از اجتماع نیست، بلکه مقصود، دل بستن به دنیا و مشغول نبودن به آن است. چنان‌که خداوند متعال در وصف مؤمنان راستین فرموده: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (النور / ۳۷).

«برخی پیروان ادیان، برای عبادت خدا و کسب خشنودی بیشتر او، گوشه‌نشینی و عزلت‌پیشه کرده و روابط اجتماعی خود را ترک کردند. این شیوه زهدمنشانه، پس از ظهور اسلام، در میان مسلمانان رخنه کرد و برخی از آن‌ها برای تحصیل رضای خداوند و عبودیت و بندگی بیشتر او چنین شیوه‌ای را در پیش گرفتند؛ ولی قرآن کریم با نفی هرگونه گوشه‌نشینی و ترک روابط اجتماعی، این خصلت را ویژه پیروان حضرت عیسی مسیح (ع) می‌داند و می‌فرماید: «... وَرَحْمَةً وَرَهَابِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا...» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۴۱۷).

دشمن، می‌تواند با انتشار این تفکر از طریق نفوذی‌های خود یا از طریق رسانه‌هایی که به اسم اسلام فعالیت می‌کنند، این تفکر را شیوع دهد. در نتیجه وقتی افراد با صلاحیت، یعنی متخصصان متعهد، به اسم معنویت و تدبیر دست از مسئولیت‌پذیری در اجتماع بردارند، فرصت‌ها و پُست‌های کلیدی جامعه اسلامی به دست متخصصان غیرمتعهدی می‌افتد که زمینه مساعدی برای نفوذپذیری دارند و صدالبته در این صورت است که دشمن برای نفوذ خود به این‌گونه افراد چشم طمع می‌دوزد. مؤمنان متحد، با کسب تخصص و نیز با شناخت وظیفه اجتماعی و عمل به آن، می‌توانند مشکلاتی از این قبیل را مرتفع سازند.

## ۵-۱۰. ایجاد تنگناهای اقتصادی

قدر مسلم این است که دشمنان اسلام، دلسوز جامعه اسلامی نیستند، بنابراین اگر مبادرت به انجام کاری که ظاهر آن به نفع مسلمانان است می‌ورزند، بلاشک غرضی را دنبال می‌کنند که به سود خودشان بوده و به ضرر مسلمانان تمام شود؛ اگر چه آن اقدام، واجد ویژگی‌های ظاهراً خیرخواهانه هم باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ... إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (التوبة/ ۱۷-۱۸). «این سلب حق از مشرکان، نه از این روست که آباد کردن مسجد کار بدی است؛ چه کاری بهتر از عمارت (بازسازی و نوسازی) مسجد الحرام؛ بلکه فقط معتقدان به خدا و قیامت و برپا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و کسانی که جز از خدا نمی‌هراسند، حق بازسازی و نوسازی مساجد را دارند، چون تنها آنان از هدایت الهی و حُسن فاعلی برخوردارند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۰، ص. ۵۹۰).

از این مثال قرآن کریم می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که وقتی مشرکان از انجام کار خیری به نفع مملکت اسلامی حُسن فاعلی ندارند، پس هنگامی که هزینه‌های هنگفت برای سرمایه‌گذاری را به کشور سرازیر می‌کنند، باید به این اقدامشان ظنین شد؛ چون اصل مسلم قرآنی این است

که دشمنان، اموالشان را هزینه می‌کنند تا راه خدا را بسته نگه داشته و مانع از پیشرفت دین شوند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَن سَبِيلِ اللَّهِ...» (الأنفال / ۳۶).

از دیگر اقدامات اقتصادی برای نفوذ، می‌توان تشویق به تحریم اقتصادی مسلمانان را مثال زد: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِن عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا...» (المنافقون / ۷). منافقان می‌خواستند با این فشار اقتصادی کاری کنند که مسلمانان دست از پیامبر بردارند. پندار باطل اهل نفاق این است که وقتی مسلمانان در تنگنای اقتصادی، پیامبر (ص) را تنها گذارند، محاصره کردن و گرفتن شخص پیامبر (ص) مشکل نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «ب»، ص. ۱۰۱). خداوند در جایی دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَاهِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (التوبة / ۲۸). «عیله» در لغت به معنای فقر است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص. ۱۷۷۹). نیازمندی اقتصادی زمینه‌ی وابستگی به دشمن را فراهم می‌آورد. ولی استقلال اقتصادی نسبت به دشمن مورد تشویق خداوند است. خداوند متعال در این آیه شریفه، نسبت به برخی از مسلمانان که از اختلال نظام اقتصادی خود پس از قطع رابطه‌ی اقتصادی با مشرکان، نگرانی داشتند را دلدار می‌دهد و وعده یاری و غنی ساختن داده است.

## ۵-۱۱. سوءاستفاده از چهره‌های موجه در جامعه

بر اساس قطعیات و مسلمات قرآنی و روایی، عده‌ای از مسلمانان پیامون رسول الله (ص) که به‌عنوان صحابه‌ی ایشان نیز شناخته می‌شدند، مدتی پس از اظهار اسلام، به عهد جاهلیت و شرک پیشین برگشته و منافقانه در جامعه اسلامی مشغول فعالیت بودند. این عده به دلیل اینکه در مقاطعی با نبی اکرم (ص) همراهی‌هایی داشتند، اکنون در جامعه اسلامی به‌عنوان صحابی پیامبر و شخصیت‌هایی مقبول شناخته می‌شدند، ولی مردم از کفر درونی‌شان اطلاع نداشتند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَيَّ النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَيَّ عَذَابٍ عَظِيمٍ» (التوبة / ۱۰۱).

اینان، اکنون با وجهه‌ای که کسب کرده‌اند، می‌توانند به بهترین نحو ممکن نقشه‌های شوم خود را عملی کرده و اعمال غلط خود را به‌عنوان سنت رسول خدا به مردم معرفی کنند. «حضرت امیرمؤمنان علی (ع) برای کسانی که راز خانه‌نشینی او را جويا شده بودند، با تحلیل جنگ احد و توطئه منافقان، مسئله را چنین تبیین می‌کند که منافقان زمان رسول خدا (ص) که حدود یک‌سوم مسلمانان بودند، بعد از رحلت آن حضرت نه همگی با هم مُردند و نه جملگی توبه کردند و نه راه زهد و انزوا را در پیش گرفتند؛ بلکه از هر فرصتی استفاده کردند و با تشکل، ارتباط و انسجام، به میدان مبارزه سیاسی - اجتماعی قدم نهادند و چون مردم آنان را به‌عنوان صحابه می‌شناختند که رسول خدا (ص) را دیده‌اند، لذا به‌خوبی توانستند در میان توده‌های مردم نفوذ کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۵، ص. ۶۷۹).

## ۵-۱۲. نافرمانی از فرمان رهبر جامعه اسلامی

ماجرای جنگ احد، برای مؤمنان عبرتی نیکوست. عده‌ای از مسلمانان رزمنده، در این جنگ از فرمان صریح پیامبر (ص) دربارهٔ محافظت از نقطهٔ آسیب‌پذیر منطقه جنگی احد تا پایان جنگ، سرپیچی کردند و پس از برتری ابتدایی مسلمانان و عقب‌نشینی مشرکان، برای کسب غنائم جنگی سنگر خود را ترک کردند و دشمن فرصت طلب نیز، از همان جا نفوذ نموده و مسلمانان را غافلگیر کرد، در نتیجه پیروزی نخستین مسلمانان به شکست آن‌ها انجامید و بسیاری از مسلمانان در این جنگ به شهادت رسیدند و بعضی نیز بر اثر شنیدن شایعه شهادت پیامبر (ص) از صحنه نبرد گریختند. براین اساس، شاید جمله «... هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ ...» (آل عمران/ ۱۶۵) درباره این تخلف مسلمانان باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۶، ص. ۲۴۳).

## ۵-۱۳. نفوذ در مراکز فرهنگی

در میان ارکان حیاتی یک جامعه، فرهنگ نقش محوری تری دارد. در جامعه اسلامی که فرهنگ اسلامی بر آن حاکم است، مراقبت از مراکز و مجموعه‌هایی که به تبیین و تشریح علم و فرهنگ اسلامی مبادرت می‌ورزند، ضروری به نظر می‌رسد. برخی مفسران در توضیح آیه شریفه: «... وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (الحج/ ۲۲) می‌نویسند: «بیگانگان برای ایجاد فساد در جامعه، ابتدا مراکز مذهبی و علمی آن جامعه را هدف قرار می‌دهند، زیرا تا این مراکز تبلیغی و تحقیقی برپا باشید، توطئه‌های آنان بی‌ثمر است، از این رو خداوند، به مظلومان اجازه دفاع داده است تا اولاً مراکز عبادی خویش را حفظ کنند و ثانیاً به این وسیله، جلوی رخنه فساد را بگیرند، بنابراین، بقای اسم و رسم دین و مراکز مذهبی و حیات زاهدان و عابدان همگی به برکت ایشار و فداکاری رزمندگان اسلام است، و گرنه پیشوایان کفر با همه مراکز مذهبی مخالف‌اند و هرگونه گرایش دینی را خرافه و سدی در برابر اهداف پلید خود می‌دانند و آن را سرکوب می‌کنند. آنچه دربارهٔ تأثیر رهبری عالمانه اندیشوران الهی وارد شده که آنان به منزلهٔ انبیای بنی اسرائیل‌اند و مدد آنان در قیامت با خون شهدا سنجیده می‌شود و بر آن فزونی می‌یابد و آنان در هر عصر و مصری جلو کژراهه رفتن بیگانگان را می‌گیرند و...، در همین راستاست» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۹، ص. ۵۸۱).

از سوی دیگر، اگر مراکز فرهنگی جامعه اسلامی که خوراک معنوی و دینی مردم را فراهم می‌آورند، تحت نفوذ بیگانگان و عناصر آن‌ها قرار گیرد، اسلام تحریف شده و التقاطی را به خورد مردم می‌دهند. ایجاد پایگاه برای جنگ با خدا و رسول (ص) که هدف منافقان از ساختن مسجد ضراب بود، نمونه‌ای مطلوب برای مصادره یا نفوذ در مراکز فرهنگی و نیز به تبع آن ایجاد تفرقه بین مسلمانان است؛ بنابراین مراقبت همه‌گانه از این مراکز نقشی بسیار کلیدی دارد.

## ۵-۱۴. جنگ روانی

از جمله تاکتیک‌های دشمن برای نفوذ، به راه‌انداختن جنگ روانی در مراحل حساس و تصمیم‌سازی مثل جنگ‌هاست. بر اساس آنچه که در تفاسیر روایی در شأن نزول آیه: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ ۱۷۳)، وارد شده است، نعیم بن مسعود اشجعی که عامل نفوذی مشرکان در جنگ احد بود، مأمور به ایجاد جنگ روانی و به راه‌انداختن توطئه برای ترساندن مسلمانان بود. این آیه شریفه، مسلمانانی که در آیه قبلی مدح کرده بود را دوباره با وصفی دیگر مدح می‌کند و می‌فرماید: اینها کسانی‌اند که مردم به آن‌ها گفتند که مردم (مکه) برای (نبرد با) شما اجتماع کرده‌اند، از آنان بترسید، اما (این خبر) بر ایمان آنان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او خوب و کیلی است. «مراد از «الَّذِينَ» دوم در آیه شریفه، ابوسفیان بن حرب است که نعیم بن مسعود اشجعی از او فرمان می‌گرفته است» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص. ۶۹۴-۶۹۵). «وی به مسلمانان گفت: می‌خواهید به جنگ کسانی بروید که پیش‌تر با شما جنگیدند و پیروز شدند و هفتاد نفر از شما را کشتند و برخی را مُثله کردند و اکنون با تجهیزات و آمادگی بیشتر آمده‌اند؟ دشمن با این شیوه در صدد ترساندن مسلمانان بود؛ ولی مجاهدان نستوه، همه فشارهای روحی و جراحت‌های بدنی را تحمل کردند و با آنکه نمی‌دانستند دشمن جنگ روانی راه انداخته است، ایستادگی کردند و توطئه جنگ روانی را خنثی کردند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱۶، ص. ۳۳۹).

## ۵-۱۵. ایجاد سرگرمی‌های کاذب

پرواضح است که نفوذ دشمن لزوماً وارد کردن انسان در یک راه نادرست و غلط نیست. بلکه اشتغال انسان به غیر ضروریات و اولویات نیز از راه‌هایی است که انسان را از هدف و امید دارد و این خود مصداق بارز نفوذ دشمن است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان/ ۶). لهو در لغت یعنی بازی و «لَهْوٌ بِالشَّيْءِ أَلْهُو بِهِ لَهْوًا وَتَلَهَّيْتُ بِهِ» زمانی گفته می‌شود که با چیزی بازی کرده و بدان مشغول گشته و از دیگری غافل می‌شوی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص. ۱۵۲). فخر رازی در ذیل این آیه می‌نویسد: «سوء کار این افراد از چند جهت است: ۱. به‌خاطر ترک حکمت و اشتغال به سخنی دیگر، ۲. سخن وقتی لهو باشد و فایده‌ای بر آن مترتب نباشد اقبیح است... ۳. و اگر قصد اضلال از این کار داشته باشند فعلشان بیشتر در قبح داخل است» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص. ۱۱۵). در برخی روایاتی مراد از لهو الحدیث، غنا گرفته شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵،

ج ۴ ص ۱۹۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۵۹). برخی نیز احادیثی که اصل نداشته و اساطیر که اعتباری نداشته و سخنان مضحک و حرف‌های زائد را از این قبیل دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۳۹).

در شأن نزول این آیه این‌طور آمده است که فردی به نام نصر بن حارث کتاب‌هایی را خریده و در مورد آن‌ها با مردم به گفتگو می‌پرداخت و گاهی نیز کنیزهایی را می‌خرید و آن‌ها را امر می‌کرد که با مسلمانان معاشرت کرده و ایشان را به ترک اسلام ترغیب نماید و هدفی جز گمراهی و جلوگیری از دین خدا و تمسخر و بازی پنداشتن آن نداشته است (مراغی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۷۴). سرمایه‌گذاری برای مبارزه و تهاجم فرهنگی علیه حق، سابقه‌ای طولانی دارد. نکته مهم در این آیه این است که تمامی این اشتغالات و لهوها قرار است در مسیر انحراف از مسیر الهی قرار بگیرد. اینجاست که معنای نفوذ از این طریق واضح می‌شود.

به‌عنوان نمونه ترویج غنا را می‌توان به‌عنوان یکی از سرگرمی‌های کاذب برشمرد. ترویج غنا و فساد، غیرت انسان را از بین می‌برد و وارد در دنیای بی‌تفاوتی و غفلت می‌کند. غفلت از خدا، غفلت از وظیفه، غفلت از محرومان، غفلت از آینده، غفلت از امکانات و استعدادها، غفلت از دشمنان، غفلت از نفس و شیطان انسان امروز با آن‌همه پیشرفت در علم و تکنولوژی، در آتشی که از غفلت او سرچشمه می‌گیرد، می‌سوزد. امروزه استعمارگران برای سرگرم کردن و تخدیر نسل جوان، از همه امکانات از جمله ترویج آهنگ‌های مبتذل، از طریق انواع وسائل و امواج، برای اهداف استعماری خود سود می‌جویند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۲۳۲).

### ۵-۱۰-۱. ایجاد جاذبه‌های جنسی

از میان لذایذ زندگی دنیا، علاقه و محبت به زنان جذابیت بیشتری برای افراد دارد و همین خود باعث می‌شود، سرمایه‌گذاری شیطان برای اغواگری از طریق زنان بیشتر باشد. این امری است که متأسفانه در زمانه ما، به دلیل گسترش فضای جاذبه‌انگیزی از طریق وسایل ارتباط جمعی شیوع بیشتری پیدا کرده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من پس از ارتحال خویش فتنه‌ای را زیان‌بارتر به حال مردان از زنان وانهادم؛ نیز فرمود: زنان ریسمان‌های شیطان‌اند» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۳۰۶).

قرآن کریم نیز وقتی از محبت‌های دنیا که در نظر مردم زینت داده شده نام می‌برد، محبت زنان را مقدم فرموده است: «زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبِیْنِ وَ الْقَنَاطِیْرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحِیْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْتِ...». طبرسی این تقدم را، بزرگ بودن فتنه‌انگیزی به وسیله‌ی زنان ذکر کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۱۱). فعالیت هزاران شبکه‌ی ماهواره‌ای که فساد و فحشا را تبلیغ کرده و دینداری مردم را نشانه گرفته‌اند، گویای عمق فاجعه است. نمونه‌ای دیگر از مورد را می‌توان در اقدام نصر بن حارث دانست که وی گاهی نیز کنیزهایی را می‌خرید و آن‌ها را امر می‌کرد که با

مسلمانان معاشرت کرده تا آن‌ها را از اسلام منع نماید (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص. ۲۱۲).

## ۵-۱۶. استضعاف فکری

این تاکتیک که شیوه‌ای کارآمد برای بنی‌امیه بوده است، در دورانی قبل از آن نیز مورد استفاده فرعون بوده است. قرآن کریم اشاره می‌کند فرعون این روش را برای سیطره بر مردمان به کار می‌گرفته است: «فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (الزخرف / ۵۴). به استخفاف کشیدن باعث می‌شود که در مردم یک عقده کهنتری به وجود بیاید که در ادامه، کار را برای نفوذ دشمن راحت‌تر می‌کند و این همان تلقین این مطلب است که توده مردم بدون تکیه بر ثروتمندان، صاحب‌منصبان و قدرتمندان قادر به ادامه حیات نیستند.

این نکته اساسی در سیره همه مستکبران مشاهده می‌شود. فراعنه مصر خود را «ارباب» و مردم را «بندگان» می‌دانستند و به قدری آن را تبلیغ کرده بودند که مردم مصر آنان را «رب» خود تصور می‌کردند؛ یعنی گمان می‌کردند که آنان، تأمین‌کننده سعادت مردم‌اند. از این رو، ظهور حضرت موسی (ع) را فساد در ارکان جامعه می‌دانستند. در عصر ما نیز این پندار نادرست را بر ملت‌ها تحمیل کرده‌اند که شرق بدون تکیه بر غرب، نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد یا دولت‌های کوچک بدون اتکا بر ابرقدرت‌ها نمی‌توانند مستقل زندگی کنند (سروش، بی‌تا، ص. ۹۶-۹۷).

## نتیجه‌گیری

دشمنان بر اساس خوی استکبارطلبی و سیطره‌خواهی‌شان در صددند ملت‌های دیگر را زیر یوغ خود کشیده و مهار نمایند. اسلام و مسلمانان بر اساس الهام‌گیری از تعالیم دینی، سیطره دشمنان و کفار بر خود را برنناخته و زیر بار استیلا و سلطه آنان نخواهند رفت. به همین دلیل دشمن سعی می‌کند مقاومت جبهه حق را به صورت نرم، درهم‌شکسته و آنان را به تسخیر خود در بیاورند.

دشمنان جامعه اسلامی در راه تحقق این دسائس و شرارت‌ها به راهبردهایی شیطانی متوسل می‌شوند که خداوند متعال در قرآن کریم به تفصیل، راه‌ها و ترفندهای مختلف دشمن و نیز، شیوه‌های مقابله با آن‌ها را نیز بیان فرموده است. از جمله این راهکارها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: استفاده از جاسوسان، روابط صمیمانه با بیگانگان، شایعه‌پراکنی، تبلیغات و القای شبهات، تبعید یا حذف فیزیکی رهبران دینی جامعه، ترور شخصیتی رهبران، اغفال مسلمانان از طریق تظاهر به دوستی، افشای اسرار مسلمانان، برداشت ناصحیح از فضائل اخلاقی، ایجاد تنگناهای اقتصادی، سوءاستفاده از چهره‌های موجه در جامعه، نافرمانی از دستورات رهبر جامعه، تخریب مراکز فرهنگی و نفوذ در آن‌ها، جنگ روانی و قرار دادن در استضعاف فکری، کارآمدترین ابزارها و ترفندهای دشمن جهت نفوذ است.

## منابع

## قرآن

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بيروت: دار الصادر.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة، بيروت: دار الافاق الجديدة.
- اسماعیلی، رفیع الدین و اسکندری، علی (۱۳۹۵ش). جریان شناس نفوذ فمینیسم در سینمای ایران، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه.
- تاجیک رستمی، محمد (۱۳۹۵ش). نفوذ: بررسی پروژه‌ی برنامه ریزی شده‌ی نفوذ دشمن از دیدگاه مقام معظم رهبری، قم: انتشارات شهید کاظمی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش الف). تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش ب). اسلام و روابط بین الملل، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش ج). وحی و نبوت، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش د). اسلام و محیط زیست، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). جامعه در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح، بيروت: دار العلم للملایین.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش). لغت نامه‌ی دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دار القلم.
- زمخشری، سید محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بيروت: دار الکتب العربی.
- سروش، محمد (بی تا). استکبار و استضعاف در قرآن، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات اشجع.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). تفسیر مفاتیح الغیب، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین، قم: نشر هجرت.
- قزائنی، محسن (۱۳۸۳ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بيروت: دار الکتب العلمیة.
- معین، سید محمد (۱۳۶۳ش). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).



## اثبات اعجاز علمی آیه ۱۸۹ اعراف و بهره‌گیری از آن در تبیین مبحث لقاح اسپرم و تخمک زیست‌شناسی پایه یازدهم

سینا آقائی<sup>۱</sup>: دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیولوژی گیاهی، دانشگاه گیلان، دبیر آموزش و پرورش چابکسر، گیلان، ایران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۶۶ - ۴۹  
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

### چکیده

در تفسیر علمی قرآن، آیاتی که جنبه اعجازی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد، از اهمیت بیشتری برخوردارند. اعجاز قرآن، یکی از موضوعات مورد علاقه مفسران و پژوهشگران دینی در عصر حاضر است؛ زیرا به وسیله آن می‌توان حقانیت این دین الهی را به اثبات رساند. طرح مباحث دینی به خصوص اعجاز قرآن در کلاس درسی نیز می‌تواند کمک شایانی به جذب دانش‌آموزان به معارف دینی داشته باشد که خلاً چنین فعالیت‌هایی در منابع درسی محسوس است. تاکنون نکات علمی مختلفی از آیات قرآن کریم در ارتباط با مبحث خلقت انسان کشف شده است. در این مقاله پژوهشی بر اساس منابع کتابخانه‌ای، به مقایسه تطبیقی میان نظرات مفسران، لغویون و علم جنین‌شناسی حول آیه ۱۸۹ سوره مبارکه اعراف پرداخته و با ذکر دلایل متقن، نشان داده می‌شود که قرآن با رازگویی، به نحوه دربرگرفتن تخمک توسط اسپرم‌ها، لقاح بین هسته آنها و تشکیل زیگوت اشاره کرده است. لازم به ذکر است از مطالب مرتبط با موضوع که در کتاب درسی زیست‌شناسی پایه یازدهم متوسطه دوم ذکر شده است، جهت تدریسی اثربخش و جذاب، استفاده کرده‌ایم تا بتوان به وسیله آن، دانش‌آموزان را با مفاهیم قرآنی آشنا نمود.

**کلیدواژه‌ها:** اعجاز قرآن، اسپرم، تخمک، لقاح، کتاب درسی زیست‌شناسی پایه یازدهم.



## مقدمه

توجه دانشمندان و علمای اسلامی در طول تاریخ به کلام وحی و پایه‌ریزی علوم و بهره‌مندی از آن در پیشبرد اهداف حکومت و تمدن اسلامی همواره مورد تأکید بوده است. دیدگاه قرآن کریم پیرامون نحوه شکل‌گیری انسان از دیرباز مورد بحث مفسران و منتقدین قرآن بوده است. منتقدین قرآن در این زمینه به جای آنکه آیات قرآن را به صورت دقیق بررسی نمایند و سپس از آنها نتیجه‌گیری منطقی گیرند، به بررسی نظرات مفسران قرآن پرداخته و آنها را نقد می‌کنند. همچنین گاهی مفسران قرآن به علت عدم آشنایی کافی با علوم تجربی، نظرات عجیبی را مطرح نموده‌اند که دستاویز منتقدین کج‌اندیش برای ایراد گرفتن به قرآن شده است که آیه ۱۸۹ اعراف نیز از جمله این آیات است.

مفسران در گذشته به علت پیشرفت نه‌چندان زیاد علوم تجربی، در کی سطحی و شناختی ناکافی نسبت به آیات قرآن داشتند که در برخی مقالات به آنها اشاره شده است (آقائی، ۱۴۰۰، ص. ۶۴-۲۷)، اما امروزه به علت پیشرفت‌هایی که حاصل شده است، درک ما از آیات قرآن عمیق‌تر شده است، به نحوی که بررسی اعجاز قرآن تبدیل به یکی از موضوعات مهم میان مفسران قرآن شده است.

امروزه بررسی اعجاز قرآن ضرورتی دوچندان یافته است؛ زیرا با افزایش سطح اطلاعات تخصصی و تحصیلات مردم و جدایی آنها از مطالعه علوم دینی، این کار تبدیل به یکی از راه‌های جذب افراد به خصوص نوجوانان و جوانان تحصیل کرده به دین شده است. مسلم است اگر در عصر حاضر، استدلال‌ات محکم و دلایل متقن از طرف قرآن پژوهان بیان نشود، نمی‌توان افرادی که تشنه

حقیقت‌طلبی هستند را به خود جذب کرد. از این رو، مقاله حاضر به تبیین یکی از وجوه اعجازی قرآن با ارائه دلایل علمی دقیق و قوی پرداخته است تا به وسیله آن اشکالات برخی مفسران و منتقدان قرآن آشکار شود، و نیز روشی برای جذب دانش‌آموزان به سمت معارف دینی باشد. در ارتباط با اعجاز قرآن کریم خصوصاً مباحث مرتبط با جنین‌شناسی و خلقت انسان، مقالات و کتب متعددی نوشته شده است؛ مانند کتاب زمین و جنین در قرآن از دکتر بتول نصرالله‌زاده، کتاب جنین‌شناسی قرآن و مسلمان شدن چند پروفیسور جنین‌شناس از عبدالکریم بی‌آزار شیرازی و... دانشمندان جنین‌شناس معروفی مانند پروفیسور کید مور، پروفیسور تی.وی.ان پراساد، پروفیسور موریس بوکای و... نیز با تحقیق و بررسی آیات قرآن پیرامون جنین‌شناسی و خلقت انسان، مسلمان شده‌اند و به عظمت قرآن اعتراف نموده‌اند. همچنین مقالات متعددی پیرامون آیه ۱۸۹ اعراف نوشته شده است که بیشتر به جنبه تفسیری، اخلاقی و معرفتی آن توجه داشته‌اند؛ مانند مقاله صورت‌بندی‌های حوزه معنایی روابط زناشویی در زبان عربی عصر نزول و تحلیل کاربری آن در قرآن کریم از محمدحسن صانعی پور و دیگران. هر چند ممکن است در کتب و مقالات مذکور، آیات قرآن پیرامون خلقت انسان، به شکلی جدید بررسی شده باشند؛ اما در هیچ کتاب یا مقاله‌ای آیه ۱۸۹ اعراف بدین شکل بررسی نشده است.

در این مقاله جنبه علمی و تخصصی آیه ۱۸۹ اعراف مرتبط با علم زیست‌شناسی و جنین‌شناسی بررسی می‌شود و در انتها پاسخ به این سؤالات بر خواننده روشن می‌شود که «آیا قرآن به تخمک اشاره نموده است؟»، «آیا قرآن به نقش تخمک در پدید آمدن جنین اشاره کرده است؟»، «منظور از تغشاهای آیه ۱۸۹ اعراف چیست؟». قرآن کریم در بطن خود از علوم مختلف سخن به میان آورده است که می‌توان با ارتباط برقرار کردن میان آنها و محتوای کتاب‌درسی، دانش‌آموزان را به دین علاقه‌مند نمود. یکی از این مباحث، پیرامون نحوه لقاح اسپرم و تخمک است که به دلیل شباهت بسیار زیاد با محتوای کتاب، این فرصت را به دبیر دغدغه‌مند می‌دهد که به تبلیغ دین به وسیله درسی غیردینی بپردازد.

محتوای این مقاله به علت تشابه مباحث ذکر شده در کتاب درسی زیست‌شناسی پایه یازدهم، قابلیت تدریس در کلاس درس را داشته و می‌توان به وسیله آن توجه دانش‌آموزان را به قرآن و دین معطوف نمود، زیرا مطالب علمی و تخصصی آن در کتاب درسی زیست‌شناسی (۲) یازدهم تجربی نیز عیناً تکرار شده است.

## ۱. تاریخچه کشف اسپرم، تخمک و لقاح آنها

ارسطو<sup>۱</sup> و سایر حکمای یونان فکر می‌کردند جنین از قاعدگی پدید می‌آید. در سال ۱۶۰۴ هیرانمس فابریسیوس<sup>۲</sup>، استاد ویلیام هاروی<sup>۳</sup> که او را پدر علم جنین‌شناسی می‌نامند، با نقاشی‌هایی

1. Aristotle
2. Hieronymus Fabricius
3. William Harvey

که رسم کرد، نشان داد جنین جوجه به شکل مینیاتوری در تخم وجود دارد. مالپیگی<sup>۱</sup> که به پدر علم جنین‌شناسی مدرن معروف است، در سال ۱۶۷۲ فکر کرد تخم مرغ حاوی جوجه مینیاتوری است و انسان به این شکل کاملاً در نطفه وجود دارد (Saadat, 2009, pp104).

در سال ۱۶۸۳ (۱۱ قرن پس از اسلام) فان لیون هوک،<sup>۲</sup> یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان زیست‌شناسی جدید و یکی از پدران زیست‌شناسی نوین، چون نتوانسته بود تخمک را در رحم ببیند، اعتقاد داشت تنها اسپرم در تشکیل جنین نقش دارد و اهمیت و حتی وجود تخمک را نفی می‌کرد. او اعتقاد داشت رحم فقط وظیفه نگهداری و تغذیه جنین را بر عهده دارد.

تنها با اختراع میکروسکوپ بود که در ۲۰۰ سال بعد، اسپرم در مایع منی کشف شد؛ اما وجود تخمک در پستانداران باز هم ناشناخته ماند. در آن زمان وجود تخمک در فولیکول‌های تخمدان سنگ توسط میکروسکوپ کشف شد و از آن به بعد مطالعات بر روی لقاح و تکوین جنین آغاز شد. در سال ۱۸۳۸ تئوری سلول توسط شلایدن و شوان<sup>۳</sup> مطرح شد و به سرعت پذیرفته شد که تمام موجودات زنده از سلول‌ها تشکیل شده‌اند و سلول، واحد ساختاری حیات است. در این زمان شوان، تخمک را نیز یک سلول در نظر گرفت (Cobb, 2012, pp4).

در سال ۱۸۷۵ برای اولین بار هر توینگ<sup>۴</sup> ثابت کرد هم اسپرم (نطفه مرد) و هم اوول<sup>۵</sup> (نطفه زن) در تکوین تخم مؤثرند (البار، ۱۴۰۵، ص. ۲۰). در صورتی که هزار سال قبل پیامبر خطاب به یک یهودی گفته بود یا یهودی، مِنْ كُلِّ يَخْلُقُ مِنْ نُطْفَةِ الرَّجُلِ وَ مِنْ نُطْفَةِ الْمَرْأَةِ یعنی از نطفه مرد و زن (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص. ۶۷). با توجه به توضیحات داده شده، درمی‌یابیم که در زمان نزول قرآن، دیدگاه دانشمندان که منطقیاً در آن زمان از علوم یونانی تبعیت می‌کردند تا چه اندازه با علم امروز فاصله داشته است؛ زیرا با توجه به آن می‌توانیم به عظمت قرآن که حاوی اشارات علمی خارق‌العاده‌ای در بطن خود است، پی ببریم و به حقانیت آن گواهی دهیم.

## ۲. بررسی اجزاء اسپرم، تخمک و نحوه لقاح آنها

### ۲-۱. اسپرم

هر اسپرم بالغ، دارای یک سر، قطعه میانی و تازک<sup>۶</sup> است. قسمت سر تقریباً به طور کامل توسط هسته اشغال شده که حاوی فیبرهای کروماتینی<sup>۷</sup> در هم پیچیده است. بخشی از هسته

- 
1. Malpighi
  2. Van leeuwenhoek
  3. Schwann& Schleiden
  4. Hertwig
  5. Ovule
  6. Cilium
  7. Chromatin

به وسیله اکروزوم<sup>۱</sup> پوشیده شده است. اکروزوم کیسه‌ای است که از کمپلکس گلژی<sup>۲</sup> تمایز می‌یابد و حاوی پروتئین‌ها و آنزیم‌هایی است که به نفوذ اسپرم به درون تخمک کمک می‌کند. میتوکندری<sup>۳</sup> در قسمت میانی اسپرم بوده و انرژی لازم جهت حرکت تاژک را فراهم می‌آورد. تاژک اسپرم که همان دم بوده، با حرکات شلاقی خود، موجب حرکت روبه‌جلوی اسپرم می‌شود (سولومون، ۱۳۹۲، ج ۵، ص. ۱۱۵۹).

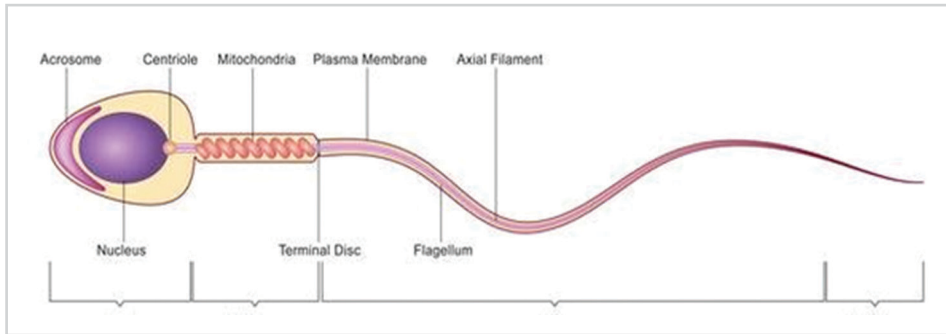
آنزیم‌های اکروزومی مختلفی مانند آنچه در لیزوزوم<sup>۴</sup> نیز ممکن است وجود داشته باشد، دخیل در این فرایند هستند؛ مانند برخی از اسیدهای گلیکیدرولاز<sup>۵</sup>، پروتازها<sup>۶</sup>، استرازها<sup>۷</sup>، اسید فسفاتازها<sup>۸</sup> و آریل سولفاتازها<sup>۹</sup>. در حقیقت، در اکروزوم اسپرم، پروتئین‌های متعددی وجود دارد که برای برخورد اسپرم با تخمک و ورود اسپرم به داخل تخمک حائز اهمیت هستند. اکثر این پروتئین‌ها آنزیم‌های هیدرولیتیک<sup>۱۰</sup> بوده که خاصیت هضم‌کنندگی دارند.

یکی از این آنزیم‌ها، سرین پروتئاز<sup>۱۱</sup> است که آکروزین<sup>۱۲</sup> نام گرفته است (Klemm, Muller, En- 1991, pp634). بیشترین آنزیم مورد مطالعه اکروزوم نیز آکروزین است. آکروزین پروتئازی است که به صورت غیرفعال پرو آکروزین در اکروزوم اسپرم واقع است که در هنگام واکنش اکروزومی و آزاد شدن این آنزیم، با شکسته شدن قسمت ابتدایی آن به شکل فعال خود، یعنی آکروزین تبدیل می‌گردد. وظیفه این آنزیم شناسایی و هضم زونا پلوسیدا<sup>۱۳</sup> است (نیرنیا، ادهم، شمس الدین، انگل، ۱۳۷۹، ص. ۳۸).

در کتاب درسی در مورد ساختار اسپرم آمده است: «اسپرم‌ها سه قسمت سر، تنه و دم دارند. سر دارای یک هسته بزرگ، مقداری سیتوپلاسم و کیسه‌ای پر از آنزیم به نام تارک تن (آکروزوم) است. آکروزوم کلاه مانند و در جلوی هسته قرار دارد. آنزیم‌ها به اسپرم کمک می‌کنند تا بتواند در لایه‌های محافظت‌کننده گامت ماده نفوذ کند.

در تنه یا قطعه میانی تعداد زیادی راکیزه (میتوکندری) وجود دارد. دم با حرکات خود، اسپرم را روبه‌جلو می‌راند» (آل محمد و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۰).

1. Acrosome
2. Golgi
3. Mitochondria
4. Lysozyme
5. Glycohydrolase Acids
6. Protease
7. Esterase
8. phosphatase Acids
9. Aryl sulfatase
10. Hydrolytic
11. Serine protease
12. EC 3.4.21.10 - Acrosin
13. Zona Plosida



شکل ۱: ساختار و آناتومی اسپرم

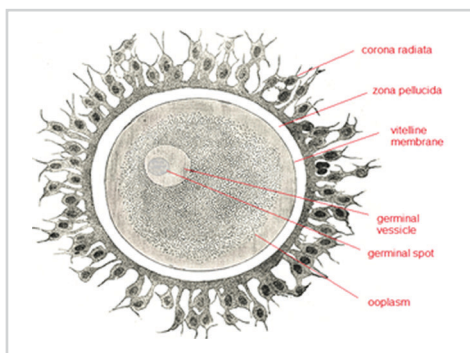
## ۲-۲. تخمک

تخمک انسان به دلیل آنکه دارای انباشته غذایی فراوان است، ممکن است با چشم غیر مسلح نیز دیده شود. قطر آن ۰/۱ میلی‌متر بوده و سلول تقریباً بزرگی به حساب می‌آید. تخمک به نسبت اسپرم ساختار ساده‌تری دارد (Alberts, Johnson, Lewis, Raff, Roberts, Walter, 2002, pp 1322). در سطح تخمک آنتی‌ژن‌هایی قرار دارد که با اسپرم همگونه خود جفت می‌شود. تخمک در پستانداران دارای ۲ لایه است؛ لایه خارجی که باقی‌مانده یاخته‌های فولیکولی بوده و از سلول‌های گرانولوزا<sup>۱</sup> تشکیل شده است و لایه داخلی که لایه ضخیم و غیر سلولی به نام زونا پلوسیدا است. پوشش‌های تخمک نه تنها لقاح آن را با اسپرم‌های آن‌گونه تسهیل می‌کنند بلکه مانع از لقاح بین‌گونه‌ای نیز می‌شوند (سولومون، ۱۳۹۲، ج ۵، ص. ۱۱۸۷).

درون پوشش داخلی تخمک، سیتوپلاسم و هسته قرار دارد. تخمک انسان از نظر ظاهری، ساختمانی مشابه تخمک بقیه موجودات زنده و حتی تخم‌مرغ دارد. در مرکز تخمک انسان، هسته (نوکلئوس) قرار گرفته که حاوی کروموزوم‌ها است. سیتوپلاسم اطراف هسته، حاوی ارگانل‌های میکروسکوپی است که به‌عنوان کارخانه‌های سلولی تولید انرژی، تأمین تغذیه تخمک را به عهده دارند. سیتوپلاسم نیز حاوی مواد غذایی است که جنین را در مراحل اولیه لقاح و پس از لانه‌گزینی تغذیه می‌کند و مواد مورد نیاز رشد جنین را قبل از اتصال به جداره داخلی رحم، تشکیل جفت و تغذیه از مادر تأمین می‌کند. همان‌طور که گفته شد، در اطراف سیتوپلاسم، پوشش‌گشایی قرار دارد که زونا پلوسیدا را از سیتوپلاسم داخل تخمک جدا می‌کند. زونا پلوسیدا مشابه پوسته تخم‌مرغ است. پوشش‌گشای داخلی نیز مشابه گشای داخل تخم‌مرغ است که سفیده را از پوسته تخم‌مرغ جدا می‌کند. سلول‌های گرانولوزا (توده

1. Granulosa

کومولوس) مانند ستاره‌هایی تخمک را در بر گرفته و نقش خود را در زمان باروری تخمک ایفا می‌کنند (محمد مهدی آخوندی و همکاران، ۱۳۸۶، ص. ۳۰۹).



شکل ۲: ساختار و آناتومی تخمک

### ۲-۳. لقاح<sup>۱</sup>

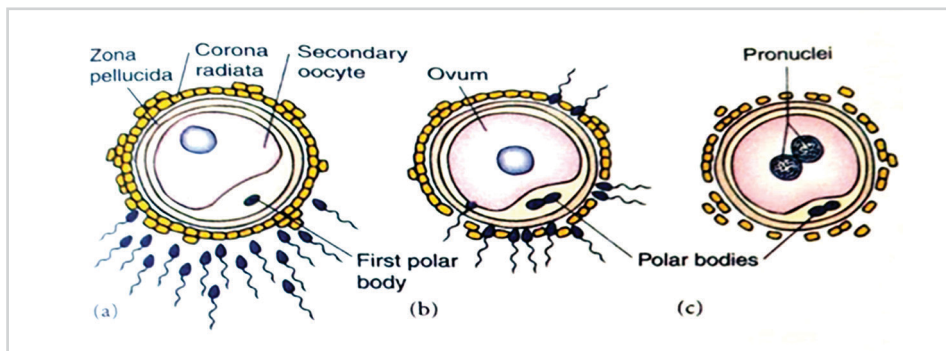
لقاح عبارت از ترکیب اسپرم و تخمک است. لقاح و سایر اعمالی که در دستگاه تناسلی رخ می‌دهند، منجر به بارداری می‌شود. پس از انزال، اسپرم درون مجاری تولیدمثلی ماده، حدود ۴۸ تا ۷۲ ساعت زنده مانده و قدرت لقاح با تخمک را دارد. همچنین تخمک به مدت ۲۴ ساعت پس از تخمک‌گذاری قدرت لقاح دارد. چنانچه شرایط در واژن و دهانه رحم برای لقاح فراهم باشد، اسپرم در مدت چند دقیقه بعد از انزال به نقاط بالای اویدوکت<sup>۲</sup> می‌رسد. در زمان تخمک‌گذاری، وقتی که غلظت استروژن<sup>۳</sup> بالاست، موکوس سرویکس<sup>۴</sup> قوام کمتری دارد و به عبور اسپرم از واژن به رحم اجازه می‌دهد.

بعد از تخمک‌گذاری، زمانی که غلظت پروژسترون<sup>۵</sup> افزایش می‌یابد، موکوس دهانه رحم ضخیم و چسبناک می‌شود و از ورود اسپرم (و باکتری‌هایی که ممکن است به جنین آسیب برسانند) جلوگیری می‌کند. زمانی که اسپرم وارد رحم می‌شود، انقباض دیواره رحم به حرکت آن کمک می‌کند. حرکت اسپرم امر بسیار مهمی خصوصاً در رسیدن آن به تخمک و عمل لقاح است. زمانی که اسپرم با تخمک مواجه می‌شود، منافذی در اکروزوم اسپرم باز

1. Fertilization
2. oviduct
3. Estrogen
4. Cervical mucus
5. Progesterone

می‌شوند و سبب رهاسازی آنزیم‌هایی به سمت زوناپلوسیدا که در اطراف اووسیت ثانویه قرار دارد، می‌شوند. به‌مجرد ورود اسپرم به اووسیت ثانویه، تغییراتی رخ می‌دهد که از ورود سایر اسپرم‌ها جلوگیری می‌شود. هنگامی که اسپرم در حال لقاح وارد تخمک می‌شود، تاژک خود را از دست می‌دهد.

ورود اسپرم سبب تحریک اووسیت ثانویه برای تکمیل تقسیم دوم میوز می‌شود. سپس سر اسپرم هاپلوئید بزرگ‌تر شده و پیش‌هسته نر را به وجود می‌آورد که با پیش‌هسته ماده ترکیب می‌شود و هسته دیپلوئید تخم را به وجود می‌آورد. سؤالی که ممکن است پرسیده شود این است که اگر فقط یک اسپرم برای لقاح با تخمک موردنیاز است، چرا میلیون‌ها اسپرم انزال می‌شوند؟ تعداد زیادی از آنها به دلیل pH نامناسب یا انجام فاگوسیتوز<sup>۱</sup> توسط لکوسیت‌ها<sup>۲</sup> و ماکروفاژها<sup>۳</sup> در مجرای تناسلی ماده می‌میرند. فقط چند صد اسپرم در رسیدن به اووسیت ثانویه موفق می‌شوند. اگر اووسیت ثانویه لقاح یابد، همچنان که رویان به‌وسیله حرکت مژک‌های اویداکت به سمت رحم حرکت می‌کند، مراحل تکوین شروع می‌شود. وقتی که رویان به رحم رسید، به شکل کره‌ای با حدود ۳۲ سلول است. بعد از سه روز شناور بودن در رحم، در روز هفتم بعد از لقاح، رویان شروع به لانه‌گزینی در آندومتر<sup>۴</sup> ضخیم می‌نماید (سولومون، ۱۳۹۲، ج ۵، ص. ۱۱۷۱). همان‌طور که ذکر شد، از میان میلیون‌ها اسپرم، تنها چند صد اسپرم توانایی رسیدن و چسبیدن به تخمک را دارند که از میان آنها نیز تنها یک عدد برای لقاح موردنیاز است. سایر اسپرم‌ها با روش‌هایی خاص از بین می‌روند.



شکل ۳: لقاح

1. Phagocytosis
2. Leukocytes
3. Macrophage
4. Endometrium



(a) هر اسپرم مقادیر اندکی آنزیم آزاد می‌کند که لایه‌های سلول‌های فولیکولی (کورونا رادیاتا) که اطراف اووسیت ثانویه قرار دارند را هضم می‌کند. (b) بعد از ورود یک اسپرم، اووسیت ثانویه دومین تقسیم میتوزی خود را تکمیل کرده و یک تخمک و یک جسم قطبی به وجود می‌آورد. (c) پیش‌هسته اسپرم و تخمک ترکیب شده و یک سلول تخم با عدد کروموزومی دیپلوئید به وجود می‌آورند (سولومون، همان).

### ۳. بررسی اندازه اسپرم و تخمک

معروف است که بزرگ‌ترین سلول بدن زن، تخمک اوست اما عکس این موضوع برای مرد صادق است، یعنی کوچک‌ترین سلول بدن او، اسپرم است؛ به همین جهت، تفاوت اندازه اسپرم و تخمک بسیار زیاد است (Ge, H, 1999. pp21)؛ اما این تفاوت اندازه به نحوی با تفاوت تکثیرشان جبران می‌شود؛ یعنی هر چند اسپرم‌ها کوچک‌تر هستند اما به علت آنکه تعدادشان بسیار زیاد است (۲۵۰ الی ۲۸۰ میلیون) در مقابل تنها یک تخمک آن‌قدر هم به مشکل بر نمی‌خورند. هر تخمک اندازه در حدود ۰,۱۲ میلی‌متر دارد که آن را تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین سلول‌های انسانی کرده است (patel, 2001. pp5). سلول اسپرم انسان از یک سر صاف و دیسکی شکل به اندازه ۵,۱ میکرومتر در ۳,۱ میکرومتر و یک دم به طول ۵۰ میکرومتر تشکیل شده است (Smith, 2009. pp 295). مطابق با آنچه تبیین شد، هر چند اندازه اسپرم به مراتب کوچک‌تر از تخمک است، اما به دلیل آنکه چند صد اسپرم خود را به تخمک می‌رسانند، می‌توان گفت مجموعه اسپرم‌ها مانند پوششی دور تخمک را فرا گرفته و به آن متصل می‌شوند. برای قضاوت بهتر در مورد این موضوع می‌توانیم به شکل شماره ۴ نگاه کنیم که چگونه مجموعه اسپرم‌ها دور تخمک را فرا گرفته و آن را احاطه کرده‌اند.

### ۴. تبیین نحوه لقاح اسپرم و تخمک در قرآن با تأکید بر آیه ۱۸۹ اعراف

سوره اعراف را همانند سوره‌هایی که در مکه نازل شده‌اند، (۸۰ تا ۹۰ سوره) با توجه به وضع محیطی مکه، بیشتر ناظر به بحث از مبدأ و معاد، اثبات توحید، دادگاه رستاخیز، مبارزه با شرک و تثبیت مقام و موقعیت انسان در جهان آفرینش دانسته و هدف آن را تقویت عقیده و مبانی ایمان در مسلمانان می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص. ۷۴). در آیه ۱۸۹ این سوره می‌خوانیم:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلٌ خَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَتَقَلَّتْ دَعَا إِلَى اللَّهِ رَبِّهِنَّ لِنِ اسْتِنَابِكُنَّ لِصَالِحَاتِنَا لِنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ. او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود» (اعراف: ۱۸۹/۷)

#### ۴-۱. بررسی برخی لغات مهم

در این آیه کلمات مهمی وجود دارند که به بررسی آنها می‌پردازیم:  
 لیسکن: سکون: آرام گرفتن بعد از حرکت. به معنی میل و انس نیز آید. مراد از آن در اینجا، میل و انس است. لیسکن الیها: یعنی به او میل کند و با او انس گیرد. تغشاها: غشی: پوشاندن و فراگرفتن. همچنین است تغشیه. «تغشاها»: پوشانید او را. کنایه از مقاربت است (قرشی، ۱۳۹۱ ش، ج ۴، ص ۶۹).  
 «غشی» از ریشه «غشی» (غشی یغشی غشاو و غشاء) گرفته شده است و به معنای پوشیده بودن، پوشاندن و فراگرفتن است (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ج ۴، ص ۴۲۵).

«غشی» (غشاء) همانند «غطاء»، تنها به پوششی می‌گویند که چسبیده باشد؛ مانند این که انسان با لباس خود را بپوشاند؛ در اینجا گفته می‌شود: «استغشیت الثیاب» یا «تغطیت بالثیاب» اما نمی‌توان گفت: «استغشیت الحیطان (دیوار)» یا «تغطیت بالحیطان»؛ بنابراین «غشی» فقط در پوشش ملاصق استعمال می‌شود (عسکری، ۱۴۰۰ ق، ج ۱، ص ۲۸۲).

اثقلت: منظور از ثقل در این آیه آن است که این بار برداشته شده بر اثر تغذیه و نگهداری سنگین شود، به نحوی که برخلاف قبل متوجه آن شده و از نظر ظاهری و حقیقی سنگین آید (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص ۲۱). حضرت حوا تا وقتی که سبک بود از حال خود خبر نداشت. پس از سنگین شدن فهمید آبستن است و به حضرت آدم عرضه داشت و هر دو عهد کردند که اگر خداوند به آنها نسل شایسته دهد که مبری از عیب و نقص باشد، شکر نعمت خدا را به جا آورند (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، ص ۵۰۲). در این زمینه ابن ابی حاتم می‌نویسد: «قال رسول الله (ص): أن حواء لما حملت کان لا یعیش لها ولد، فد حملت حملاً خفیفاً» یقول: خفیفاً لم یستبن فمرت به لما استبان حملها» (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۹).

#### ۴-۲. بررسی تفسیری و علمی - تخصصی آیه

هر چند ممکن است فارسی‌زبانان با معنای فعل «غشی» آشنایی نداشته باشند اما حتماً واژه «غشاء» به گوش آنها رسیده است. «غشاء» در اصل واژه‌ای عربی بوده و جمع «اغشیه» از ریشه «غش‌ی» است. تغشا نیز از ریشه «غش‌ی» بوده و در این آیه، اشاره به حضرت آدم (ع) دارد (فاعل). ضمیر متصل «ها» نیز اشاره به حضرت حوا دارد. در این قسمت خداوند به صورت کنایه‌ای از رابطه جنسی با فعل تغشا یاد کرده است. همان‌طور که ذکر شد، این فعل به معنای دربرگرفتن، پوشاندن و فراگرفتن است؛ اما چه نوع پوششی؟ پوششی از نوع ملاصق؛ یعنی به صورت چسبیده.

در تفسیر المیزان، علامه طباطبایی (ره) اشاره می‌کنند که منظور از «حملاً خفیفاً»، نطفه‌ای است که حضرت حوا (ع) برمی‌دارند. ایشان ذیل آیه شریفه می‌فرمایند: «پس چون آدم با همسرش در آمیخت (مجامعت نمود) همسرش نطفه (سلول جنسی) را که باری سبک بود برگرفت و همچنان این بار را داشت و با آن بسر می‌کرد تا آنکه نطفه در رحم او رشد کرد و جنینی سنگین شد و همسر آدم از آن احساس سنگینی نمود، در این هنگام آدم و همسرش دست به دعا برداشتند و الله پروردگارشان را

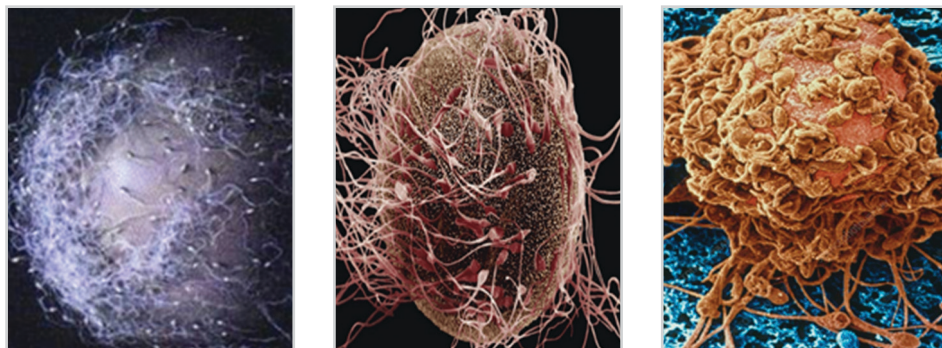
خواندند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص. ۴۸۷). در تفسیر اثنی عشری آمده است: «حَمَلْتُ حَمَلًا خَفِيفًا: حامله شد حوا حمل سبکی را و آن نطفه آدم بود که در رحم او آمد» (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص. ۲۶۵). مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن نیز چنین دیدگاهی داشت که آن را بیان نمودیم. ابن ابی حاتم در تفسیر القرآن العظیم نیز می‌نویسد: «فوقع علی حواء فد- حَمَلْتُ حَمَلًا خَفِيفًا فَمَرَّت بِهِ» وهی النطفة» (ابن ابی حاتم، بی تا، ج ۵، ص. ۲۳۹). طنطاوی نیز در مورد آیه مذکور معتقد است که منظور از «حملت حملا خفیف» نطفه است. او می‌نویسد: «حَمَلْتُ حَمَلًا خَفِيفًا. أی: حملت منه محمولا خفیفاً وهو الجنین فی أول حملة لا تجد المرأة له ثقلا لأنه یكون نطفة ثم مضغه، ولا ثقل له یدکر فی تلك الأحوال فَمَرَّت بِهِ أی: فمضت به إلی وقت میلاده من غیر نقصان ولا إسقاط» (طنطاوی، بی تا، ج ۵، ص. ۴۵۳). ابن عجیبه نیز چنین دیدگاهی داشته و می‌نویسد: «حملا خفیفاً، یعنی النطفة قبل تصورها» (ابن عجیبه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۲۹۳).

الوسی در تفسیر روح المعانی کمی دقیق‌تر شده و پیرامون «فمرت به» معتقد است: «أی محمولا خفیفاً وهو الجنین عند كونه نطفة أو علقة أو مضغة فإنه لا ثقل فيه بالنسبة إلی ما بعد ذلك من الأطوار» (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص. ۱۳۸). از نظر او مراحلی که قبل از «انقلت» قرار می‌گیرند این مراحل هستند که کاملاً صحیح است، زیرا در این مراحل از مراحل پیدایش جنینی، جنین وزن بسیار سبکی داشته و سنگین نشده است. می‌دانیم منظور از علقه، مضغه و ... مطابق با آنچه دانشمندان امروزی کشف کرده‌اند همان مراحل پیدایش جنینی است، اما سؤالی که ایجاد می‌شود این است که چه مرحله‌ای قبل از آنها وجود دارد که جنین از آن به وجود می‌آید؟ یعنی چه مرحله‌ای قبل از مراحل پیدایش جنینی و بعد از مقاربت وجود دارد؟ این مرحله همان لقاح است که حلقه گمشده مراحل فوق بوده و قرآن به شیوه‌ای حیرت‌انگیز آن را بیان نموده است.

در تفسیر طبری نیز چندین نقل قول ذکر شده است که به نوعی مهر تأییدی بر این دیدگاه می‌زند. آنگاه که طبری به ذکر اقوال می‌پردازد و منظور از «حملت حملا خفیفاً» را نطفه و «فمرت به» را استمرار آن حالت می‌داند، ذکر می‌کند: «وقال آخرون: معنی ذلك: فشکكت فيه ... ذکر من قال ذلك: حدثني محمد بن سعد قال: حدثني أبي قال: حدثني عمي قال: حدثني أبي، عن أبيه، عن ابن عباس، فی قوله: (فمرت به) قال: فشکت، أحملت أم لا؟...» (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص. ۳۰۵). هر چند هدف از رابطه جنسی تنها محدود به فرزندآوری نمی‌شود اما هدف از این مقاربت که در آیه اشاره شده است، فرزندآوری است و باید بدانیم نتیجه این مقاربت در لقاح مشخص می‌شود؛ بنابراین چنانچه نگاهی دقیق‌تر، موشکافانه و میکروسکوپی به تک‌تک کلمات موجود در آیه داشته باشیم، شاید بتوانیم در کی صحیح‌تر از منظور قرآن داشته باشیم.

مطابق آنچه عرض شد، در صورتی که باری سبک را نطفه در نظر بگیریم، آیا می‌توان تغشاهارا به صورت علمی توجیه نمود؟ پاسخ مثبت است. ضمیر متصل مؤنثی که در این فعل به کار رفته است، نشان می‌دهد که نطفه زن توسط نطفه مرد در بر گرفته می‌شود؛ یعنی اسپرم‌های انسان به صورت پوششی که از نوع ملاصق است، تخمک را در بر می‌گیرند. در شکل ۴ می‌توانید مشاهده نمایید که

صدها اسپرم، هنگام لقاح به تخمک چسبیده و مانند پوششی آن را احاطه می کنند. همچنین لازم به ذکر است که معمولاً تنها یک عدد از اسپرم ها وارد تخمک شده و لقاح صورت می گیرد. سؤال دیگری که ممکن است ایجاد شود، آن است که مخاطب این آیه تنها حضرت آدم و حوا هستند یا تمامی انسان ها را شامل می شود؟ عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود که هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا ... این آیه یکی از ادله توحید است و مخاطب آیه تمام فرزندان و نسل آدم می باشد (بروجردی، ۱۳۶۶ ش، ج ۲، ص. ۴۹۵). این نکته، بسیار ظریف و مهم است؛ چرا که اگر خلاف آن بود نمی توانستیم به مسئله مطرح شده پاسخ دهیم.



شکل ۴: تصاویر میکروسکوپی از چسبیدن اسپرم ها به تخمک

در این آیه پس از ذکر فعل «تغشاها»، بلافاصله اشاره به برداشتن باری سبک می شود؛ زیرا خداوند بزرگ چنین عنوان نموده است: «هنگامی که او را پوشاند، باری سبک برداشت.» روشن است که پس از چسبیدن صدها اسپرم به تخمک، آنگاه که هسته یکی از اسپرم ها از پوشش ها و غشاء تخمک رد شده و وارد آن می شود، گویی زن باری سبک اما حیاتی و مهم را از مرد تحویل گرفته است. به همین دلیل است که در این آیه از واژه «خفیف» استفاده شده است تا به زیبایی و باظرافتی هنرمندانه این فرایند توضیح داده شود؛ زیرا از مجموعه میلیون ها اسپرم موجود در منی، تنها یک عدد آن هم نه به صورت کامل بلکه هسته آن وارد تخمک می شود. این دو عمل به صورت پیوسته و بافاصله زمانی اندکی انجام می گیرند، همان طور که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، زیرا در آیه مذکور آمده است که پس از فراگرفتن تخمک توسط اسپرم ها، زن باری سبک را تصاحب می کند!

ممکن است عده ای عنوان کنند که شاید منظور از باری سبک، منی انسان باشد، همان طور که در برخی از تفاسیر قدیمی (بیشتر) و جدید (کمتر) این مورد به چشم می خورد؛ مثلاً، قرطبی در تفسیر

قرطبی منظور از «فمرت به» را منی می‌داند (قرطبی، ۱۳۸۴، ق، ج ۷، ص. ۳۳۷) که به نظر نمی‌رسد درست باشد، زیرا اولاً؛ به‌طور متوسط مقدار مایع منی در هر انزال در مردان بین ۲ تا ۴ میلی‌لیتر است (WHO, 2003, pp60). به همین دلیل جرم و حجم منی قابل توجه بوده و کاملاً احساس می‌شود و نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ زیرا در آیه ویژگی خاصی برای باری سبک ذکر شده است، بدین شکل که شخص متوجه آن نشود.

ثانیاً؛ عمر سلول‌های موجود در منی مانند هر سلول دیگری محدود بوده و از بین می‌روند. همچنین آنزیم‌های موجود در بدن زن نیز به تجزیه عوامل مختلف موجود در آن کمک می‌کند. به همین دلیل نمی‌توان مطرح نمود که بار سبکی با ویژگی حیات و تولیدمثلی، از منی همراه زن برای مدتی طولانی می‌ماند. اینجاست که قرآن می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ بَتْلِيهٍ... ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم.» (انسان: ۲/۷۶) یعنی انسان از دو نطفه مخلوط شده ایجاد می‌شود؛ پس خاصیت زایایی برای نطفه است و ما می‌دانیم منظور از آن ترکیب هسته‌های اسپرم و تخمک است.

همچنین در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که تصریح می‌کنند خاصیت تولیدمثلی نه از آن کل منی، بلکه بخش کوچکی از آن بوده که همان اسپرم یا به عبارت دقیق‌تر، سر اسپرم است؛ از جمله این آیات می‌توان به آیه ۶ سوره مبارکه طارق (خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ) و ۳۷ سوره مبارکه قیامت (الْمَ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِيٍّ) اشاره نمود که در آن‌ها حرف «من» همان من تبعضیه بوده که به معنای جزء یا اندک از بسیار است. از طرفی دیگر در روایتی از پیامبر اکرم (ص) اشاره شده است: «از همه مایع (منی) فرزند پدید نمی‌آید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۱۸۲؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۱۶). طبق موارد فوق می‌توانیم نتیجه بگیریم که آن بار سبکی که زن تصاحب کرده و خاصیت زایایی و بارور کننده دارد، اسپرم بوده که جزء اندکی از مایع منی می‌باشد؛ و این اسپرم‌ها هستند که دور تخمک را فرا گرفته و آن را می‌پوشانند.

«حرف من در آیه فوق دلالت بر تبعض دارد؛ به معنی اندک از بسیار. به عبارت دیگر آیه فوق بیان می‌دارد که انسان از جزء اندکی از اسپرم که درون رحم ریخته می‌شود، به وجود می‌آید. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی حیرت‌آور به تفسیر آیه فوق می‌پردازد: جنین از کل منی مرد به وجود نمی‌آید و چون خداوند چیزی را منع کند، کسی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. آیه و حدیث فوق به حقیقتی علمی اشاره دارند که دانشمندان در قرن اخیر با کمک میکروسکوپ‌های قوی توانسته‌اند آن را کشف کنند. از ۳۵۰ میلیون اسپرم یک مرد نرمال تنها یک عدد کافی است تا زن باردار شود و این همان اعجاز قرآن است که به آن اشاره نمودیم» (آقائی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص. ۹۸).

در برخی کتب و ویژگی دیگری نیز برای «غشی» ذکر کرده‌اند. در الفروق فی اللغه آمده است: «پوششی که از این فعل حاصل می‌شود، رقیق است و موجب دیدن آنچه پوشیده می‌شود، خواهد شد» (عسکری، ۱۴۰۰، ق، ج ۱، ص. ۲۸۲). این شرط برای فرایند مذکور نیز صادق است، زیرا همان‌طور که در تصویر مشخص است، مجموعه اسپرم‌ها هر چند تخمک را در



برمی گیرند اما مانع از رؤیت آن نمی شوند. به نظر می رسد جای هیچ توجیهی باقی نماند که چرا خداوند از میان هزاران فعلی که می توانست انتخاب نماید از «تغشا» استفاده نموده است؛ زیرا می خواهد اعجازی علمی و حیرت انگیز را به ما نشان دهد.

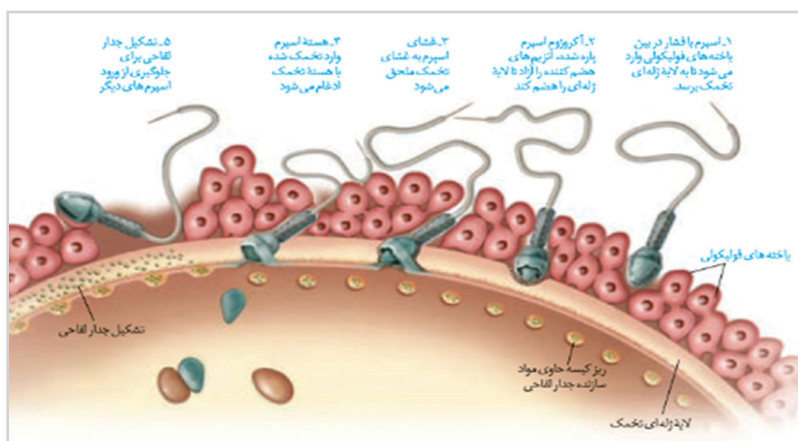
نکته دیگر آنکه در آیه اشاره شده است باری سبک برداشت، یعنی تمام تأکید خود را بر اهمیت این بار قرار داده است و به سایر مواد و اسپرم های موجود در منی (پس از لقاح)، توجهی ندارد. می دانیم تمام آنچه که انسان عادی را می سازد، در آغاز ۲۳ کروموزم پدری و ۲۳ کروموزوم مادریست. این بار سبک که همان محتویات سر اسپرم است تنها چیزیست که تخمک به آن از جانب پدر برای تولید جنین نیاز دارد و این بار سبک است که اهمیت فراوان (هنگام ورود به درون تخمک) پیدامی کند و درست در همین زمان است که قرآن به اهمیت آن اشاره می کند (نه قبل از آن) زیرا این اسپرم از میان میلیون ها اسپرم برگزیده شده و خود را به تخمک رسانیده و وارد آن می شود، و از همین جاست که برگزیده نهایی لقب گرفته و مورد اشاره قرآن قرار می گیرد.

## ۵. تبیین قرآن محور مبحث لقاح اسپرم و تخمک با مطلب کتاب درسی زیست شناسی پایه یازدهم

امروزه یکی از راه های جذب جوانان و دانش آموزان به دین و معارف قرآنی، بررسی تطبیقی میان کشفیات جدید علمی، آیات قرآن و احادیث ائمه اطهار (ع) است. در درس زیست شناسی مباحث مختلفی مانند ژنتیک، ساختار و آناتومی بدن انسان، گیاه شناسی، جنین شناسی و ... طرح شده است که معجزات بی نظیری نیز در قرآن پیرامون هریک از آنها وجود دارد. یکی از این معجزات بحث لقاح اسپرم و تخمک است که در کتاب درسی زیست شناسی پایه یازدهم نیز ذکر شده است. تمامی مراحل ذکر شده از جنبه تخصصی و ارتباط آن با مباحث تفسیری در کتاب درسی نیز ذکر شده است و می توان از آیه ۱۸۹ اعراف و تبیین مرحله به مرحله مباحث در این مقاله جهت توضیحات تکمیلی مربوط به کتاب درسی استفاده نمود.

در کتاب درسی این فرایند به شکلی که آورده می شود، توضیح داده شده و دبیر محترم زیست شناسی می تواند ارتباطی جذاب میان مطالب علمی و دینی برقرار کند و از این طریق اقدام به جذب دانش آموزان به مطالعه قرآن و آثار دینی نماید. در کتاب درسی عنوان شده است: «اووسیت ثانویه پس از تخمک گذاری از طریق شیپور فالوپ وارد لوله رحم می شود. حرکات زوائد انگشت مانند، انقباض دیواره و زنش مژک های دیواره لوله رحم، اووسیت ثانویه را به سمت رحم حرکت می دهند. با ورود مایع منی به رحم میلیون ها اسپرم به سمت اووسیت ثانویه شنا می کنند، ولی فقط تعداد کمی از آنها در لوله رحم به اووسیت می رسند. برای ورود به اووسیت، باید از دولایه خارجی و داخلی اطراف آن عبور کنند. لایه خارجی، باقی مانده یاخته های فولیکولی و لایه داخلی، شفاف و ژله ای است. در حین عبور اسپرم از لایه خارجی، کیسه آکروزوم پاره می شود تا آنزیم های آن لایه داخلی را هضم کند.

لقاح موقعی آغاز می‌شود که غشای یک اسپرم و غشای اووسیت ثانویه باهم دیگر تماس پیدا کنند. در این زمان، ضمن ادغام غشای اسپرم با غشای اووسیت، تغییراتی در سطح اووسیت اتفاق می‌افتد که باعث ایجاد پوششی به نام جدار لقاحی می‌شود. جدار لقاحی از ورود اسپرم‌های دیگر به اووسیت جلوگیری می‌کند. با ورود سر اسپرم به اووسیت، پوشش هسته ناپدید و کروموزوم‌های آن رها می‌شود. در همین حال، اووسیت ثانویه، میوز را تکمیل می‌کند و به تخمک تبدیل می‌شود. پوشش هسته تخمک نیز ناپدید می‌شود و دو مجموعه فام‌تن (کروموزوم) مخلوط می‌شوند. پوشش جدیدی اطراف آنها را فرامی‌گیرد و یاخته تخم با ۲۳ جفت کروموزوم شکل می‌گیرد (آل محمد و همکاران، ۱۳۹۷ش، ص. ۱۰۸).



شکل ۵: نحوه لقاح در کتاب درسی

۱- قسمت نخست این مبحث را می‌توان با برخی آیات مانند آیات ۶ سوره مبارکه طارق و ۳۷ قیامت و برخی احادیث و روایات مشابه آنچه از پیامبر (ص) ذکر شد، توضیح داد. مسلم است در آیات و روایات نیز مانند کتاب درسی ذکر شده است که انسان تنها قسمتی از منی برای بارداری کافی است.

۲- بخش بعدی که کتاب درسی به آن اشاره می‌کند مربوط به اختلاط هسته‌های اسپرم و تخمک و وارد نشدن سایر محتویات اسپرم به تخمک است که در ارتباط با این موضوع، قرآن کریم به برداشتن باری سبک اشاره دارد که منظور از آن ورود هسته اسپرم به درون تخمک است. همچنین در برخی آیات مانند آنچه در سوره انسان آورده شده است (انسان: ۲/۷۶)، ترکیب هسته‌های اسپرم و تخمک رخ می‌دهد که در کتاب درسی نیز به این موضوع اشاره شده است.

۳- در کتاب درسی به پوشانده شدن تخمک توسط اسپرم‌ها اشاره شده است که معنا و تفسیر «تغشا» در این مقاله نیز مربوط به آن است. همچنین از شکل ۵ کتاب درسی که پیرامون نحوه لقاح اسپرم و تخمک است، روشن می‌شود که ویژگی رقیق بودن این پوشش نیز به درستی ذکر شده است. دبیر بزرگوار زیست‌شناسی پایه یازدهم می‌تواند هنگامی که مطالب مربوط به لقاح را در کلاس درس بیان نمود، اقدام به توضیح آیه مذکور و ارتباط برقرار کردن میان مطالب علمی از یک سو و مطالب قرآنی از سوی دیگر، نماید. همان‌طور که می‌دانیم، دانش‌آموزان پایه یازدهم دریکی از حساس‌ترین مقاطع زندگی خود قرار دارند به‌نحوی که پایه‌های شخصیتی و رفتاری آنها در این زمان تثبیت می‌شود. وظیفه یک معلم تنها این نیست که مطالب کتاب درسی را بیان نموده و از کلاس درس خارج شود؛ بلکه یک معلم وظیفه‌شناس اهمیتی بالاتر به دانش‌آموزان خود داده و به تربیت و پرورش آنها، اهتمام می‌ورزد. اعجاز قرآن کریم در حوزه زیست‌شناسی، تنها محدود به مطلب فوق نبوده بلکه گستره‌ای وسیع‌تر دارد، به‌نحوی که شاید صدها اعجاز در این شاخه از علم در آن کشف شده است. دبیران محترم می‌توانند از این مطالب به‌عنوان یکی از بهترین و تأثیرگذارترین راه‌های جذب دانش‌آموزان استفاده نمایند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن، نحوه لقاح اسپرم و تخمک را شرح داده است که می‌توان از آن در تدریس زیست‌شناسی پایه یازدهم نیز استفاده نمود. با بررسی تطبیقی میان آراء مفسران، لغویون و علم‌جین‌شناسی، روشن شد در آیه ۱۸۹ اعراف، منظور از «تغشاها» فراگرفتن تخمک توسط صدها اسپرم که گویی مانند پوششی آن را در بر گرفته‌اند و احاطه می‌کنند، است. همچنین بلافاصله به برداشتن باری سبک اشاره می‌شود که منظور از آن، ورود هسته اسپرم به درون تخمک و لقاح آن با هسته تخمک است؛ بنابراین برخلاف تصور برخی کج‌اندیشان، قرآن کریم بارها به تخمک اشاره کرده و نقش آن را در بارداری ذکر کرده است. همچنین مبحث محوری این مقاله در کتاب زیست‌شناسی یازدهم تجربی نیز ذکر شده است که می‌توان از آنها جهت تدریسی اثربخش و جذب دانش‌آموزان به مباحث دینی استفاده کرد.

### منابع

قرآن کریم.

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، قم: دار سیدالشهداء للنشر.

ابن ابی حاتم (بی تا). تفسیر القرآن العظیم، المحقق: أسعد محمد الطیب، السعودیه: مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن عجبیه (۱۴۱۹ق). البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، المحقق: أحمد عبدالله القرشی رسلان،



القاهره: الدکتور حسن عباس زکی.

ابن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، أبو الحسین (۱۳۹۹ق). معجم مقائیس اللغه، بیروت: دارالفکر.  
آخوندی، محمد مهدی، بهجتی اردکانی، زهره، و عارفی، سهیلا، و صدری اردکانی، هومن، و اعرابی،  
محمود، و زرنانی، امیر حسن، و چمنی تبریز، لیلی، و شبستری، امید (۱۳۸۶ش). «آشنایی بالقاح طبیعی،  
لقاح خارج رحمی و ضرورت استفاده از گامت جایگزین در درمان ناباروری». پایش، دوره ۶، شماره ۴.  
آقائی، سینا (۱۴۰۰ش). بررسی و نقد آراء مفسران پیرامون اعجاز علمی صلب و ترائب در قرآن کریم.  
پژوهش‌های علم و دین، ۱۲(۲)، ۲۷-۶۴.

آقائی، سینا (۱۴۰۰ش). معجزات شگفت‌انگیز قرآن، تهران: زهره علوی.

آل محمد، علی، ابراهیمی، محمد، انصاری، مریم، علوی، الهه، فخریان، بهمن (۱۳۹۷ش). زیست‌شناسی  
(۲) پایه یازدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

البار، محمد علی (۱۴۰۵ق). الوجیز فی علم الاجنه القرآنی، ریاض: الدارالسعودیه.

بروجردی، سید ابراهیم (۱۳۶۶ش). تفسیر جامع، چاپ ۱، تهران: کتابخانه صدر.

ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید، تهران: برهان.

سولومون، الدراء، برگ، لیندا، مارتین، دیانا (۱۳۹۲ش). بیولوژی سولومون، تهران: خانه زیست‌شناسی.

شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی همدانی، محمدباقر، قم:  
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.

طبری، ابن جریر (۱۴۲۰ق). تفسیر الطبری = جامع البیان، المحقق: أحمد محمد شاکر، بیروت: موسسه  
الرساله.

طنطاوی، محمد سید (بی تا). التفسیر الوسیط لطنطاوی، القاهره: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزیع.

عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغه، بیروت: دار الآفاق الجدیدة.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۹۱ش). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بعثت.

قرطبی، شمس الدین (۱۳۸۴ق). تفسیر القرطبی، القاهره: دارالکتب المصریه.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

محمودی ری شهری، محمد (۱۳۹۰ش). دانشنامه قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد  
اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نیرنیا، کریم، و ادهم، ابراهیم، و شمس الدین، رحمان، و انگل، ولفانگ (۱۳۷۴ش). نقش آکروزین در تولید مثل.  
باروری و ناباروری (JOURNAL OF REPRODUCTION AND INFERTILITY)، ۴ (مسلسل ۴).

الوسی، شهاب الدین (۱۴۱۵ق). تفسیر روح المعانی، المحقق: علی عبد الباری عطیة، بیروت: دارالکتب  
العلمیه.



- Alberts, Bruce, Johnson, Alexander; Lewis, Julian, Raff, Martin, Roberts, Keith, Walter, Peter(2002). "Eggs". Molecular Biology of the Cell (4th ed.). New York: Garland Science.
- Cobb M(2012). . »An amazing 10 years: the discovery of egg and sperm in the 17th century. «Reproduction in domestic animals = Zuchthygiene, 47 Suppl 4.
- Gee, H. Size and the single sex cell. Nature.. 1999. <https://doi.org/10.1038/news991125-4>
- Klemm U, Muller Esterl W, Engel W(1991). »Acrosin. the peculiar sperm-specific protease. «HumGenet,87(6).
- Patel D(2001). Separating Cells. New York: Garland Science.
- Saadat S(2009). »Human embryology and the holy quran: an overview. «International journal of health sciences, 3(1).
- Smith, D.J(2009). "Human sperm accumulation near surfaces: a simulation study". Journal of Fluid Mechanics.621:295.
- World Health Organization9(2003) Laboratory Manual for the Examination of Human Semen and Semen–Cervical Mucus Interaction, 4th edition. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

## واکاوی روش‌های تربیتی بر مبنای سوره یوسف؛ یک مطالعه کیفی

فاطمه فرهادیان: کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی عمومی، دانشگاه راغب، اصفهان، ایران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال دوازدهم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۸۴ - ۶۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

### چکیده

روش‌های تربیتی یکی از بخش‌های مهم نظام تربیتی اسلامی هستند که مریی با به کارگیری آن‌ها متربی را از وضع موجود، به وضع مطلوب می‌رساند. در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوا به استخراج مضامین روش‌های تربیت در سوره یوسف پردازد که با توجه به ماهیت موضوع و محدودیت جامعه پژوهشی از نمونه‌گیری صرف نظر شد و کل جامعه تحلیلی (کل آیات سوره یوسف) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از مقوله‌بندی نشان داد؛ روش‌های تربیتی در سوره یوسف شامل روش‌های بینشی، گرایشی و کنشی است. روش‌های تربیتی که خاصیت پیچیده ادراکی داشته باشند به «بینش و نگرش» تعبیر و آن‌هایی که اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو، یعنی «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌گردد. بر اساس یافته‌ها روش‌های کنشی با ۵۱ درصد بیشترین فراوانی و روش‌های بینشی با ۲۸ درصد و روش‌های گرایشی با ۲۱ درصد کمترین فراوانی را در روش‌های تربیتی در سوره یوسف داشته است. در این راستا روش‌های تغافل و همانندسازی از گروه روش‌های کنشی؛ سهم بزرگی در پرورش فضایل و اصلاح رذایل متربی دارد و روش‌های محبت و تکریم از روش‌های گرایشی، روش مؤثرتری در ایجاد گرایش برای رشد تربیتی فراهم می‌کند و روش‌های موعظه و تذکر از روش‌های بینشی نقش به‌سزایی در زمینه‌بیش‌سازی متربی دارد.

**کلید واژه‌ها:** روش تربیتی، سوره یوسف، روش بینشی، روش گرایشی، روش کنشی.



## مقدمه

مقوله تربیت از ابتدایی ترین و اساسی ترین نیازهای زندگی بشری است. انسان در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند به آرمان‌های خود می‌رسد. اتخاذ مؤثرترین روش‌های متناسب با رشد فرزند برای تأمین نیازها و شکوفایی استعدادها لازم و ضروری است. قرآن کریم همواره بی‌بدیل ترین و بهترین منبع شناخت، دانش و معارف اسلامی بوده است. با استنطاق و پردازش و ژرف‌نگری در این منبع غنی می‌توان به محوری ترین روش‌های تربیتی دست یافت. سوره یوسف، به عنوان طولانی ترین قصه‌ی قرآن (قرائتی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷) رفتارها و روابط دوسویه دو تن از پیامبران معصوم را از نظر بهداشت روانی، روابط درون خانواده، تعاملات اجتماعی را مطرح می‌کند و می‌تواند الگوبخش و جهت‌دهنده باشد (مصباح، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۹) با بررسی دقیق و با دقت نظر بر کل محتوای این سوره و به کارگیری رویکردی متفاوت به تدوین مدل روش تربیت پیشی، گرایشی و کنشی نائل آمدیم که ناظر بر حیطه روان‌شناختی و آموزه‌های دینی است. با شناخت روش‌های تربیتی «پیشی» و «گرایشی» و «کنشی» می‌توان عوامل که دخیل در شناخت و ادراک متربی را شناسایی کرد و در جهت تقویت اراده، رغبت و انگیزش وی برنامه‌ریزی نمود تا بتوان در بروز کنش و رفتار در راستای پرورش و شکوفایی استعدادها وی را یاری رساند.

در مورد روش‌های تربیتی کتب و مقالات متعددی به نگارش درآمده است مانند مقاله پیام‌ها و آموزه‌های تربیتی سوره یوسف (ماهرزاده، ۱۳۸۹) در این پژوهش به برخی از این پیام‌ها پرداخته شده است از جمله: مدیریت صحیح، توکل، عفت، جوانمردی، حیا، زیبایی در کلام، خیرخواهی، عفو و گذشت، عزت نفس در برابر گناه، رازداری، صبر و سعه صدر. مقاله‌ای نیز تحت عنوان بررسی الگوی ارتباط اخلاقی متقابل والدین و فرزندان با محوریت سوره یوسف (فلاح و رضایی، ۱۳۹۲) به نگارش درآمده که در این مقاله با تأکید بر اخلاق والدین و فرزندان به تبیین نوع رابطه حضرت یعقوب با فرزندان جهت دستیابی به الگوهای ارتباطی اخلاقی تلاش می‌کند البته به صورت اسنادی و توصیفی و نه تحلیلی محتوا. هم چنین در مقاله پیش نیازهای بهداشت روانی خانواده در سوره یوسف (شاملی، ۱۳۷۹) نویسنده کوشیده است با به کارگیری شیوه اسنادی و توصیفی و با مرور بر سوره مبارکه یوسف و بررسی دیدگاه‌های تفسیری ذیل

آن، به برداشت‌هایی روان‌شناسانه دست یابد. این برداشت‌ها در راستای کشف و اصطیاد پیام‌های مربوط به بهداشت روانی خانواده، با پیگیری روابط و رفتارهای اجتماعی حضرت یعقوب و فرزندان، حضرت یوسف و پدر و حضرت یوسف و برادران پردازش شده‌اند. هرچند این پژوهش‌ها به نکات تربیتی سوره یوسف و یا پیش‌نیازهای بهداشت روانی یا الگوی ارتباطی اخلاقی پرداخته‌اند، اما ابعادی مثل روش‌های تربیتی با این مدل دسته‌بندی مورد توجه قرار نگرفته است. نوشتار حاضر با روش تحلیل محتوا، سوره یوسف را مورد مطالعه و تدقیق قرار می‌دهد تا از این رهگذر دریابد این سوره به چه روش‌های تربیتی در برخورد با تربی اشاره داشته است.

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی، شامل تحلیل محتوا انجام یافته است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. بدین وسیله می‌توان اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه‌ای ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کرد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰). در این پژوهش برای استخراج روش‌های تربیتی ابتدا تفاسیر به‌ویژه تفسیر المیزان مورد مطالعه قرار گرفت و آیات حاوی مفاهیم مرتبط با روش‌های تربیتی در کل سوره یوسف مشخص شد و سپس جهت‌گیری آیات، نقاط تمرکز و نوع ارتباط آن با روش‌های تربیتی در قالب جدول تحلیل محتوا بیان شد. در ادامه در دو بخش کمی و کیفی مورد بازخوانی قرار گرفت. مقوله‌بندی و تعیین شاخص‌ها در این تحقیق با روش جعبه‌ای انجام پذیرفته است؛ یعنی طبقات (مصادیق) قبل از اجرای تحقیق تعیین شده‌اند (نوریان، ۱۳۸۹، ص. ۶۵). واحد ثبت در این پژوهش، «مضمون» است. منظور از مضمون پیام خاصی است که از جانب فرستنده پیام مورد توجه قرار گرفته است. روش شمارش در این مطالعه، فراوانی مضمون‌ها در کل سوره یوسف است.

در این بخش با بهره‌گیری از تکنیک یاد شده، روش‌های تربیتی در سوره یوسف در جدول زیر پیاده‌سازی شده است که به علت محدودیت حجم مقاله، فقط به ذکر جدول بخش اول آن اکتفا شده است.

شماره آیه	آیه	ترجمه	زیرکد	زیرمؤلفه	مؤلفه	محور
۴	إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنَّي رَأَيْتُ أَحَدَ مَشْرِ كَوْكَبَاتٍ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ زَائِبَتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ	یاد کن زمانی را که یوسف به پدرش گفت ای پدر من در خواب یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم آن‌ها برای من سجده می‌کنند	بر خورد صمیمانه با پدر / در میان گذاشتن مسائل مهم خود با والدین نشانه صمیمیت است.	رابطه صمیمیت و سرشار از محبت (با ایت)	روش محبت	روش محبت
۵	قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ	یعقوب گفت ای پسر من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است	رابطه صمیمانه و عاطفی فرزند با پدر-عدم رعایت مساوات عاطفی رعایت عدالت اخلاقی	روش محبت	روش بینشی	روش بینشی
۸	إِذْ قَالَ لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحْبَبَ إِلَيَّ أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ آبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ	هنگامی که برادران او گفتند یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما که جمعی نیرومند هستیم دوست داشتنی ترند قطعاً پدر ما در گمراهی آشکاری است	حسادت برادران یوسف به دلیل احساس کمبود محبت و عدم رعایت مساوات در برابر فرزندان	رعایت مساوات در برابر محبت فرزندان	روش محبت	روش محبت

### جدول تحلیل محتوای روش‌های تربیت در سوره یوسف



در حوزه تعلیم و تربیت، به فعلیت درآوردن و پروردن استعدادهای درونی بالقوه موجود در یک شیء، تربیت (زکریایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۲) و روش؛ به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری برای کشف و شناخت حقیقت گفته می‌شود (فرمehینی فراهانی، ۱۳۷۹، ص. ۳۶۹) روش‌های متعددی را می‌توان به‌عنوان روش تربیتی از قرآن استنباط کرد؛ روش‌هایی از جمله روش‌های الگویی، محبت، تذکر، عبرت، موعظه، توبه، ابتلا و امتحان، مراقبه و محاسبه، تشویق و تنبیه که از روش‌های پرکاربرد در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی هستند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، باقری، ۱۳۹۶ و قائمی مقدم، ۱۳۹۱) اما بر مبنای تحلیل محتوای انجام گرفته در سوره یوسف؛ روش‌های تربیتی بر اساس گام‌های اساسی تربیت به سه دسته روش‌های بینشی، روش‌های گرایشی و روش‌های کنشی تقسیم می‌گردد.

این روش‌ها مجموعه فنون و تدابیری هستند برای به فعلیت درآوردن آن نیروی درونی بالقوه تا بستری آماده کنند برای شناخت و زمینه پرورش و تهذیب. در هر موجود زنده و به‌طور پیچیده‌تر در انسان دو خاصیت اساسی ادراک و اراده وجود دارد؛ در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به «بینش» تعبیر و در اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی، یعنی «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌گردد. در ادامه مقاله تلاش شده است تحلیل محتوایی روش‌های تربیت در سوره یوسف تبیین گردد.

### ۱. روش‌های بینشی (نگرشی) در تربیت از منظر سوره یوسف

انسان موجودی متفکر و آگاه است؛ به همین سبب، آگاهی و شناخت نقش مهمی در شکل‌دادن به تربیت و پرورش وی دارد. ادراک و شناخت، «بینش» را شکل می‌دهند و در ایجاد گرایش و رفتار نقش بسزایی دارد. بینش، شرایط اولیه‌ای را فراهم می‌آورد که احتمال بروز رفتارهای مطلوب را افزایش و احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را کاهش می‌دهد (باقری، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۶). اگرچه باید گفت شناخت و بینش به تنهایی نمی‌تواند رفتاری را ایجاد کند، چراکه گاهی انسان با علم به مفید بودن رفتار، برخلاف آن عمل می‌کند. روش‌های بینش‌ساز در تربیت فرزند از منظر سوره یوسف شامل روش‌های عبرت‌آموزی، انذار و هشدار، تذکر و یادآوری، دعوت به اندیشه‌ورزی می‌باشد.

#### ۱-۱. روش موعظه

یکی از روش‌های مهم تربیت و سازندگی انسان روش موعظه و نصیحت است که کاربرد عام و فراگیر دارد و در قرآن کریم به آن تصریح شده است. موعظه یعنی بازداشتن همراه با ترساندن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) از آن‌جا که این روش با عواطف انسان سروکار دارد و به قلب رقت و نرمی می‌بخشد، حوزه تأثیر آن گسترده و عام است و در مورد هر انسانی می‌تواند به کار رود. موعظه را می‌توان یک روش تربیتی با هدف اثرگذاری بالا در مرتبه دانست؛ چرا که به منظور اصلاح و ادا داشتن او به خوبی‌ها و یا بازداشتن وی از بدی‌ها و با هدف تربیت یک انسان منطبق با تعالیم و آموزه‌های اسلامی صورت می‌پذیرد (قائمی مقدم، ۱۳۹۱، ص. ۸۱).

در موعظه الزام و اجبار نیست و واعظ با بیانی محبت‌آمیز و دادن تذکر و آگاهی‌های لازم و متناسب و توأم با ترساندن، سعی می‌کند تا با زمینه‌سازی، انگیزه‌ای درونی در مخاطب به‌سوی انجام و یا ترک فعلی ایجاد کند. فراهم بودن زمینه و شرایط برای اثربخشی در هر امری لازم و ضروری است. موعظه نیز زمانی تأثیر کامل خواهد داشت که زمینه پذیرش در مخاطب فراهم و فرد از نظر نگرش به درجه بینش رسیده باشد. این زمینه گاهی خودبه‌خود فراهم می‌آید که در این صورت، کار واعظ استفاده از فرصت پیش آمده و به عبارتی شکار فرصت‌هاست؛ حضرت یوسف نیز زمانی که دو نفر زندانی از ایشان تعبیر خواب خواستند، زمینه پذیرش را مناسب دید و در کنار تعبیر خواب، به نصیحت و هدایت آنان به توجید و یکتاپرستی پرداخت «یا صَاحِبِی السَّجْنِ أَرَبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ. مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف / ۳۹ - ۴۰)

با بهره‌گیری صحیح از روش‌های بینشی می‌توان بستر مناسبی برای اجرای روش‌های گرایشی و کنشی فراهم ساخت. با روش موعظه آگاهی‌های لازم جهت هوشیاری و بینش‌سازی در مخاطب ایجاد می‌شود و تسهیل در امر شکل‌دهی مطلوب و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب صورت می‌گیرد.

## ۱-۲. روش عبرت‌آموزی

روش عبرت‌آموزی روشی آیه‌ای است؛ یعنی پدیده‌ها را آیت دیدن، از سطح درگذشتن و به اعماق دست‌یازیدن. ویژگی آیت‌ها؛ داشتن نمودی رمز و رازگونه و دلالت هر رمز به چیزی بیش از ظاهر خود است (باقری، همان، ص. ۲۱۸). روش عبرت‌آموزی نیز در قرآن به‌طور گسترده و با زبان قصه به کار گرفته شده است. قصه‌گویی در قرآن، همواره با ارزیابی و به دست‌دادن رهنمودهایی برای عمل همراه است تا هم بر نفوذ و جاذبه آن رهنمود بیفزاید؛ و هم خصیصه عبرت‌آموزی آن را موردنظر قرار دهد (همان، ص. ۲۱۹). سوره یوسف؛ احسن القصص نامیده شده؛ چراکه در آن به زیبایی به نکات عمیق و حساس تربیتی اشاره و به تفکر و عبرت‌آموزی از آن دعوت گردیده است؛ «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ ...» (یوسف / ۱۱۱)

عبرت در قلمرو تربیت کاربرد گسترده‌ای دارد. سیر در آفاق و انفس، توأم با تفکر و اندیشه در سرگذشت دیگران به عبرت‌گیری کمک می‌نماید و شکی نیست که این امر، تأثیر چشمگیری بر عمل و رفتار انسان دارد؛ بنابراین عبرت‌آموزی یک روش تربیتی است که با آگاه و هشیارسازی در تغییر نگرش بسیار مؤثر است. اصولاً یکی از اهداف مهم تربیت، ایجاد بینش و بصیرت بخشی به اوست تا بتواند از ظواهر امور بگذرد و به بواطن بنگرد و در راه‌های خطایی که دیگران رفته‌اند، گام نگذارد؛ روش عبرت‌آموزی راهی استوار در رساندن انسان به این مقصد تربیتی است؛ بنابراین عبرت‌آموزی انسان را بینا می‌کند و در حقیقت این روش در تربیت آدمی اثری گران‌بها دارد؛ چرا که انسان را از غفلت به بصیرت و از غرور به شعور می‌رساند (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص. ۹۷).



### ۱-۳. روش انذار و هشدار

انذار از ریشه «نذر» به معنای برحذر داشتن از امر ترسناک (طبرسی، التبیان، ج ۱، ص ۶۲) و ترساندن در ابلاغ و خبر است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۸۵). انذار در حقیقت بیم دادن و آگاهی از پیشامدها و نتایج سوئی است که بر عمل مترتب خواهد شد و به مفهوم آگاهی رساندن است که عامل بازدارندگی را در خود دارد. فرد با آگاهی یافتن از پیامدهای رفتار، بهتر می‌تواند سود و زیان را بسنجد و بر اساس آن درباره انجام دادن و یا ندادن آن اقدام کند. در داستان یوسف آنجا که حضرت یعقوب به حضرت یوسف این انذار را می‌دهد که رؤیای خود را برای برادرانت بازگو نکن؛ «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ» (یوسف/۵) در واقع یوسف را از عواقب و پیامدهای این کار آگاه می‌سازد و این هشدار از لایه‌ها و پشت پرده‌هایی خبر می‌دهد که می‌بایست احتیاط کند. با انذار و هشدار زمینه‌های آگاهی از پیامدهای رفتار به وجود می‌آید که موجب تقویت قدرت انتخاب خوب و بد و تصمیم‌گیری صحیح می‌شود. از این رو رشد، شناخت و بینش اتفاق می‌افتد و فرد را آماده کنش یعنی پذیرش فضایل و اصلاح رذایل می‌کند.

### ۱-۴. روش تذکر و یادآوری

روش تذکر روشی نیکو است در توجه دادن انسان به حقیقت وجود و سیر دادن او در صراط هدایت و اطاعت و دور کردن وی از سستی و کجی و پلیدی. نقش ذکر در تربیت و تعالی آدمی، چنان است که دل را جلا می‌دهد و جان را صفا می‌بخشد. این روش فرد را با گذشته خود روبه‌رو می‌کند و آن چه از سختی‌ها بر او گذشته و نعمت‌ها و گشایشی را که بعد از آن، برایش حاصل شده را به یاد او می‌آورد تا بلکه به خود آمده و از پوسته خودخواهی و خودبینی خارج و از این طریق متوجه حقیقت شود (اجیه، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰). طبق این روش تلاش می‌شود غفلت مرتبی را نسبت به الطاف گسترده خداوند برطرف ساخته و با متذکر ساختن او به انواع نعمت‌های ظاهری و باطنی، او را آگاه و ستایشگر و سپاسگزار خداوند گرداند. همچنین این روش امکان بازگشت از مسیری غلط را برای او فراهم می‌آورد تا ضمن امیدواری به آینده، زمینه موفقیت وی را فراهم نماید (حسین خانی نائینی، ۱۳۸۷). در سوره یوسف در آیه ۶ این آگاهی نسبت به یادآوری نعمت‌ها صورت گرفته است: «... وَبِئْسَ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ... و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند همان گونه که قبلاً بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرد در حقیقت پروردگار تو دانای حکیم است.»

از جمله درس‌های قصه یوسف این است که باید از همان دوران شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی فرد، وی را بارنگ و بوی ربانی‌ات و خدامحوری انس داده و یعقوب‌وار بذر خودشناسی و خداشناسی را در قلبش نهادینه ساخت آنجا که عنایت الهی را به او گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «وَكَذَلِكْ يُجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ: این چنین پروردگارت تو را برمی‌گزیند و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد...» (یوسف/۶)



به‌طور کلی در این روش متریبی متوجه فراوانی نعمت‌ها و عنایاتی که گذشته و حال به او شده می‌گردد و از غفلت در این زمینه پرهیز داده می‌شود. این باعث می‌شود در تنگناها و گشایش‌های زندگی این الطاف در یاد او زنده شود و قدردان نعمت‌هایی که در اختیار اوست باشد و تلاش کند در راه رشد و تعالی خود گام بردارد؛ بنابراین این تنبه و آگاهی می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد بینش و نگرش مثبت او داشته باشد و وی را از غفلت می‌رهاند و برای رشد و تعالی آماده می‌کند.

### ۱-۵. روش دعوت به اندیشه‌ورزی

روش‌های تربیتی باید به نحوی باشد که تلاش و پویش فکری انسان را به‌درستی تنظیم کند تا هدایت وی به سمت حقیقت هستی میسر شود. قرآن در اندیشه‌ورزی، روش خود را از حس‌گرایی محض جدا کرده است و پیشنهاد می‌کند آدمی برای رسیدن به حقیقت، می‌بایست پوست طبیعت را بشکافد و از آن درگذرد و قلب و جان آن را بنگرد (اعراف: آیه ۱۸۵) (باقری، همان، ص. ۲۰۴). از این رو با شکوفایی اندیشه از طریق مواجهه حسی و نظری با جهان، نگرش والا حاصل می‌شود که راهیابی به مقصود و در نتیجه کنترل نفس به‌راحتی میسر می‌گردد. این روش، در نهاد انسان به ودیعت گذاشته شده است. به عبارتی، عقل آدمی، خود، میزانی برای تمیز صحت و سقم و خیر و شر است ولیکن می‌بایست به بروز و ظهور آن کمک کرد.

در تربیت اسلامی تکیه و تأکید بر تربیت عقلانی و جنبه عقلانی و استدلال‌ورزی است به این معنی که در پرورش فرزندان باید آن‌ها را به فکر واداشت و برای معرفت و شناخت بهتر از ابزار تفکر و استدلال در جهت اقناع آنان کمک گرفت. چرا که این روش شناخت و بینش لازم را در جهت رشد و تعالی فرد فراهم می‌کند.

در داستان یوسف آن جا که پدر او را از بازگو کردن خواب و رؤیای خویش نهی می‌کند، بلافاصله با استدلال و دلیل قانع کننده این مسئله را تحلیل و تبیین می‌کند تا جای ابهامی باقی نماند؛ قَالَ يَا بَنِي لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (یوسف/۵) و این گونه استفاده از این روش در همه شرایط و زمان‌ها و سنین لازم و ضروری می‌نماید. اندیشه‌ورزی و تفکر اگر همراه با استدلال صورت گیرد از جایگاه والایی برخوردار است و به منزله چراغی است که در تاریکی‌های بی‌انتهای جهل و نادانی به‌سوی روشنایی‌ها هدایتگر و بصیرت ساز و آگاهی‌بخش است. با بهره‌گیری از روش‌های بینش ساز در تربیت از منظر سوره یوسف می‌توان تربیت آگاهانه‌ای داشت.

### ۲. روش‌های گرایشی در تربیت از منظر سوره یوسف

لازمه انجام هر رفتاری این است که انسان آن را بشناسد و سپس، میل و رغبت برای بروز و ظهور آن داشته باشد. عاطفه شرط تحقق و فعلیت یافتن بینش و شناخت است و یکی از محرک‌های مهم و اساسی رفتار به شمار می‌آید. عاطفه جنبه انرژی دهنده‌گی دارد و همچون موتور و محرک شناخت و نهایتاً رفتار

است. در مقابل، آگاهی و شناخت هم تأثیر بسزایی در تکوین عاطفه دارند. علم و آگاهی همانند استعداد و نیرویی است که در کمون و خفا به سر می‌برد و برای شکوفایی و تحقق و فعلیت آن، نیازمند هماهنگی بین رشد شناختی و رشد عاطفی است. روش‌های تربیتی گرایشی می‌کوشد برای تغییر رفتار در مرتبه خود، زمینه‌سازی کند، انگیزه‌های درونی ایجاد کند و او را نسبت به این امر قانع سازد. گرچه ممکن است جنبه اقتناعی و انگیزشی درونی هر یک با دیگری متفاوت باشد، ولی جهت کلی در همه آن‌ها یکی است. شناخت و بینش، به منزله ماشینی است که موتور محرکه آن، گرایش به امور مطلوب است. روش‌های گرایشی در تربیت از منظر سوره یوسف شامل روش‌های محبت‌ورزی، تکریم و احترام، موعظه است.

## ۲-۱. روش محبت‌ورزی

از نیکوترین و اساسی‌ترین روش‌های تربیت، روش محبت است که بیشترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسانی دارد. محبت و علاقه جز با معرفت و ادراک قابل تصور نمی‌باشد. به هر میزان شناخت و معرفت انسان نسبت به موضوعی افزایش یابد، عواطف و گرایش‌ها که محور و هسته مرکزی برای آن موضوع است، رو به شدت و فزونی می‌رود.

به‌طور کلی، می‌توان گفت: تمایلات و رغبت‌ها پایه و اساس عاطفه را پی‌ریزی می‌کند. تکیه‌گاه عواطف، عبارت از حبّ و علاقه یا کراهت و نفرتی است که بالذات و الم پیوند دارد. طبع آدمی به عوامل لذت (محبت) گرایش دارد در مقابل، از عوامل شکنجه‌آور و دردزا متنفر است. نتایج حاصل از بررسی روش تربیتی مبتنی بر محبت در آموزه‌های اسلامی بیان می‌دارد که با هیچ چیز مانند محبت نمی‌توان آدمی را متحول ساخت و او را به سوی رشد و کمال کشاند، از این رو اگر گفته شود که هیچ روشی همانند روش تربیتی محبت‌محور در تربیت آدمی مورد تأکید اسلام نبوده است، سخنی گزاف نیست (حسن‌زاده، ۱۳۸۸).

نیازهای اولیه کودک از نظر تنوع، شدت و دوام متفاوت است و چنانچه به‌موقع، متعادل و صحیح پاسخ داده شود، سلامت روانی فرزند تأمین می‌گردد. (شرفی، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۴) بر این اساس جایگاه نیاز عاطفی فرزند نسبت به دیگر نیازهای روحی؛ روانی، مقایسه‌شدنی نیست و غفلت از این نیازها خسارات روحی؛ روانی ویژه‌ای برای فرزند می‌آفریند که اغلب جبران‌ناپذیر است. گاه کمبود محبت و گاه زیاده‌روی در ابراز محبت، کودکان را از اعتدال به در می‌برد و آنان را به سوی ناتوانی، پستی و ناهنجاری‌های رفتاری سوق می‌دهد. در داستان حضرت یوسف، وقتی برادرانش می‌گویند: یوسف را بکشید تا توجه پدر به ما معطوف گردد؛ «اقْتُلُوا یُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا یُخْلِلْ لَکُمْ وَجْهَهُ أَیُّکُمْ وَتَکُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ.» (یوسف ۹) نیاز به توجه و محبت بیشتر، در میان برادران یوسف دیده می‌شود و این همان نتیجه نامطلوب عدم ابراز صحیح محبت و بروز احساس کمبود محبت است.

گرچه حضرت یعقوب، به همه فرزندان محبت می‌کرد؛ اما به یوسف بیشتر ابراز علاقه می‌نمود (حال به‌خاطر خردسالی یا سایر کمالات و جود او) اما همین امر موجب شد برادران حسد کنند و او را در چاه بیندازند و با قضاوت یک‌جانبه خود، پدر را محکوم سازند. «إِذْ قَالُوا لَیُوسُفُ وَ أَخُوهُ أَحِبُّ

إلی أیینا مِنّا وَ نَحْنُ عَصَبَةٌ. (یوسف ۸) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص. ۳۸۳) بنابراین محبتی تأثیرگذار است که معتدل و راستین و به دور از تکلف و تصنع و با رعایت مساوات باشد. البته پرهیز از تفاوت گذاشتن بین فرزندان به معنای عدم مساوات نیست، یعنی اگر کسی متناسب با سن و سال و وضع و حال کودک و با توجه به مسائل و یا خصوصیات و یا ویژگی‌هایی که در برخی از فرزندان وجود دارد بین آن‌ها تفاوت بگذارد، کار نادرستی انجام نداده است و اتفاقاً مساوات را رعایت نموده است اما تفاوت قائل شدن در شرایط یکسان، موجب تبعیض است که آسیب‌هایی را به همراه دارد. پس ابراز محبت با رعایت مساوات زمینه رشد افراد را فراهم می‌کند.

یکی دیگر از مصادیق محبت‌ورزی به فرزند تفریح و بازی و برطرف نمودن این نیاز فطری وی است. تفریحات در تربیت و هدایت فرزندان نقش ویژه‌ای دارد (انبیایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۲). این امر در دین اسلام جایگاه مهمی دارد و برنامه‌های اسلام آدمی را به شادی‌های مثبت و سازنده دعوت می‌کند. در آیات ۱۱-۱۴ سوره یوسف، یعقوب پیامبر در برابر استدلال فرزندان نسبت به نیاز یوسف به گردش و تفریح، هیچ پاسخی نمی‌دهد و عملاً آن را می‌پذیرد. «أرسله مَعَنَا غَدًا یَرْتَعْ وَ یَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ او را با ما بفرست تا (در صحرا) بگردد و بازی کند و قطعاً ما نگهدارنده‌ایم (یوسف/۱۲)». این خود دلیل بر آن است که داشتن بازی و سرگرمی سالم برای فرزند، یک نیاز فطری و طبیعی است و نباید از آن جلوگیری کرد. هراندازه نیازی که برآورده می‌شود، اساسی‌تر باشد، محبتی که از طریق پاسخ‌گویی به آن نیاز ایجاد می‌شود، عمیق‌تر خواهد بود. (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص. ۲۴) در واقع هدف نهایی از تفریح و سرگرمی در اسلام، تقویت روح و جسم و تجدید قوا، برای تلاش و کار بیشتر و حرکت در مسیر کمال است. از این رو ابراز محبت و دقت و توجه برای رفع نیازهای عاطفی و جسمی و روحی فرزندان از جمله بازی زمینه رشد و پرورش وی را فراهم می‌کند و بدین وسیله با روش محبت‌ورزی این نیاز تأمین می‌گردد.

در این راستا به‌طور کلی می‌توان گفت نیروی محبت در تربیت، نیرویی برانگیزاننده و تحول‌آفرین است و اگر درست و به‌اعتدال به کار گرفته شود تأثیری شگرف در نزهت آدمی دارد و زمینه ساز تحقق تربیت کمالی است. نظر به اینکه انسان از نیکی و احسان تأثیر می‌پذیرد بدین وسیله با افاضه محبت و مهربانی، رفتار بد او از بین می‌رود و سبب هدایت وی به راه صحیح و بازداشتن آنها از راه خطا می‌شود. «باتکیه‌بر روش محبت‌ورزی می‌توان متربی را دلپسته خویش کرد و قدرت این دل بستگی تا آن جاست که فرد را آماده پذیرش تکالیف می‌کند.» (باقری، ۱۳۹۶) پس تأثیر روش محبت در سازمان دادن به شخصیت کودک از هر روش دیگری مؤثرتر است.

## ۲-۲. روش تکریم و احترام

تکریم و احترام به شخصیت انسان را می‌توان به‌عنوان یک وسیله و روش تربیتی معرفی کرد. غریزه حب ذات یکی از سرمایه‌های فطری و ذخایر طبیعی است که در باطن هر انسان، به صورت حکیمانه قرار داده شده است و یکی از طرق ارضای این غریزه فطری، تکریم و توجه به شخصیت انسان



است. تکریم و رعایت احترام و حسن معاشرت با مرتبی به عنوان یک حق مسلم مورد تأکید قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۱۴). قرآن توجه به نیازهای معنوی و تأمین احتیاجات روانی فرزند را به طرز ظریفی پیش‌بینی نموده است؛ بهره‌گیری از عبارات محبت‌آمیزی همچون «یا ایت» «ای پدرم» و «یا بُنَّیَّ» که معادل «ای پسرک من یا فرزند دل‌بندم» است در آیات ۴ و ۵ سوره یوسف حکایت از برخورد عاطفی پدر و فرزند در ارتباطات کلامی آن‌ها است. برخورد کریمانه و این‌گونه خطاب قرار دادن مخاطب، احساس تکریم و احترام را برای وی به ارمغان می‌آورد و نهال دوستی را در دلش غرس می‌نماید. روش احترام و تکریم یکی از اساسی‌ترین عوامل شخصیت‌ساز در فرزندان است. بدین سان، شیفتگی و دل‌بستگی نسبت به مربی را در مخاطب بر می‌انگیزاند و زمینه را برای تربیت و تأثیرگذاری در مرتبی، آماده و مساعد می‌کند.

### ۲-۳. روش تبشیر

یکی از روش‌های مؤثر در تربیت که در قرآن کریم بدان اشاره شده است، «تبشیر» است. بشارت از ریشه «بشر» به معنای خبری است که افاده سرور و شادی کند (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۸۵) و ازه‌شناسان و همچنین مفسران، منظور از «تبشیر» را آگاهی دادن یا نویددادن به رحمت و فضل الهی و پیامدهای خوشایند رفتار تعریف می‌کنند (راغب اصفهانی، ص. ۴۸. و طباطبایی، ج ۲، ص. ۱۶۲) بشارت در وجود آدمی امید می‌آفریند و با کشش این امید، او را آماده قبول تکالیف می‌گرداند (باقری، ج ۱، ص. ۱۶۹). این روش با آگاهی دادن از نتایج و ثمرات کارهای نیک و خوب به مرتبی، شوق و انگیزه کافی برای انجام عمل را در او فراهم می‌آورد و آن‌چنان سروری در وی ایجاد می‌کند که اثر و نتیجه آن در ظاهر و صورت او آشکار می‌شود. به عبارت دیگر، خبر و آگاهی باید چنان باشد و به گونه‌ای ارائه شود که علاوه بر شوق و انبساط درونی، فرح و سرور ظاهری را نیز به همراه داشته باشد.

قرآن کریم در وصف انبیای الهی می‌فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (بقره/۲۱۳) خداوند پیامبران را نویددهنده و بیم‌دهنده برانگیخت و نیز می‌فرماید: «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» (کهف/۵۶) ما انبیا را نفرستادیم، مگر درحالی که نویددهنده و بیم‌دهنده بودند. آری، انبیا و رسولان الهی که در میان حقیقی و معلمان دلسوز بشر بودند از این روش برای تربیت اخلاقی و روحی انسان‌ها استفاده کرده‌اند و به همین دلیل آنان مبشر نامیده شده‌اند. خداوند در قرآن کریم از این روش جهت تربیت بهره‌جسته است. در سوره یوسف آیه ۸۷ می‌فرماید: «يَا بَنِي إِدْرِيْسَ أَقْبِرْ بِوَالِدَيْكَ إِتَّقِ اللَّهَ ۖ لَئِنَّمَا يَمُوتَ الْوَالِدَانِ إِتَّقَاكَ لَتُنْفِكَهُمَا ۗ وَالْوَالِدَاتُ يُرْجَوْنَ الْإِسْحَاقَ ۖ إِن يَخِمْهُنَّ فَخِمْهُنَّ ۚ وَمَا يَكْفُرُ بِهِنَّ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» در این آیه داشتن امید مورد تأکید واقع شده و نوید بهره‌مندگی از رحمت الهی داده شده است. در تربیت، تبشیر روش بسیار مهمی به حساب می‌آید؛ زیرا ممکن است تکالیف تربیتی، مستلزم تحمل مشقات و سختی‌هایی باشد و این امر فی‌نفسه، رغبت و انگیزه لازم را در مرتبی فرو می‌نشاند. بنابراین، باید در صد راهی بود تا این احساس دشواری و سختی را کاهش داد و امید و عشق را به جای آن نشاناند، تبشیر چنین کارکردی دارد. بشارت در وجود آدمی، امید می‌آفریند و با کشش این امید، او را آماده قبول

زحمت می‌گرداند. در روش تبشیر؛ کوشش می‌شود امید در مخاطب زنده گردد. امید برخاسته از بشارت موجب می‌شود احساس نشاط و حق‌طلبی در فرد ایجاد گردد. تبشیر؛ دوری از نومیدی و آماده‌شدن برای انجام تکالیف را رقم می‌زند و زمینه رشد تربیتی و سازندگی فرد را به دنبال دارد.

### ۳. روش‌های کنشی در تربیت از منظر سوره یوسف

همان‌طور که بیان شد، دو عنصر اساسی کنش؛ پیش‌ها (=شناخت‌ها) و گرایش‌ها (=عواطف) هستند. هیچ کار ارادی و اختیاری بدون شناخت و میل تحقق نمی‌پذیرد. صدور منش و رفتار در انسان، جزو مسائلی است که فهم دقیق آن، می‌تواند اساس و پایه تربیت انسان قرار گرفته و مریبان‌تریتی را در شیوه رساندن انسان به قله کمال یاری رساند.

برای تربیت علاوه بر رشد آگاهی و بینش، پرورش گرایش‌ها، فضایل و اصلاح رذایل باید برای بروز کنش متناسب نیز مورد تلاش شود. از آن جایی که تربیت یعنی رفع موانع و ایجاد شرایط مناسب تا استعدادها موجودی که قابلیت رشد داشته است شکوفا شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص. ۳۳). با توجه به این واقعیت نیاز به روش‌هایی است تا بتوان به وسیله آن روش‌ها، به پرورش این استعدادها و رفع موانع پرداخت تا به اصول و اهداف تربیتی جامه عمل پوشانیده و راه سیر به سوی رشد و تعالی تربیتی را هموار نمود. از جمله روش‌های کنشی تربیت با توجه به سوره یوسف می‌توان؛ به روش‌های همانندسازی، روش تغافل، روش عفو و گذشت و روش نظارت اشاره کرد:

#### ۳-۱. روش همانندسازی

انسان به فطرت خود که عشق به کمال مطلق است، الگوطلب و الگوپذیر است و بدین سبب یکی از بهترین و کوتاه‌ترین روش‌های تربیت ارائه نمونه و تربیت عملی است. در این روش نمونه‌ای عینی و قابل تقلید و پیروی در برابر متربی قرار می‌گیرد که در صورت مقبولیت، متربی تلاش می‌کند در همه چیز، خود را همانند الگوی مطلوب سازد و گام در جای گام او نهد و بدو تشبیه نماید. این روش به دلیل عینی و محسوس بودنش و نیز به سبب میل و گرایش ذاتی انسان به الگوگیری، روشی بسیار مؤثر و سریع در تربیت و پرورش فضایل و اصلاح رذایل است؛ و هرچه نمونه ارائه شده از کمال بیشتر و جاذبه فراگیرتری بهره‌مند باشد، این روش از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود. پس بهترین الگو، نمونه‌ای تام و تمامی انسانی کامل است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص. ۳۴۳). به همین دلیل است که نقش الگوها حساس‌ترین نقش تربیتی است تا جایی که الگوهای صالح، مردم را به صلاح می‌رسانند و الگوهای فاسد مردم را به فساد می‌کشانند. قرآن کریم به عنوان یک کتاب تربیتی در بهره‌برداری از این روش بسیار غنی است؛ خداوند با بیان قصص انبیا برای مؤمنان، الگو ارائه می‌دهد به‌ویژه «در بیان زندگی یوسف آموزه‌هایش را به گونه‌ای محسوس و عینی نشان می‌دهد تا بندگان خدا از پندار زدگی در آیند و به حق باور کنند» (نجارزادگان، ۱۳۸۸، ص. ۹۹). حکایت یوسف ترسیمی از تحقق و تبلور سنت‌های پروردگار در متن زندگی پر ماجرای است که در زوایای آن برای صاحبان درک و چشمان آیت بین عبرت‌هایی زندگی ساز نهفته است. قرآن می‌فرماید:



«لقد كان في قصصهم عبرة لأولی الألباب ما كان حدیثاً یفتیری...» (یوسف/ ۱۱۱). وجه الگویی یوسف پیامبر را می‌توان با تیزی از نکات تربیتی نهفته در سراسر سوره دریافت کرده و جهت پرورش عادت‌های نیکو در خود تلاش کرد. الگویی از اخلاق معاشرت و اجتماعی، اخلاق جنسی، اخلاق حکومت‌داری و اخلاق اقتصادی که از ابتداء تا خاتمه این سوره (به طور مثال؛ آیات ۵، ۲۳، ۳۲، ۳۷، ۴۱، ۴۹، ۵۸، ۴، ۸، ۵۱، ۸۳، ۱۰، ۱۱۱) به طور چشم‌گیری انعکاس دارد، باید مورد توجه قرار گیرد و باید دانست که غرض عالی این سوره استخراج مسئله و لایتمداری، پاکدامنی، تسلط بر نفس و اعتماد به عزت و قدرت الهی است. در حقیقت ریشه همه فضایل و ثبات در خوبی‌ها، در خداابوری یوسف نهفته است به دلیل همین درک توحید است که در بحرانی‌ترین لحظات زندگی خود، پروردگارش را یافته، با پناه به او از ردیلت و فحشا می‌رهد و در پرشکوه‌ترین لحظات زندگی نیز با تمام وجود اذعان می‌کند همه امتیازاتش از خداست و هر چه دارد، از آن اوست، از این رو همواره خود را نیازمند الطاف او در دنیا و آخرت می‌بیند. آن جا که یوسف به مهر پدر و طراوت جوانی و زیبایی‌اش، آتش حسادت برادرانش را برافروخت و زنان را به دشمنی با او برانگیخت، آزموده شد. او در هر دو آزمون به اوامر خداوند پایبندی ورزید و با پایداری و فداکاری در راه، این آزمون‌ها را بر خود هموار داشت (عرسان کیلانی، ۱۳۰۴ ق، ص. ۱۵۸). او عالی‌ترین درس‌های عفت و خویشتن‌داری و تقوا، ایمان و تسلط بر نفس را منعکس ساخته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص. ۳۵۰). فلسفه تکرار و تقلید در همانندسازی و الگویی این است که شناخت نهفته و عواطف خفته از حالت قوه و انفعال درآمده و فعال گردند و گرایش به شکل و شمایل اولیای الهی ایجاد شود تا تجربه‌ای خوشایند از حیات میسر گردد و در انتها کنش به اصلاح و ایجاد رفتار متعالی حاصل شود.

### ۳-۲. روش تغافل

تغافل، عبارت از این است که آدمی چیزی را بداند و از آن آگاه باشد ولی با اراده و عمد خود را غافل نشان بدهد و طوری وانمود کند که از آن بی‌اطلاع است. این عمل اگر به‌جا و در مورد صحیح انجام پذیرد، از نظر اخلاقی بسیار پسندیده و ممدوح است و در پاره‌ای از موارد می‌تواند ثمرات مهمی به بار آورد (فائزی، بی تا، ص. ۷۸). در این روش توجه معطوف به ضعف‌های متربی است. با توجه به این که بروز ضعف باعث شکستن عزت‌نفس در انسان می‌شود، اخفای آن روشی است برای حفظ آن؛ بنابراین مریب اگر از ضعف‌ها و تقصیرهای متربی آگاه شد و به آن یقین پیدا کرد، باید آن را نادیده گرفته و چشم‌پوشی کند، در این هنگام عزت متربی با تغافل حفظ می‌شود و این تغافل هم در مواردی است که فرد خطایش را پنهان داشته و هم مواردی که خطای او ظاهر گشته و او سعی دارد با توجیه خویش بر آن سرپوش گذارد. در این صورت اگر مریب یقین بر خطای او ندارد، باید کار او را حمل بر راستی و درستی کند و آن را به وجهی درست، تأویل کند. در عبارتی از داستان یوسف که علاقه یعقوب به یوسف و حسادت برادران را بیان می‌کند؛ «أَقْتَلُوا یُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضاً یَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أْبْنِکُمْ وَ تَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ، قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا یُوسُفَ وَ الْقُوَّةُ فِی غِیَابَتِ الْجُبِّ یَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّیَّارَةِ إِنْ کُنْتُمْ فَاعِلِینَ» (یوسف/ ۹-۱۰). ضمن مذاکراتی که در بین برادران رد

و بدل شد و به طرد یوسف تصمیم گرفتند، آن جا که برادران از پدر خواستند که اجازه دهد یوسف را به همراه خود به صحرا ببرند تا نقشه شوم خود را عملی کنند، پدر از دشمنی آنان آگاه بود اما وقتی با اصرار برادران مواجه شد که گفتند «قالوا یا أبانا مالک لا تأمنا علی یوسف و إنا له لناصِحون؛ ای پدر چرا تو درباره یوسف از ما ایمن و اطمینان خاطر نداری؟ با آن که ما برادران همه خیر خواه یوسف هستیم» (یوسف/۱۱). یعقوب از دانسته‌های خویش تغافل نمود و طوری حرف زد که گویی نگرانی اش ناشی از عامل دیگری است؛ «قال إنی لیحزنی أن تذهبوا به و أخاف أن یأکلَهُ الذئب و أنتم عنه غافلون.» (یوسف/۱۳)؛ یعقوب گفت: عدم موافقت من با بردن یوسف دو جهت دارد: اول انس و علاقمندی من به او و دوم آن که می‌ترسم که شما به کارهای خود مشغول شوید و گرگ او را طعمه خود سازد.

هر چند این تغافل نتوانست شر برادران را از یوسف بگرداند و از آسیب مصونش دارد. حضرت یعقوب با این که از احوال و نیت فرزندان خود نسبت به یوسف آگاه بود؛ اما باز به آن‌ها محبت می‌کرد و نسبت به دروغ آن‌ها اعتنایی نکرد و فرمود: «بلکه نفس شما امری را بر شما تسویل کرده» (یوسف/۱۸). یعنی قضیه این طور که شما می‌گویید نیست؛ بلکه نفس شما در این موضوع شما را به وسوسه انداخته و مطلب را مبهم کرده است، آن‌گاه اضافه می‌کند که من خویشتن دارم؛ یعنی شما را مؤاخذه ننموده و در مقام انتقام بر نمی‌آیم؛ بلکه خشم خود را به تمام معنا فرو می‌برم (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ص. ۱۴۰).

چنین رفتاری در ارتباط یوسف با برادرانش نیز دیده می‌شود زمانی که برادران را شناخت و با غمض عین و تغافل شرایط را مدیریت نمود تا به هدف عالی که تنبه برادران باشد سوق داده شود و وقتی «برادران یوسف آمدند و پر او وارد شدند [او] آنیان را شناخت؛ ولی آنان او را نشناختند.» (یوسف: ۵۸) «قال لا تریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو أرحم الراحمین» یوسف گفت امروز بر شما سرزنشی نیست خدا شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است (یوسف/۹۲). نادیده گرفتن آگاهانه و ارادی ضعف‌ها و کاستی‌ها و حتی خطاهای متربی، وی را برای پذیرش خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها آماده می‌کند. با توجه به این روش تربیتی؛ کنش فعالانه فراهم کردن زمینه‌های پرورش عادات تربیتی مناسب و فضایل در متربی ایجاد می‌گردد و رفتار تربیت شونده را مورد کنترل قرار می‌دهد و وی را برای اصلاح رذایل آماده می‌کند.

### ۳-۳. روش عفو و گذشت

در تعریف عفو آمده: «العفو هو التجاوز عن الذنوب و محوها من العبد.» (طریحی، ج ۱: ۱۴۰۳ ق، ص ۳۰۰) عفو در متون اسلامی عبارت است از فرانگری به بافت رنجش، ملاحظه محدودیت‌های فردی و نوعی انسان‌ها و با توجه به آن‌ها رفتار خاطی را معنا دادن و تفسیر نمودن، و خود را فردی از نوع انسان ممکن الخطا دیدن، و احساس همدردی با خاطی و گذشت از اشتباه او که با انگیزه آرامش روانی، بهبود روابط با خاطی و رشد و پرورش او، یا جلب رضایت خداوند صورت می‌گیرد. عفو، گذر از مرحله انزجار و رنجیدگی به مرحله احساسات مثبت فرد جفا دیده، نسبت به فرد خطا کار است (غباری بناب، ۱۳۷۹، ص. ۲۸۹). البته مربی در عمل باید توجه نماید که با عفو، ندامت و پشیمانی را در متربی سبب می‌شود و پس از عفو هیچ متنی بر

او نگذارد تا موجب زایل شدن عزت نفس او گردد و کینه مری را به دل بگیرد؛ زیرا در این صورت، باعث گمراهی و تکرار خطاهای او می‌شود. در سوره یوسف آن‌جا که فرزندان یعقوب پیش پدر رفتند و گفتند: «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ؛ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» (یوسف/۹۷-۹۸). عفو و گذشتی که برادران یوسف از پدر طلب کردند نشانه ندامت و پشیمانی آن‌ها بود و پذیرش آن از سوی پدر و برادر پوششی بر خطای آن‌ها بود و آن‌ها را برای رشد بیشتر آماده نمود. فرد برای کشف نیازها، استعدادها و توانایی‌هایش ناگزیر از آزمون و خطاست، لذا خطا و اشتباه او نیز امری اجتناب‌ناپذیر است و باید با دادن فرصت‌های دوباره زمینه شکوفایی و پیشرفت را فراهم ساخت؛ بنابراین می‌توان گفت روش گذشت و چشم‌پوشی از خطا به‌عنوان یک روش تربیتی برای دیگر سازی مهربان به کار گرفته شده است گرچه به‌عنوان یک اصل اخلاقی نیز می‌تواند تأثیرات خوبی در مری و عفو کننده داشته باشد. از سوی دیگر روش عفو در سوره یوسف برای همه مهربان یک الگوی عملی در تربیت است و فرد این آمادگی را می‌یابد تا فضایل را در خود پرورش دهد و رذایل را اصلاح و از دل بزداید.

### ۳-۴. روش نظارت

تربیت به‌وسیله نظارت و مراقبت از رفتار در تربیت افراد بسیار مؤثر است و نقش اساسی در اصلاح رفتار فرد دارد. از آن‌جا که نوع بشر نیازمند مراقبت و نظارت است، انسان باید احساس کند که ناظران و مراقبانی از بیرون بر اعمال و رفتار و عملکرد او نظارت دارند و نسبت به کارهای گذشته باید مورد بازپرسی قرار گیرد. از این‌رو روش مراقبت در تربیت فرد اهمیت بسزایی دارد. اسلام شخصیت آینده کودک را مهربون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر می‌داند. انسان مسیر طولانی تکامل را از کودکی تا بزرگسالی می‌پیماید و هر لحظه ممکن است با خطرهایی روبه‌رو شود و مسیر زندگی او را تغییر دهد. به همین دلیل نظارت و مراقبت مستمر و نامحسوس و به شکل درست می‌تواند او را از پرتگاه‌های زندگی حفظ کند. اعمال نظارت درست بر فرزندان، حقی است که فرزندان بر والدین دارند. نظارت و مراقبت شامل همه انواع آن‌چه فیزیکی و غیرفیزیکی مثل مراقبت بهداشتی، عاطفی و... است. نظارت نباید فقط یک نظارت منفعل و ناظر به تعیین قواعد و قوانین خشک و انتظاراتی والدین از فرزندان باشد؛ بلکه باید نظارت فعال همراه با توافق طرفین و ایجاد یک رابطه دوستانه و اعتمادآمیز و به شکل غیرمستقیم صورت پذیرد. این نوع نظارت در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد و در سوره یوسف آیه ۱۲ به آن اشاره شده است: «أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ و در واقع برادران یوسف مراقبان خوبی برای وی نبودند». پس این روش باید به شکل صحیح و منطقی انجام شود تا تأثیر خود را داشته باشد. روش نظارت فعال، اعتماد آفرین است و نقش خطیری در اصلاح رفتار فرد دارد. باید تلاش کرد با برقرار کردن ارتباط صمیمانه که حاکی از دلسوزی و همدلی است به این کار پرداخت در غیر این صورت اثر معکوس دارد و آسیب جدی در تربیت فرزند می‌گذارد. بنابراین یکی دیگر از روش‌هایی که در ایجاد و پرورش عادت‌های مطلوب تربیتی تأثیر به‌سزایی دارد نظارت و مراقبت است.

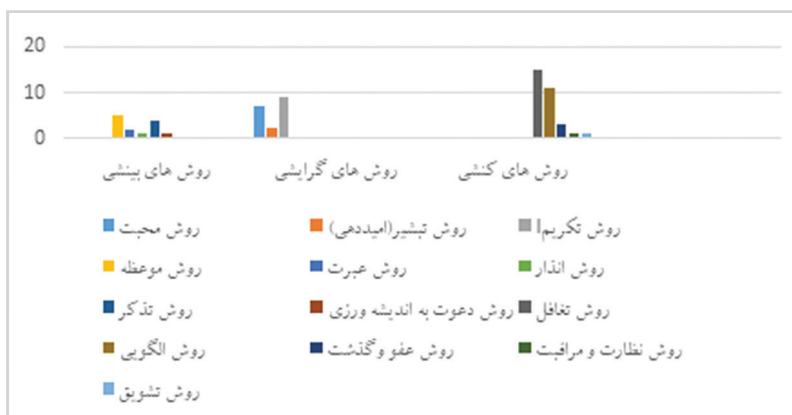


### ۳-۵. روش تشویق

یکی از روش‌های تربیتی که در پرورش متربی می‌تواند مؤثر واقع شود روش تشویق و پاداش دهی است. از نظر لغوی کلمه تشویق از واژه شوق و علاقه گرفته شده و به باب تفعیل (تشویق) شده است و از نظر اصطلاحی تشویق، بر ایجاد رغبت و علاقه به انجام یک کار در فراگیران گفته می‌شود. در این روش پاداش، عکس‌العملی است که مربی به دنبال رفتار مطلوب متربی از خود نشان می‌دهد و انگیزه لازم برای تکرار رفتار در موقعیت‌های بعدی را فراهم می‌کند. نقش تشویق در یادگیری به مراتب مهم‌تر و مؤثرتر از نقش تنبیه است و عامل و محرکی اساسی برای رشد و پیشرفت کودک به حساب می‌آید.

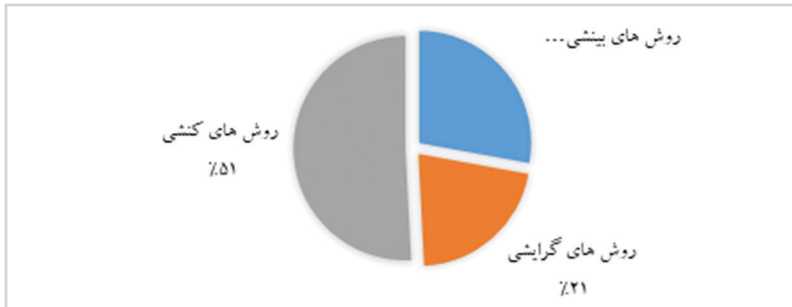
در آیه ۲۲ سوره یوسف به این روش تربیتی اشاره شده است آن‌جا که عطا کردن حکمت و دانش که نوعی پاداش به فرد رشید و دانا است بیان می‌گردد: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» و چون به حد رشد رسید او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم». تشویق و پاداش جزء لاینفک تربیت و رشد است و فرد را از درجات پایین به درجات اولی سوق می‌دهد و هرچه این رشد بیشتر اتفاق بیفتد تشویق‌های درونی وی را به سمت هدف نزدیک می‌کند و پرورش وی را تسهیل می‌کند.

لازم به ذکر است تبشیر و تشویق علی‌رغم آنکه در ظاهر باهم مشتبه می‌شوند، اما در واقع متفاوت‌اند؛ تبشیر پیش از عمل یا همراه عمل و تشویق پس از عمل ظهور می‌کند. از این رو تبشیر ناظر به آینده و تشویق متوجه گذشته است. در مقایسه تشویق تأثیر سریع‌تری نسبت به تبشیر دارد؛ اما از سوی دیگر کسی که پذیرش تبشیر را دارد از بختگی ویژه‌ای برخوردار است (باقری، ج ۱، ص. ۱۷۰). به علاوه هدف از تبشیر ایجاد یک رفتار است، ولی تشویق بیشتر با هدف تکرار و تثبیت یک عمل صورت می‌گیرد.



توزیع فراوانی روش‌های تربیتی در سوره یوسف

این جدول توزیع فراوانی روش‌های تربیتی را در کل آیات در سوره یوسف نشان می‌دهد. در این میان روش‌های تغافل و الگویی از نوع روش‌های تربیتی کنشی بیشترین فراوانی را دارد.



### تحلیل محتوای روش‌های تربیتی در سوره یوسف

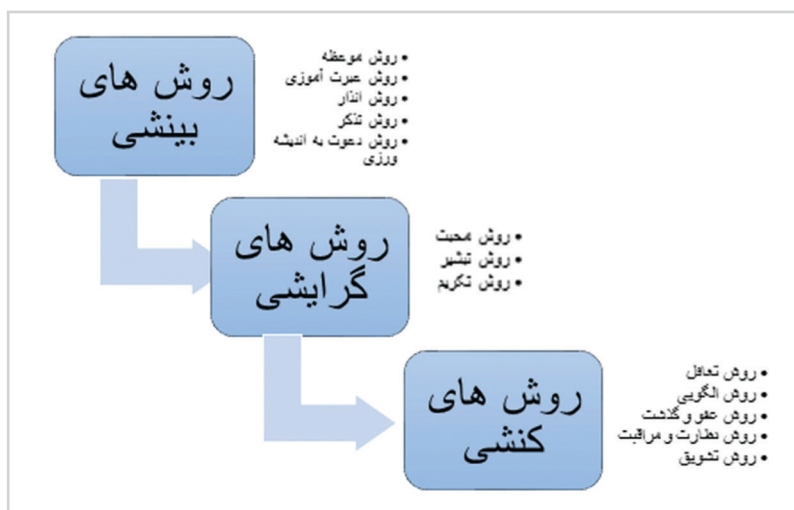
همان‌طور که نمودار سنجش فراوانی روش‌های تربیتی نشان می‌دهد؛ روش‌های تربیتی کنشی از بیشترین میزان برخوردار است. به طوری که میزان تقریبی آن دو برابر روش‌های تربیتی بینشی و روش‌های تربیتی گرایشی است.

### نتیجه‌گیری

اسلام بر تربیت به‌ویژه در دوران کودکی تأکید فراوان داشته، آن را از جمله وظایف والدین و در شمار حقوق فرزندان می‌داند. تربیت برای رشد و تکامل و تعالی بُعد جسمانی و عقلائی، روحانی، پرورش شخصیت خود، امری لازم و ضروری است. قرآن خود کتابی تربیتی است، در سوره‌های مختلف به‌ویژه در سوره یوسف انعکاس اخلاق معاشرت و اجتماعی، اخلاق جنسی، اخلاق حکومت‌داری و اخلاق اقتصادی به‌طور چشمگیری دیده می‌شود. روش‌های تربیتی در قالب آموزه‌ها به‌گونه‌ای محسوس و عینی نشان داده شده است. مضمون آیات این سوره نشان می‌دهد؛ روش‌های تربیتی در سه دسته روش‌های تربیتی بینشی، گرایشی و کنشی قرار دارد.

با روش تحلیل محتوای مضمونی که از جمله روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای، استنباطی و معتبر است نشان می‌دهد که روش‌های کنشی در تربیت در سوره یوسف بیشترین اثر را در بین روش‌های تربیتی دیگر داشته است. این امر نشان‌دهنده این است که روش‌هایی که در جهت پرورش یک رفتار تازه و تثبیت رفتار کاربرد دارند گام بزرگی در اصلاح و رشد تربیتی متربی دارد. نتایج حاصل از تحلیل محتوای جداول فراوانی بیانگر آن است که مهم‌ترین روش‌های تربیت کنشی با محوریت سوره یوسف؛ روش تغافل و روش الگویی است. این دو روش مقدم بر روش‌های دیگر است. نادیده گرفتن آگاهانه نسبت به لغزش‌های متربی، وسیله‌ای است که می‌تواند مربی را در رسیدن به اهداف تربیتی و فراهم کردن زمینه‌های پرورش

عادات تربیتی مناسب و فضایل در متری یاری رساند. نقش الگوها نیز در شکل‌گیری رفتار و منش انسان‌ها و تثبیت شخصیت اخلاقی و اجتماعی آنان فوق‌العاده چشمگیر است.



البته روش‌های دیگر نیز از جمله روش محبت و روش تکریم برای زمینه‌سازی و نیل به رشد تربیتی اثرگذار هستند. تأثیر روش محبت از طریق سازمان‌دادن به شخصیت کودک و تکریم و احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با وی نیز یکی دیگر از اساسی‌ترین عوامل مؤثر در تربیت است. به تبع روش موعظه و تذکر نیز به‌منظور اصلاح و واداشتن او به خوبی‌ها و یا بازداشتن وی از بدی‌ها صورت می‌پذیرد. در پایان می‌توان گفت روش‌های بینشی مقدمه روش‌های گرایشی و روش‌های کنشی هستند و چنانچه با بینش زمینه‌سازی تربیتی به خوبی انجام نشود، انتظار گرایش و کنش به سمت عادات تربیتی و فضایل وجود ندارد و پرورش و تثبیت شخصیت آدمی غیرممکن می‌نماید؛ لذا لازم است که در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان تربیتی به این نکته توجه شود تا دستاوردهای مثبتی را به بار بنشانند.

## منابع

- قرآن، ترجمه حسین انصاریان.  
اسحاقی، حسن (۱۳۸۵ ش). سلوک علوی، قم: بوستان کتاب.  
ایمان، محمد تقی و محمود رضا نوشادی (۱۳۹۰ ش). «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال سوم، ش ۲، زمستان.  
اجیه، محمد تقی (۱۳۹۲ ش). سبک زندگی بر پایه بندگی، اصفهان: حدیث راه عشق.  
باقری، خسرو (۱۳۹۶ ش). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.

حسن زاده، فریبا (۱۳۸۸ ش). پایان نامه پژوهشی پیرامون روش تربیتی محبت در تعلیم و تربیت اسلامی، کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

حسین خانی نایینی، هادی (۱۳۸۷ ش). «روش های تربیتی یادآوری نعمت ها، معرفت»، ش ۱۳۰. حسینی زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، محقق؛ علی شیری، بیروت: دارالفکر. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷ ش). سیری در تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ ش). مشرب مهر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲ ش). روش های تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا. زکریایی، محمدعلی (۱۳۹۰ ش). فرهنگ مطهر، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ. شرفی، محمدرضا (۱۳۹۶ ش). مهارت های زندگی در سیره رضوی، مشهد: آستان قدس رضوی. شاملی، عباس (۱۳۷۹ ش). پیش نیازهای بهداشت روانی در سوره مبارکه یوسف (رویکردهای تربیتی و روان شناسی). معرفت، ش ۳۸.

طریحی، فخرالدین (۱۴۰۳ق). مجمع البحرین، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. طبرسی، محمدبن حسن (بی تا). التبیان، بیروت؛ دارالاحیاء التراث العربی. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. عرسان گیلانی، ماجد (۱۳۰۴ ش). درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی، ترجمه: بهروز رفیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. عباسی ولدی، محسن (۱۳۹۴ ش). من دیگرما، قم: انتشارات آیین فطرت. غباری بناب، باقر (۱۳۷۹ ش). رفتار بخشایشگرانه در نهج البلاغه. کتاب چهارم، تهران: تربیت اسلامی. فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۷۹ ش). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران: اسرار دانش. فائزی، علی (بی تا). جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، تهران: قلم. فلاح، محمدجواد، رضایی، زینب (۱۳۹۲ ش). «روش الگویی ارتباط اخلاقی متقابل والدین و فرزندان با محوریت سوره یوسف». اخلاق، ش ۳۴.

قرائتی، محسن (۱۳۸۷ ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱ ش). روش های تربیتی در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. مصباح، محمدتقی (۱۳۹۱ ش). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه. نجارزدگان، فتح الله (۱۳۸۸ ش). رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم: نشر معارف. نوریان، محمد (۱۳۸۹ ش). تحلیل برنامه درسی دوره ابتدایی ایران، تهران: گویش نو. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.

Anbiaei, Mohammad Javad (2009). The Role of Recreation in Educating Youth and Adolescents from the Perspective of Quran and Traditions, Qom: Publications of the Holy Quran University

Ishaqi, Hassan (2006). Alavi Behavior. Qom: Book Garden

## بررسی تحلیلی حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم

مصطفی کریمی پور:<sup>۱</sup> دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران  
عادل ساریخانی: استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۸۵ - ۹۶  
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

### چکیده

یکی از مباحث عدالت بین‌نسلی، حقوق نسل‌های آینده است که به موجب آن مواهب الهی که از نسل قبل به نسل فعلی به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل گردد و هر نسلی حق استفاده از مواهب الهی را دارد؛ بدین معنا که طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است و هیچ دلیلی مبنی بر تعلق مواهب الهی بر نسل فعلی و برتری آنان به نسل‌های آینده وجود ندارد. آیات قرآن کریم مشتمل بر آموزه‌های مهمی در این زمینه است و خطابات عام قرآنی مبنی بر این است که آنچه در آسمان و زمین است، متعلق به همه انسان‌ها در هر نسلی است. به دلیل اینکه آیات الهی به صورت قضایای حقیقی بیان شده، علاوه بر نسل کنونی (موجودین)، شامل نسل آینده (معدومین) نیز می‌شود و بر ضرورت حفاظت از حقوق نسل‌های آینده و مواهب الهی تأکید دارد. قرآن در کنار توجه به بعد معنوی، بشریت را به رعایت حقوق نسل‌های آینده تشویق نموده و اصول و ضوابطی را برای حفاظت از این امر مقرر نموده است. این نوشتار در پی آن است با روش توصیفی و تحلیلی به حقوق نسل‌های آینده در قرآن کریم بپردازد.

**کلید واژه‌ها:** حقوق، نسل فعلی، نسل آینده، مواهب الهی، قرآن کریم.

## مقدمه

با نگاهی به متون دینی و آیات قرآنی، چنین دست می‌آید که نسل‌های آینده دارای حقوقی هستند که دین مبین اسلام به آن سفارش نموده است و آیات قابل توجهی، جهت رعایت حقوق نسل‌های آینده وجود دارد و با ارزش قائل شدن برای طبیعت، موجودات و کائنات، انسان را موظف می‌کند در کنار وظایف عبادی و اجتماعی خویش، توجه خاصی به رعایت و حفظ حقوق نسل‌های آینده داشته باشد و قرآن کریم، کتاب جامعی هست که هر اموری را که بشر بدان نیاز دارد، بیان نموده است. خداوند متعال در جامعیت قرآن کریم می‌فرماید: «مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ یعنی ما در این کتاب از بیان هیچ چیزی فروگذاری نکردیم.» (انعام/۳۸۷) و در سوره نحل، آیه ۸۹ خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن است.» (نحل/۸۹).

یکی از مسائلی که در عصر حاضر مردم بدان نیاز دارند و دنبال پاسخ آن هستند؛ رعایت حقوق نسل‌های آینده است که آیا قرآن کریم بدان پرداخته است یا خیر؟ عقیده بر این است که همان‌گونه که نزول قرآن برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست، نعمت‌های خداوند نیز برای همه نسل است و اختصاص به افراد و گروه خاصی ندارد. برخی حق‌ها را بدون توجه به جهان‌بینی الهی نمی‌توان تفسیر و تبیین کرد، برای مثال، اینکه آیندگان نیز حقی دارند و ما در برابر نسل‌های آینده مسئول هستیم، جز با نگرش الهی تفسیرپذیر نیست. نسل آینده‌ای که هنوز به دنیا نیامده چه حقی بر گردن انسان‌های عصر حاضر دارد و ما چرا باید در برابر آنها احساس مسئولیت بکنیم؟ این مسئله فقط با توجه به اعتقاد به خدا و هدف‌داری قابل‌پذیرش هست؛ یعنی دستگاه خلقت بر اساس غایت‌داری موجودات، همه افراد را به یکدیگر مرتبط ساخته و این خداوند است که حق‌هایی را بر عهده افراد نهاده و در مقابل هر حق، تکلیفی را مشخص کرده است. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۴۰). مسئولیت نسل‌های آینده و این حرف‌ها همه بر این اساس است که دنیا نظام حکیمانه‌ای دارد و این خلقت، به سوی هدف‌هایی پیش می‌رود به این ترتیب که چون دنیا به سوی هدف‌هایی پیش می‌رود، حق را خود خلقت به وجود آورده است، آن وقت ما در مقابل خلقت مسئولیت داریم (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۴۰).

درباره پیشینه این موضوع باید گفت؛ تحقیقی که به صورت مستقل به حقوق نسل‌های آینده در قرآن کریم پردازد، وجود ندارد. اغلب پژوهش‌های انجام شده به بررسی حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی و محیط‌زیست پرداخته‌اند، لکن در این میان مقاله‌ای تحت عنوان «نسبت دین و محیط‌زیست» توسط عزیزاللهی فهمی و علی مشهدی نگارش شده که به اهمیت محیط‌زیست و حفظ آن از دیدگاه اسلام پرداخته است و مقاله دیگری تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی عدالت به عنوان مبنای حقوق نسل‌های آینده» توسط مهدی فیروزی به قلم تحریر درآمده که در این پژوهش حقوق نسل‌های آینده از بُعد عدالت تکوینی و تشریحی بررسی گردیده است. مقاله دیگری تحت عنوان «شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» توسط سید عباس پورهایمی، فرهاد دبیری و بلدا خلعتیری کتابت شده که به حقوق محیط‌زیست در اسناد الزام‌آور و غیرالزام‌آور پرداخته است و پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «حقوق نسل‌های آینده از منابع حیاتی از منظر فقه و حقوق اسلام» در دانشگاه تهران توسط سید محمود هل‌اتایی به نگارش درآمده که به موضوعاتی مانند نظریه خطایات قانونی، وقف، وصیت و ارث پرداخته است. با توجه به اهمیت موضوع و نپرداختن به آن، برخی‌ها معتقدند؛ فقط اسناد بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده پرداخته و در دین اسلام به این امر اشاره‌ای نشده است که در این پژوهش جایگاه حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱. تحلیل مفاهیم

اصطلاح «نسل‌های آینده» و «حقوق نسل‌های آینده» مفاهیم اصلی و محوری این نوشته هستند که تبیین و تحلیل این مفاهیم، می‌تواند به برداشت‌های صحیح از ابعاد مختلف موضوع کمک شایانی نماید؛ بنابراین در این گفتار به بیان این واژگان می‌پردازیم.

### ۱-۱. بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم نسل

لغت «نسل» واژه عربی و مصدر است، در معنی اسم مفعول بکار رفته است (عکبری، ۱۳۱۹ق، ص. ۵۳). به معنای انفصال و جدا شدن از چیزی نیز آمده است و در آیه ۵۱ سوره یس به همین معنا ذکر شده است «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» و نسل به فرزند و اولاد از آن جهت که از والدین خود جدا می‌شود، نیز اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۰). در آیاتی از قرآن کریم نیز واژه نسل به معنای فرزند و ذریه بیان شده است (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص. ۱۸۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص. ۳۴۷). مانند «وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» هنگامی که ولایت و سلطه پیدا کنند با تمام قدرت در گسترش فساد در زمین می‌کوشند و مال و جان مردم را از بین می‌برند در حالی که خدا فساد را دوست ندارد» (بقره/۲۰۵). مراغی و فخر رازی در تفاسیر خود بیان نموده‌اند که احتمالاً مراد از نسل، فرزندان هستند (مراغی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص. ۵۶۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص. ۳۴۷). همچنین در روایات منقول



از ائمه اطهار علیهم السلام که در تفسیر آیه ۲۰۵ سوره بقره وارد شده است نیز به معنای فرزند و ذریه بیان شده است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «فَقَالَ النَّسْلُ الْوَلَدُ، وَالْحَرْثُ الْأَرْضُ، وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَرْثُ الذَّرِيَّةُ؛ مَنْظُورٌ مِنْ نَسْلِ وَوَلَدٍ وَحَرْثٌ، زَمِينٌ اسْتِ وَ فِي جَايِي دِيْغَرِ فَرْمُودِهْ اَنْدِ، حَرْثُ هِمَانِ فَرَزَنْدَانِ اسْتِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص. ۱۸۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۱۰۰) امام کاظم (ع) فرموده‌اند: «النَّسْلُ هُمُ الذَّرِيَّةُ وَالْحَرْثُ الزَّرْعُ؛ مَنْظُورٌ مِنْ نَسْلِ، فَرَزَنْدَانِ وَ مَنْظُورٌ مِنْ حَرْثِ، كَشْتِ وَ زَرْعِ اسْتِ» (همان). و نیز از امام صادق (ع) نقل شده «أَنَّ الْحَرْثَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ: الدِّينُ، وَالنَّسْلُ: النَّاسُ؛ مَنْظُورٌ مِنْ حَرْثِ فِي أَيِّنْجَا: دِينِ، نَسْلِ وَ مَرْدَمِ هَسْتَنْدِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص. ۱۸۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص. ۱۰۰).

اصطلاح «نسل» زمانی که با شجره‌نامه خاصی مرتبط باشد، معنای روشنی دارد، اما هنگامی که چشم‌انداز انتزاعی آن فراتر از چارچوب خانواده قرار گیرد؛ دارای معنای مبهمی خواهد بود. یک روش مجزا برای انتزاعی کردن این اصطلاح، این است که گروه مردم برحسب دسته‌های مرتبط با آمار و جمعیت‌شناسی، نسل حاضر هستند که دیگران به‌راحتی نسل‌های آینده، به‌عنوان کسانی که بعد از آخرین فرد نسل حاضر که در گذشته است، تولد یابند تعریف می‌شوند. به‌تعبیر دیگر، اصطلاح نسل‌های آینده به تمام افراد متولد نشده آینده با یک محدوده جغرافیایی خاص اشاره می‌شود (ساعد و کیل، ۱۳۹۰، ص. ۴۸).

ابهامی که در این بحث وجود دارد این است که دوره حیات با پیشرفت تکنولوژی و طبیعتاً با افزایش طول عمر متغیر است و به‌طور دقیق قابل تخمین و تعیین نیست، از آن‌جا که حتی امروزه طول عمر با تفاوت‌هایی که از نظر دستیابی به علوم جدید و تکنولوژی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد متفاوت است و طبیعتاً آیندگان نیز با پیشرفت‌هایی که حاصل خواهند نمود دوره زندگی طولانی‌تری خواهند داشت. بنابراین با روشن نبودن دوره حیات، مفهوم نسل آینده نیز با تردید روبه‌رو خواهد شد. اصولاً مرز بین نسل حاضر و آینده کجاست؟ آیا همه انسان‌های زنده در هر لحظه را می‌توان نسل حاضر دانست؟ در رفع این ابهام باید گفت که به نظر می‌رسد طول حیات و موجودیت نسل‌ها مهم نیست، بلکه باید نسل را مجموعه‌ای از افراد بدانیم که به‌طور مستمر شکل‌دهنده آن هستند و بنابراین تفاوتی میان افراد یک نسل نیست. آنچه حائز اهمیت است وجود پایدار و مستمر انسان بر روی کره زمین است که از مجموع آن بشریت به وجود می‌آید، و می‌توان آن را به رودخانه بزرگی تشبیه نمود که همواره جریان دارد و از ترکیب جریان‌های آبی بزرگ‌تر می‌شود، به طوری که نمی‌توان بین اجزای تشکیل‌دهنده آن تفاوتی گذاشت؛ لذا هر چند ابهام در مفهوم نسل‌های آینده است ولی بشریت همچنان به‌عنوان یک نسل دارنده‌ی حق، شناسایی شده است (امامی‌مبین، ۱۳۹۵، ص. ۲۸).

## ۱-۲. بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم حقوق

«حقوق» واژه عربی و جمع حق است و در لغت به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت، وجود



ثابتی که انکار آن روا نباشد (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۴۵؛ فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۴۵). وجود مطلق و غیر مقیدی که به هیچ قیدی تقیید نشده باشد، یعنی ذات اقدس باری تعالی (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۶۸۳) و به معنای موافقت و مطابقت، آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۰۵). بسیاری از لغت‌شناسان بر واژه «ثبات» به عنوان اصلی‌ترین معنای «حق» تأکید نموده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۴۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۵).

در کتاب‌های فقهی تعاریف متعددی برای واژه «حق» از سوی فقها بیان شده است؛ مرحوم شیخ انصاری (ره) در کتاب مکاسب آن را «نحوه‌ای توانایی و سلطه می‌شناسد» (انصاری، ۱۳۷۵، ص ۲۱۴). برخی نیز آن را به مرتبه ضعیفی از ملک تعبیر کرده‌اند (یزدی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۳۶۸). برخی معتقدند: «حق در حقوق اسلامی، توانایی خاصی است که برای کسی نسبت به چیزی اعتبار شده است و به مقتضای آن توانایی می‌تواند در آن چیز تصرف نموده و بهره‌ای ببرد». (گرجی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۱). همچنین آیت‌الله‌العظمی خمینی (ره) در تعریف حق، معتقد است: «یک ماهیت اعتباری است که در پاره‌ای موارد عقلانی و در پاره‌ای موارد شرعی است، مثل اعتباری بودن ملکیت و سلطنت مانند سلطه بر مال و نفس و ولایت و حکومت» (خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۹).

در مقابل برخی معتقدند: اینکه معنای فقهی حق را، نوع یا مرتبه‌ای از ملکیت به حساب آوریم، ناصواب است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۷۵). چون اولاً در حق، صاحب آن می‌تواند افزون بر توانایی انجام و ترک آن، حق را از خود ساقط کند به همین جهت گفته شده: «الکَلِّ ذِي حَقِّ انْ يُسْقَطُ حَقَّهُ»، ثانیاً متعلق حق همیشه عملی از اعمال است در حالی که متعلق ملک افزون بر عمل، شیء هم می‌تواند باشد. ثالثاً ملک سلطنت قویه را گویند و حق، سلطنتی ضعیف است؛ یعنی مالک مجاز به تصرف مشروع در ملک خود است اما صاحب حق جز برخی از تصرفات را که برای او معین شده، نمی‌تواند انجام دهد؛ پس در فقه زمانی از حق سخن گفته می‌شود، نوعی از سلطه و سلطنت در آن نهفته است: «الْحَقُّ سُلْطَنَةٌ فَعْلِيَّةٌ لَا يُعْقَلُ طَرَفِيهَا بَشَخْصٍ وَاحِدٍ»؛ حق سلطنت فعلیه‌ای است با فرض یک طرف قابل تصور نیست، بلکه باید قائم به طرفین باشد یک طرف صاحب حق که از آن سود می‌برد و طرف دیگر آن که حق بر علیه آن است و ادای آن را عهده‌دار است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۷۵). «لَا يَجْرِي لِاحِدٍ الْاَجْرِي عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ الْاَجْرِي لَهُ» (سیدرضی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۱).

با توجه به آنچه بیان شد؛ در پژوهش حاضر، ادعا این است که: «حقوق نسل‌های آینده، حقوقی است که به موجب آن منافع یک نسل اعم از طبیعی و غیر آن که از نسل قبل به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل می‌شود که به موجب آن صیانت از این حقوق، به‌عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود که مستلزم اجتناب از فعالیت‌های زیان‌آور و غیر قابل جبران است» که در ادامه به اثبات آن می‌پردازیم.

## ۲. تعلق طبیعت و مواهب الهی به نسل فعلی و نسل آینده

در ابتدا لازم است به این پرسش پاسخ دهیم که آیا این طبیعت و نعمت‌های موجود در آن، متعلق



به نسل فعلی است یا اینکه مشترکاً برای نسل فعلی و نسل آینده است؟ نسل فعلی تا چه میزان می‌تواند از این منابع خدادادی استفاده نماید؟ نعمت‌های الهی بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، نژاد و نسل برای همه انسان‌های آفریده شده است. طبیعت و منابع موجود در آن متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است و هیچ دلیلی مبنی بر تعلق مواهب الهی بر نسل فعلی و پرتری آنان به نسل‌های آینده ندارد و هیچ نسلی در استفاده از آن بر دیگر نسل‌ها ترجیح ندارد و تقدم یک نسل بر نسل دیگر دلیلی بر اولویت آنان در بهره‌برداری از منابع موجود و فعلی نمی‌باشد.

در دین مبین اسلام اولویت و برتری برای فرد و گروهی نسبت به دیگران نیست و همه در برابر حقشان مساوی‌اند و نمی‌توان مواهب الهی را در انحصار گروه یا فردی قرار داد (سید رضی، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۷). مقام معظم رهبری در پیام به اولین همایش حقوق محیط‌زیست در این زمینه یادآور شدند: «خداوند زمین را برای همه انسان‌ها آفریده است، متعلق به بعضی نیست، بعضی حق بیشتری از بعضی دیگر ندارند و متعلق به نسلی دون نسلی نیست، امروز متعلق به شماست فردا به فرزندان شما، نوه‌های شما، دودمان شما تا آخر تعلق دارد در حقیقت، «هدف تعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی را برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی و تقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص. ۳۴).

به تعبیر دیگر، طبیعت از دیدگاه اصولی و به‌خاطر ماهیت وجودی‌اش به تمام انسان‌ها و به تمام نسل‌ها به یک اندازه تعلق دارد. سرمایه‌ای است که باید هر نسلی بدون دست‌اندازی به اصل سرمایه از آن برخوردار شود. هرکسی که از سرمایه‌های عمومی استفاده‌ای می‌برد وظیفه دارد، دست کم همان قدر سرمایه را برگرداند (هوفه، ۱۳۸۸، ص. ۹۰). همان‌گونه که پدر و مادر برای فرزندان خود ارث باقی می‌گذارند، هر نسلی هم موظف به واگذاری میراث‌های ارزشمند و از آن جمله طبیعت سالم و زمین پربار برای نسل بعدی خویش است. اما حقیقت این است که ما اکنون در موقعیت وارونه‌ای به سر می‌بریم؛ مخارج و هزینه‌های نظام درمانی، بیمه‌بازنشستگی، وام‌ها و بدهی‌های ملی مرتب سیر فزاینده‌ای را نشان می‌دهند. از سرمایه‌گذاری در بخش‌های آینده‌ساز آموزش و پرورش و صنایع پایه‌ای کاسته می‌شود. چنین وضعی درباره نسل‌های آینده به طور کامل غیرمسئولانه و ناعادلانه عمل می‌کند (هوفه، ۱۳۸۸، ص. ۹۰)؛ بنابراین بهره‌برداری از منابع طبیعی به گونه‌ای که موجب ضرر و زیان یا محرومیت دیگران از آن شود، جایز نیست و این منابع به طور یکسان و مساوی حق همه مردم است؛ اعم از اینکه بالفعل موجود هستند یا در آینده به وجود می‌آیند. به‌عنوان مثال، هیچ‌کس حق ندارد هوای پاک‌ی که دیگران استشاق می‌کنند را آلوده کند و آن را با گازهای مضر مخلوط کند، یا آب دریاها و رودخانه‌ها را با فاضلاب یا دیگر آب‌های آلوده، آلوده نماید یا زمین را با زباله آلوده کند یا با انجام آزمایش‌های هسته‌ای و شیمیایی امنیت و سلامت انسان را به خطر بیندازد؛ زیرا نسل‌های آینده نیز بر منابع طبیعی که خداوند به بشر عطا

کرده، حق دارند و همه در قبال این حق مسئول هستند. درست است که نسل‌های آینده اکنون وجود ندارند، اما شریعت الهی در این منابع حقی را برای آنها مقرر کرده است و در این حق با نسل معاصر و فعلی شریک هستند و باید حقوق آنان رعایت گردد. (منتظری، ۱۳۹۴ق، ص. ۲۱۳). بدیهی است که منظور از رعایت حقوق نسل‌های آینده، به منزله عدم استفاده نسل فعلی از مواهب الهی نیست، بلکه منظور استفاده و بهره‌برداری صحیح و اصولی از مواهب الهی که حقوق هر دو نسل به نحو احسن تضمین گردد.

### ۳. آیات دال بر حقوق نسل‌های آینده

در قرآن کریم، آباتی وجود دارد که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است و به دلیل اینکه، این آیات به صورت قضایای حقیقی مطرح شده‌اند؛ علاوه بر موجودین، شامل معدومین یعنی نسل‌های آینده نیز می‌شود و قضیه حقیقیه نیز قضیه‌ای هست که در آن حکم بر کلیه مکلفان وضع شده است و بر خود طبیعت بار شده است و این قابلیت را دارا است که بر هر فرد و مصداق خارجی صدق کند (خمینی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۳۱۶) و در آنها حکم به افراد مفروض الموجود با وصفی مشخص تعلق گرفته است؛ یعنی هم شامل افرادی می‌شود که آن وصف را دارند و در زمان صدور حکم وجود دارند و هم شامل اشخاصی می‌شود که بعداً و در آینده به وجود می‌آیند و واجد آن وصف خواهد بود (نائینی، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص. ۱۷۰) و به تعبیری دیگر، قضیه حقیقیه، قضیه‌ای هستند که موضوع آنها مطلق افراد طبیعت است چه آن که بالفعل موجودند و چه آنهایی که در آینده وجود پیدا می‌کنند، مثل مستطیع که حج بر آن واجب است که منظور از آن هر فرد از افراد مستطیع است که شامل افراد محقق‌الوجود و مقدرالوجود می‌گردد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص. ۴۷۰؛ صدر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۱-۱۲).

فقه‌ها و اصولیون نیز معتقدند غالب احکام شرعی به صورت قضایای حقیقی هستند به‌غیر از خصائص النبی که قضیه خارجی است و مختص رسول اکرم (ص) است (خوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص. ۱۴۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۶۲) و از طرفی دیگر خطابات قرآنی و شرعی بر دو دسته هستند ۱- خطاب شخصی که حکم برای طایفه و گروه خاصی بیان شده است یا فرد خاصی از میان مکلفین است مثل خطاب به حضرت موسی (ع): «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه/۲۴). (موسوی سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۳۳) یا خطاب به رسول اکرم (ص): «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (مائده/۶۷). ۲- خطاب کلی حکم به‌طور کلی بیان شده و اختصاص به شخص یا طایفه خاصی ندارد مثل اینکه شارع مقدس فرموده: «كل مستطیع یجب علیه الحج» یا «یا ایها الذین آمنوا» یا «ایها الناس» در این قسم حکم روی عنوان کلی قرار گرفته که در محدوده این عنوان فرد یا گروه خاصی مدنظر شارع نیست و ملاک در صحت آن نیز امکان انبعاث و حرکت به سوی امتثال از جانب گروهی از مخاطبان است و نه کلیه مخاطبان. مانند اوامر الهی که شامل افرادی که منبعث نمی‌شود، نیز می‌گردد. مثل کفار و گناهکاران که در قوانین عرفی نیز به همین صورت است و

شامل مجرمین و قانون‌گریزها می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص. ۴۵۳). خطاب آیات مذکور به صورت کلی هست که علاوه بر موجودین، شامل معدومین (نسل‌های آینده) می‌شود. بنابراین در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که ناظر به رعایت حقوق نسل‌های آینده بشری است. دلالت برخی از این آیات، به علت ذکر برخی از نعمت‌های الهی و برخی دیگر به دلیل خطابات آیه است که در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهیم داشت.

الف. اولین آیه که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است، آیه ۱۹ سوره بقره است که خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ وَ خَدَائِي است که همه آنچه از نعمت‌ها در زمین وجود دارد برای شما آفریده است.» (بقره/۲۹). این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها می‌داند که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسان‌ها به‌ویژه نسل‌های آینده صورت پذیرد؛ و بیان نعمتی از نعمت‌های الهی است و آنچه که در زمین است؛ بنامه از کوه‌ها، نباتات، حیوانات و جمادات متعلق به عموم مردم است (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص. ۵۲۰). حضرت صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: این نعمت‌ها برای مصارف بنی آدم است تا از آنها معرفت به وجود صانع عالم قادر پیدا بکنند و وسیله بهشت جاویدان قرار بگیرند و از عذاب جهنم ایمن شوند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص. ۳۲۶). ب- دومین آیه مربوطه، در سوره اعراف بیان شده است که خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ؛ شَمَا رَا از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.» (اعراف/۱۰) این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان؛ اعم از نسل حاضر و نسل آینده روی زمین قرار دارد، تا جایی که در آن وسایل زندگی او فراهم گردیده است و حق بهره‌گیری از امکانات زمین، برای همه انسان‌هاست و مخصوص گروه خاصی نیست (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۲۷۴) و به تعبیری دیگر؛ خداوند متعال بنی آدم را در زمین متمکن و متصرف نمود و لوازم معیشت و عیش را از مأكول، مشروب، مرکوب و ملبوس برای آنها آماده و مهیا نمود (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۴۱۲).

ج- آیه دیگر در سوره الرحمن ذکر شده است که خداوند می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَصَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ (خداوند) زمین را برای همگان قرارداد.» (الرحمن/۱۰). بر مبنای این آیه کریمه، زمین حق همگانی است و همه انسان‌ها حق دارند از آن بهره‌مند شوند؛ بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود. زیرا خداوند متعال زمین را برای تمام انسان‌ها خلق نموده و ظرفیت زندگی همه انسان‌ها را در روی زمین لحاظ نموده است و لذا نسل فعلی نباید ظرفیت زندگی نسل‌های آینده را از بین ببرد.

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام به شمار می‌رود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص. ۱۸۳).

د. آیه دیگر که دلالت بر ذخایر طبیعی به طور خاص دارد، آیه ۲۵ سوره حدید است که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ؛ وَ آهِنَ رَانَازِلَ كَرْدِيمَ كَه دَر آن نِیروی شَدید و مَنافعی برای مردم است.» (حدید/۲۷).

برخی از ذخایر طبیعی به دلیل داشتن ویژگی خاص، دارای منافع عمومی برای همه مردم است و در آیه مذکور آهِن دارای چنین خصوصیتی است و به عنوان یکی از منافع عمومی معرفی شده است و چه بسا بتوان با تنقیح مناط بقیه ذخایر و منافع عمومی را تحت این آیه شریفه دانست و عبارت «نازل کردن آهِن» اشاره به انزال آن از خزائن الهی و از عالم غیب به عالم شهود است و منافع آهِن برای مردم نیز به سبب تأثیری که در تمام شعب زندگی و صنایع مرتبط به آن دارد، از توضیح بی‌نیاز است. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۱۷۲) و در آهِن منفعتی برای همه مردمان است و صنایع و حرفه‌ها را قوام می‌بخشد (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۱۳، ص ۴۷). واژه «ناس» در آیه مذکور، به صورت مطلق بیان گردیده و شامل همه مردم در هر عصری می‌شود و اختصاص به مردم عصر نزول قرآن ندارد. در نتیجه آیه مذکور به دلیل ذکر یکی از نعمت‌های الهی «آهِن» و واژه «ناس» ناظر به حقوق نسل‌های آینده است.

#### ۴. وجه استدلال به آیات

استدلال به آیات مذکور بدین صورت است: اولاً: آیات مذکور به صورت قضایای حقیقی بیان شده‌اند و همان‌طور که در تعریف آن ذکر گردید؛ موضوع قضیه حقیقی، مطلق افراد طبیعت است و شامل موجودین و معدومین می‌شود و فقها نیز معتقدند غالب احکام شرعی و آیات قرآن کریم به صورت قضیه حقیقی وارد شدند (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۳).

ثانیاً: خطابات قرآنی در این آیات به صورت مطلق بیان شده و متوجه عموم مخاطبین است و خطاب واحدی که مخاطب آن متعدد است مانند الفاظ «یا ایها الذین»، «یا ایها الناس» که شامل کلیه افراد؛ اعم از موجودین و معدومین می‌شود و اختصاص به گروه خاص یا شخصی ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۵۱). در واقع شارع مقدس در این موارد در مقام جعل قانون برای کلیه مکلفین است و خطاب واحد، قانونی است که به عنوان کلی و عام تعلق یافته و لاجرم بر همه افراد قابل انطباق است و نسبت به همه مکلفین حجت است اعم از موجودین و معدومین (سیحانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۲۸). مانند قوانین بشری که توسط قانون‌گذار به تصویب می‌رسد و تبعیت از آن برای همه مردم کشور واجب است؛ اعم از اینکه در زمان تصویب آن قانون موجود بودند یا در آینده متولد شوند. در حقیقت می‌توان گفت که این آیات در مقام بیان احکام و وظیفه مکلفین و جعل قانون برای عموم مردم است.

ثالثاً: «الف» و «لام» به کار رفته در واژه‌های «ناس»، «انام» از ادات عموم استغراقی هستند که مفید عموم می‌کنند و دلالت بر تعمیم حکم بر همه افرادش اعم از موجودین و معدومین دارد (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۵۳).

رابعاً: به کارگیری تعبیری مانند «لکم»، «للأنام» و «الناس» در آیات مذکور، بیانگر این حقیقت است که مواهب طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دینی و جغرافیایی و نژادی جوامع مختلف، برای تمام انسان‌هاست. گویی رسالت این مخلوقات آن است که در خدمت انسان باشند. از این روست که تعالیم اسلام و نیز دستورات فقهی، همسو با تعمیم حق بهره‌گیری از مواهب طبیعت، برای همه افراد جامعه تنظیم و تدوین گردیده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص. ۷۳-۷۴)؛ بنابراین آیات مذکور علاوه بر نسل فعلی (موجودین) دلالت بر نسل آینده (معدومین) هم دارد، همان‌گونه که احکام الهی و خطابات قانونی شامل موجودین و معدومین می‌شود؛ استفاده از مواهب طبق آیات مذکور شامل نسل فعلی و نسل آینده می‌گردد زیرا نمی‌توانیم قائل باشیم که احکام الهی برای نسل آینده ثابت و ملتزم به احکام الهی هستند اما در مقابل، حق استفاده از مواهب طبیعی را نادیده انگاریم، به دلیل اینکه هر گاه تکلیفی برای انسان نسبت به امری پدید آید، در مقابل آن تکلیف، حقی نیز وجود خواهد داشت و اگر سخنی از حق بیان می‌شود در مقابل تکلیفی نیز وجود دارد و اثبات هر گونه حقی برای شخصی در جامعه، برای دیگران تکلفی را ایجاد می‌کند. نمی‌توان ملتزم شده که در جامعه همه دارای حقوق باشند؛ اما افراد حاضر در آن ملزم به رعایت حقوق یکدیگر نباشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص. ۲۵۸).

### نتیجه‌گیری

حمایت و صیانت از حقوق نسل‌های آینده یکی از مباحث مهم و حیاتی است که در راستای توسعه پایدار و انصاف بین نسلی است؛ بر اساس نتایج دست آمده از این پژوهش: سه مصداق برای مفهوم حقوق نسل‌های آینده متصور است: اول بر هر نسلی لازم است از منابع طبیعی حفاظت نماید. دوم، با بهره‌برداری از منابع طبیعی لطمات جبران‌ناپذیری به آن وارد نگردد. سوم، منابع طبیعی متعلق به همه نسل‌ها است و دلیلی بر اینکه متعلق به نسل خاصی باشد، وجود ندارد و متعلق به همه نسل‌ها بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی، نژاد و نسل‌ها است و متعلق به نسلی دون نسل دیگر نیست. ولی نسل فعلی علی‌رغم داشتن حق استفاده از مواهب الهی، نباید با بهره‌برداری بیش از اندازه، لطمات جبران‌ناپذیری بر بیکره طبیعت وارد نمایند و همان‌گونه که حق بهره‌برداری و استفاده از این مواهب را دارند؛ در مقابل تعهد و تکلیف حفاظت از این منابع و انتقال آن به نسل‌های آینده را نیز دارند و به‌عنوان جانشین خداوند این امانت الهی را به آیندگان بسپارند که این امر موجب همبستگی بین نسل‌ها و ضامن توسعه پایدار و برخوردارگی همه نسل‌ها از مواهب الهی می‌شود. برخی به اشتباه بر این باور هستند که فقط اسناد بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده پرداخته است و در دین مبین اسلام هیچ اشاره‌ای به آن نشده است اما در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر بر رعایت حقوق نسل‌های آینده است که زمین و نعمت‌های الهی را برای همگان دانسته و نسل فعلی را در مقابل آن مسئول دانسته و همچنان که احکام الهی بر آیندگان ثابت است و مکلف به اجرای آن هستند، نعمت‌های خدادادی نیز به آنان تعلق دارد و مختص نسل فعلی نمی‌باشد.

## منابع

### قرآن کریم

### نهج البلاغه

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۸ق). لسان العرب، بيروت: دار صادر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقانیس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۷۵ ش). المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: موسسه النشر الاسلامیه.
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۵ ش). مکاسب، بی‌جا: مطبعه اطلاعات.
- امامی مبین، مهنوش (۱۳۹۵ ش). پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین الملل محیط زیست، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بجنوردی، میرزا حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.
- تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶م). کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، بيروت: مکتبه لبنان.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۱ ش). اصول فقه شیعه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق). کتاب الطهاره (تقریرات ابحاث آیت الله العظمی سید روح الله خمینی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، نشر عروج.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، احمد بن مقرئ (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸ ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن، بيروت: الدار الشامیه.
- ساعدوکیل، امیر و عسگری، پوریا (۱۳۹۰ ش). نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران: انتشارات مجد.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق). تهذیب الاصول (تقریرات ابحاث آیت الله العظمی سید روح الله خمینی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حسینی شاه عبدالعظیمی، سید حسین (۱۳۹۳ ش). تفسیر اثنی عشری، بی‌جا: انتشارات آذرینا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ ش). فلسفه حقوق بشر، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ ش). حق و تکلیف در اسلام، قم: نشر اسراء.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹ ش). فرهنگ نامه اصول فقه، قم: نشر مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳ ش). بیانات در دیدار مسولان و فعالان محیط زیست، تهران: منابع طبیعی و فضای سبز.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۸ ش). کتاب البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، روح الله (۱۴۲۰ق). معتمد الاصول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) ۱۴۲۰ق.
- خمینی، روح الله (۱۴۱۵ق). انوار الهدایه فی تعلیقہ علی الکفایه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). محاضرات فی اصول الفقه، بی‌جا: موسسه احیاء آثار آیت الله خوئی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهه، قم: موسسه انصاریان.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۶ق). تهذیب الاصول، بيروت: دار الاسلامیه.



- مراغی، احمد مصطفی (۱۴۰۴ق). تفسیر المراغی، بیروت: انتشارات دارالفکر.  
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.  
مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ ش). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.  
منتظری، حسین علی (۱۳۹۴ ش). رساله الحقوق فی الاسلام، بی جا: انتشارات سرایی.  
عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۱۹ق). التبیان فی اعراب القرآن، ریاض: بیت الافکار الدولیه.  
صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۶ق). دروس فی علم الاصول، بیروت: دارالکتب اللبنانی.  
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳ ش). تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
طریحی، فخر الدین (۱۴۰۸ق). مجمع البحرین، تهران: مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.  
طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیا التراث العربی.  
گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۸ ش). فعالان حقوقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
هوفه، آلفرید (۱۳۸۸ ش). برداشت های فلسفی در باره عدالت، تهران: انتشارات اختران.  
نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶ ش). فوائد الاصول، قم: موسسه النشر الاسلامیه.  
یزدی، سید محمد کاظم (۲۰۱۲م). حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (کتاب بیع)، لبنان: انتشارات دارالمصطفی.



## بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن با نظریات راجرز، مازلو و ویکتور فرانکل درباره تقویت اراده

معصومه قنبرپور: استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، گروه علوم قرآن، خوی، ایران  
شهین نعل‌بندی گوی‌آغاچ: <sup>۱</sup> کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، گروه علوم قرآن، خوی، ایران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم  
سال دوازدهم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۷-۱۲۰  
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

### چکیده

در دنیای امروزی اراده یکی از عوامل کارایی در ابعاد مختلف زندگی است که مواجهه با چالش‌های ذهنی را زیاد کرده و باعث رشد و پیشرفت زندگی شخصی و کاری می‌شود. این موضوع یکی از موضوعات اساسی روان‌شناسی انسان‌گرا محسوب می‌شود که از آن برای تقویت خودآگاهی انسان استفاده می‌شود. از سوی دیگر مطالعه آیات قرآن نشان می‌دهد که شمار زیادی از آیات به اراده و راه‌های تقویت آن ارتباط دارند. در پژوهش حاضر سعی شده است که با روش تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به آیات قرآن و نظریه روان‌شناسان مکتب انسان‌گرا راهکارهای لازم در امر تقویت اراده افراد بیان شود. از دیدگاه قرآن انسان اشرف مخلوقات خداست و با توانمندی‌های بی‌نهایت به سوی خداوند در حال حرکت است، استعدادهای انسانی فقط در مسیر تقرب الهی شکوفا می‌شوند لذا از نظر قرآن عواملی چون تقوای الهی، جهاد، روزه، نماز، صبر، تزکیه نفس و... موجب تقویت اراده و حرکت انسان می‌شوند. حال اینکه در نظر راجرز محور اصلی برای پیشرفت و تقویت اراده خود فرد است، او و مازلو بر این باورند که سرشت آدمی نیک است به گونه‌ای که بدون راهنمایی دیگران می‌تواند رشد و ترقی کنند و اراده قوی داشته باشند. بر اساس نظریه ویکتور فرانکل عاملی که در تقویت اراده افراد بسیار نقش دارد، فناپذیر بودن آن‌هاست، با توجه به این که فرد پایان مطلق دارد باید از تمام لحظه‌های زندگی اش نهایت بهره را ببرد و برای رسیدن به اهدافش تلاش کند.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، تقویت اراده، روان‌شناسی، انسان، راجرز، مازلو، ویکتور فرانکل.

## مقدمه

انسان از دیدگاه قرآن، خدامحور است و سیری الی الله دارد، به گونه‌ای که فرد تمام کارهایش را با ارادهٔ خود و در چارچوب قوانین الهی انجام می‌دهد. حال اسلام برای رسیدن فرد به رستگاری و موفقیت در زندگی، برنامه‌ها و تکالیفی را بیان کرده است تا افراد با بهره‌گیری از آن‌ها در رسیدن به اهدافشان موفق شوند، اما نکتهٔ حائز اهمیت این است که: این تکالیف و دستورالعمل‌های مطرح شده با موضوع تقویت ارادهٔ انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد، به گونه‌ای که انجام دادن آن‌ها نقش مؤثری در قوی شدن ارادهٔ افراد دارد.

از نظر روان‌شناسانی چون آبرهام مازلو، کارل راجرز و ویکتور فرانکل، اراده عامل مهمی در سلامت انسان است، برای داشتن جامعه سالم باید اراده افراد تقویت شود، تقویت اراده هم‌زمانی میسر می‌شود که راهکارهای درستی برای تقویت اراده به افراد ارائه شود، متأسفانه در جامعه امروزی بسیاری از افراد دچار ضعف اراده هستند و همین موضوع باعث پایین آمدن اعتماد به نفس و انگیزه آن‌ها برای انجام کارهایشان می‌شود، روان‌شناسان برای اینکه افراد را از چنگ چنین بیماری‌هایی از جمله: پریشانی فکر، افسردگی و ... نجات دهند سعی می‌کنند نیروی اراده و همت را در آن‌ها تقویت کنند. روان‌شناسان فوق جزء مکتب انسان‌گرایی هستند؛ در این مکتب امیالی در وجود انسان‌ها بررسی می‌شود که در فطرت آدمی ریشه دارد و تمایلات طبیعی هر انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهد و با اندیشه و افکار دینی افراد که نوعی نیاز و خواسته فطری انسان‌ها محسوب می‌شود ویژگی‌های مشترک زیادی دارد (کلاتتری، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۲)

در سوره اسراء آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۳۰) «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.»  
بر طبق آیه فوق انسان‌ها اشرف مخلوقات هستند و خداوند آن‌ها را بر دیگر موجودات برتری بخشیده است که در آیه برای انسان‌ها کرامت و فضیلت مطرح شده است، تفاوتشان در این است: کرامت امتیازی است که در دیگران نیست و شامل نعمت‌های خدادادی در وجود انسان است، اما فضیلت اشاره به نعمت‌هایی دارد که با تلاش انسان همراه با توفیق الهی به دست می‌آید (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص. ۹۴).

اراده از جمله صفات الهی است که در وجود انسان است و باعث ایجاد تمایز بین انسان و حیوان می‌شود، بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که برخی امور می‌تواند در تقویت اراده انسان تأثیرگذار باشد که در این مقاله به آن اشاره می‌شود.

هراندازه اراده فرد قوی باشد بیشتر مسئول کار و آینده خود است، در غیر این صورت تابع و دنباله‌روی افراد دیگر خواهد بود؛ بنابراین موضوع اراده و تقویت آن در داشتن جامعه‌ای سالم و موفق، نقش به‌سزایی دارد، چرا که افراد با اراده در تصمیم‌گیری‌های خود دقت و سرعت دارند و همچنین در انجام کارهایشان و عملی کردن برنامه‌های خود دچار شک و تردید نمی‌شوند، عاقلانه و با عزم و اراده قوی تصمیم می‌گیرند که در نهایت این امر باعث می‌شود تا افراد زندگی سعادت‌مندی داشته باشند.

این مقاله در صدد است به پرسش زیر پاسخ دهد:

موارد اشتراک و افتراق قرآن و مکتب انسان‌گرا درباره اراده و راه‌های تقویت آن در انسان کدام‌اند؟  
موضوع اراده از دیرباز مورد عنایت دین‌پژوهان، اندیشمندان علوم اسلامی و روان‌شناسان قرار گرفته است، در این زمینه تحقیقاتی انجام شده که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد ولی تا جایی که نگارنده بررسی کرده است؛ پایان‌نامه یا کتابی که به صورت اختصاصی از اراده در قرآن و مکتب انسان‌گرایی در روان‌شناسی بحث کرده باشد یافت نشد؛ بنابراین در این پژوهش ما می‌خواهیم راهکارهای تقویت اراده را در قرآن و مکتب انسان‌گرایی در روان‌شناسی به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار دهیم.  
در این زمینه کتاب‌هایی به نگارش درآمده است از جمله:

دایر، وین، قدرت اراده، مترجم: میترا میرشکار، تهران: نشر پارسه، چ اول: ۱۳۸۸ ش.

وین دایر در این کتاب به بیان نکات اصلی مشیت الهی، به کارگیری نیروی مشیت الهی و اتصال می‌پردازد و ذیل هر کدام به بررسی مقوله مشیت، تفسیرهای مختلف از آن، همسویی اراده فردی با اراده الهی و بروز نبوغ و توانایی انسان می‌پردازد و به راه‌های تقویت اراده اشاره‌ای نشده است.

پیل، نورمن ویست پیل، معجزه اراده، مترجم: وجهه آزرمی، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، چ سوم: ۱۳۷۹ ش.



نویسنده در این کتاب با ارائه نمونه‌های بی‌شماری از مسائل و مشکلات روزمره افراد مختلف سعی کرده تا یاد بدهد مشکلات برای همه وجود دارد و در مقابله با مشکلات باید راه‌حل خود را عوض کنند و در واقع هیچ مشکل بدون پاسخی وجود ندارد؛ لذا در این کتاب به راه‌کارهای تقویت اراده اشاره‌ای نشده است.

انجلس، باربارادی، اعتمادبه‌نفس، مترجم: لیلا آزادی، بی‌جا: معیار اندیشه، چ یازدهم: ۱۳۹۳ ش. در این کتاب نویسنده در رابطه با اعتمادبه‌نفس توضیح می‌دهد، این که چگونه منبع اعتمادبه‌نفس نهفته درون خود را بیابیم و با کمک آن زندگی کنیم و به راه‌های تقویت اراده اشاره‌ای نشده است. تا جایی که نگارنده بررسی کرده است، هیچ‌کدام از این کتاب‌ها به موضوع تقویت اراده از دیدگاه قرآن و مکتب انسان‌گرا نپرداخته است.

علاوه بر کتاب‌های فوق، یک سری از مقالات نیز مرتبط با این موضوع نگارش شده است که به شرح ذیل می‌باشد.

آریان، حمید، محمدعلی، جهان‌پناه؛ عوامل مؤثر بر اراده انسان و تقویت آن در راستای انجام عمل صالح از منظر قرآن، معرفت، ش ۲۵۷، اردیبهشت ۱۳۹۸ ش.

در این مقاله نویسنده فقط به بررسی عوامل مؤثر بر اراده انسان و تقویت آن در راستای انجام کارهای خیر از دیدگاه قرآن می‌پردازد و اشاره‌ای به مکتب انسان‌گرا نکرده است.

عالم‌زاده نوری، محمد؛ عوامل تقویت اراده و افزایش قدرت عمل، معرفت، ش ۲۳۹، آبان ۱۳۹۶ ش. در این مقاله نویسنده بعضی از عوامل مؤثر در تقویت اراده را مطرح کرده و تا حدودی آن‌ها را توضیح داده، همچنین به آیات مرتبط اشاره کرده است.

مشعل، وفا، فهیمه، حسن؛ تقویت اراده از وفا مشعل، حکمت سینوس، ۱۹، ۱۳۸۱ ش. در این مقاله به عوامل تقویت اراده اشاره نشده، بلکه اصل تقویت اراده، تضعیف اراده و همچنین بیماری‌های اراده را توضیح داده است.

عبداللهی، محمداسماعیل، قرآن کریم و تحلیل روان‌شناختی تأثیر گذاری معاد بر تقویت اراده جمعی، همایش بین‌المللی روان‌شناسی فرهنگ زندگی، دوره ۱، ۱۳۹۴ ش.

نویسنده علاوه بر این که به نظر قرآن می‌پردازد، از مبانی و ارکان روان‌شناسی تربیتی، کمک گرفته و در نهایت به چگونگی تأثیر گذاری یاد معاد بر تقویت اراده پرداخته است.

در مقالات فوق هم مقاله‌ای که به صورت هم‌زمان به تقویت اراده در قرآن و مکتب انسان‌گرا در روان‌شناسی پرداخته باشد، یافت نشد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. تعریف لغوی اراده

اصل فعل از «رَوَدَ» به معنی (آمدن، رفتن و مطمئن بودن است) و علمای لغت گفته‌اند: «اراده به معنای خواست و مشیت است و الف آن در اصل واو است» (ابن منظور، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۱۹۱؛

زمخشری، ۱۳۹۷ م، ص. ۲۷۵؛ فیروزآبادی، ۱۳۵۲، ص. ۲۷۵) جوهری اراده را مرادف با «مشیت» دانسته و همچنین معنای «طلب» را به آن اضافه کرده است. (جوهری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص. ۴۷۸)

فرهنگ عمید نیز اراده را به این صورت معنی کرده است: «اراده: مص. (ع) «اراده» (آر. د.) ارادت: خواستن، طلب کردن، دوست داشتن، «خواست، میل، قصد، آهنگ» و نیز ارادت در فارسی به معنی دل‌بستگی و اعتقاد و اخلاص و دوستی بی‌ریا گفته می‌شود». (عمید، ۱۳۷۱، ص. ۹۶) فرهنگ الرائد اراده را به معنای نیروی نفسانی برای تصمیم در انجام کارها می‌داند. (جبران، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۷۴)

فرهنگ دهخدا نیز اراده را به این صورت تعریف کرده است: «صفتی است که حالتی خاص را در انسان‌ها به وجود می‌آورد و از او عملکردهای خاصی حاصل می‌شود، در واقع اراده به چیز معدومی که آن را به وجود می‌آورد تعلق می‌گیرد. اراده قانع کردن نفس است از مرادات خود و رو نمودن است بر اوامر خدا و راضی شدن بر آن. همچنین گفته‌اند که اراده اخگری است از آتش دوستی در قلب که اجابت کردن دواعی نفس را اقتضا می‌کند. اراده را به معنای خواست خدا، مشیت و قضا و قدر نیز گفته‌اند.» (دهخدا، ۱۳۲۵، ص. ۱۶۰۵)

متفکران و علما درباره اراده انسانی نظرات متفاوتی را بیان کرده‌اند که این امر ناشی از فهم هر کدام از آن‌ها از اراده موجود در انسان است.

بسیاری از نویسندگان (اراده) را معادل (طلب) و برخی معادل (مشیت) و یا (اختیار) آورده‌اند و نیز اراده معنای (تردد و آمدوشد به آرامی برای یافتن چیزی) به دست آوردن حالتی و تقریباً مرادف با مشیت به کار گرفته شده است. (سقا، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۲)

در رابطه با معنای اراده اظهار نظرهای فراوانی بیان شده است که در این تحقیق مجال بیان آن‌ها نیست، ولی می‌توان از مجموع بیان‌ها این نتیجه را گرفت: اراده به معنای طلب کردن و درخواست کردن است، اینکه فرد امری را با عزم و اراده خود، بدون هیچ جبری و با اختیار کامل انجام دهد. اگر چه با الفاظ مشیت و اختیار کردن نیز هم‌معناست، ولی تفاوت‌هایی هم دارد که توضیح داده می‌شود.

## ۱-۲. تعریف اصطلاحی اراده در قرآن

در قرآن مجید، لفظ اراده به کار نرفته است، ولی مشتقات آن در دو معنای (مبدأ فعل) و (منتهای آن) به کار رفته است که معنای دوم آن فقط اراده الهی است و مفهوم (حکم) را دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص. ۳۷۱)

«لفظ اراده به همراه مشتقات آن ۱۳۷ بار در قرآن مجید آمده است که به‌عنوان مرکز بیشتر سخنان امامان معصوم (ع) قرار گرفته است.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۱۰۹؛ مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص. ۲۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص. ۱۴۶) در فرهنگ لغت قرآنی اراده در اصل از ریشه «رَوَدَّ» گرفته شده است. «رَوَدَّ» به معنی تردد و آمدوشد کردن به آرامی، است. (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۲۲۵) در «قاموس قرآن» اراده به معنی قصد کردن از ماده «رَوَدَّ» است و همچنین ضمن ذکر کردن معنای اراده، مانند طلب کردن، قصد کردن، خواستن، اراده را در مورد خداوند به معنای «حکم و دستور، زمانی



که همراه با وقوع خارجی باشد» دانسته است. (قرشی بنایی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص. ۱۴۴)

### ۱-۳. تعریف اراده در روان‌شناسی

اراده از جمله مفاهیمی است که در بسیاری از مطالعات مورد توجه و تحلیل روان‌شناسان قرار گرفته است، این واژه با مفهوم «خودکنترلی» ارتباط دارد، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند: خودکنترلی یا اراده به قدری اهمیت دارد که در امر تحصیلی از بهره هوشی هم مهم‌تر است، در تمام دنیا همه مردم عدم کنترل بر نفس را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌ها بیان می‌کنند، مطالعات حاکی از این است: که زندگی افرادی مانند پدر و مادر، کارآفرینان، هنرمندان با توسعه خودکنترلی به شکوفایی رسیده‌اند، به همین دلیل می‌توان گفت: اراده نقش قلب را در موفقیت‌ها و همچنین شکست‌هایی که ممکن است برای فرد به وجود آید ایفا می‌کند. (نیک صفت، ۱۳۷۸، ص. ۱۵۳)

بر طبق نظر روان‌شناسان اراده یک قدرت باطنی است که به فرد کمک می‌کند تا خوب تصمیم‌گیری کند، اهدافش را مشخص کند و از اینکه تنبلی کند و کارهایش را عقب بیندازد، ممانعت می‌کند، زیرا هنگامی اراده فرد قوی باشد، آن شخص می‌تواند با کوشش و تلاش و پایداری به هدف‌هایش برسد (خسروی، ۱۳۹۰، ص. ۶۸).

مطالب گفته‌شده حاکی از این است که اراده عملی مهم در امر انتخاب و تصمیم‌گیری است، اینکه فرد با اراده خود راهی را انتخاب کند و در آن مسیر گام بردارد.

### ۱-۴. آشنایی با روان‌شناسان: راجرز، مازلو، ویکتور فرانکل

کارل راجرز: کارل راجرز در اوک پارک ایلینویس از توابع شیکاگو در خانواده‌ای متعصب متولد شد و تا قبل از رفتن به دانشگاه، دوستان کمی خارج از خانواده داشت. او در زمینه کشاورزی تحصیل کرد اما بعد از ازدواج با دوست دوران کودکی‌اش هلن الیوت در سال ۱۹۲۴، در حوزه علمیه الهیات ثبت‌نام کرد. در نهایت برای ادامه تحصیل در روانشناسی بالینی به کالج تربیت‌معلم کلمبیا نقل مکان کرد و در دانشگاه‌های اوهایو، شیکاگو و ویسکانسین به فعالیت پرداخت و در مان مراجع‌محور خود را بر اساس روانشناسی انسان‌گرا توسعه داد.

کارل راجرز روانشناسی انسان‌گرا بود که با فرضیات اصلی آبراهام مازلو موافق بود. راجرز معتقد است که هر فرد می‌تواند به اهداف، تمایلات و خواسته‌هایش در زندگی دست یابد. وقتی این اتفاق رخ دهد، خودشکوفایی ایجاد می‌شود. این یکی از مهم‌ترین دستاوردهای کارل راجرز در روانشناسی بود و برای دستیابی فرد به توانمندی‌هایش، تعدادی عوامل باید برآورده شوند (راجرز، ۱۳۹۰، ص. ۸).

آبراهام مازلو: آبراهام مازلو در اول آوریل ۱۹۰۸ در شهر بروکلین، نیویورک به دنیا آمد و در آنجا

1. Carl Roger.

2. Abraham Maslow.

او اولین فرزند از هفت فرزند خانواده یهودی بود که از روسیه مهاجرت کرده بودند. او در سال ۱۹۷۰ در ایالت کالیفرنیا از دنیا رفت. آبراهام مازلو یکی از معروف‌ترین روانشناسان در تاریخچه روانشناسی است که بیشتر شهرت او به خاطر تئوری هرم مازلو پدید آمده اما او دستاوردهای بسیار دیگری هم دارد.

آبراهام مازلو احساس می‌کرد که تئوری روان‌کاوی زیگموند فروید و تئوری رفتاری اسکینر بیش از حد بر روی تأثیرات منفی و یا جنبه‌های آسیب‌شناختی تمرکز دارند و همه پتانسیل‌ها و خلاقیت‌های موجود در انسان را نادیده می‌گیرند. نظریه‌های او از جمله سلسله‌مراتب نیازها، خود شکوفایی و تجربه‌اوج، موضوعات بنیادی در جنبش انسان‌گرایی بودند. فرآیند خودشکوفایی در تئوری مازلو نقش اساسی داشت و این گرایش را استفاده کامل و بهره‌برداری از استعدادها، ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و غیره تعریف کرد (مازلو، ۱۳۷۵، ص. ۹).

ویکتور فرانکل: ویکتور فرانکل نویسنده، روانشناس و عصب‌شناس اتریشی متولد ۲۶ مارس ۱۹۰۵ در شهر وین اتریش است. او در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد که این دلیل کافی بود تا سال‌ها بعد در اردوگاه آشویتس زندانی شود. علاقه‌ی او به روانشناسی از همان کودکی در او شکل گرفت و بعد از اتمام تحصیلات دوره‌ی دبیرستان، ویکتور فرانکل به دانشگاه علوم پزشکی وین رفت و در آنجا مشغول مطالعه‌ی پزشکی شد و مدرک تخصصی خودش را در رشته‌ی روان‌پزشکی و عصب‌شناسی گرفت. تمرکز فرانکل در آن دوران بر موضوعاتی مانند افسردگی و خودکشی بود. ویکتور فرانکل که از سال‌های دبیرستانش آغاز به نوشتن مقالاتی درباره‌ی روانشناسی و روان‌پزشکی کرده بود، در دوران دانشجویی به این عادت خود ادامه داد و به همین صورت بود که بیشتر از سی کتاب نوشت.

## ۲. راه‌های تقویت اراده در قرآن

در مسیر بندگی و شکوفایی استعدادها بسیاری از افراد با ناتوانی‌هایی روبه‌رو می‌شوند، به گونه‌ای که می‌خواهند کارهای زیادی را انجام دهند؛ ولی موفق نمی‌شوند که این امر معلول ضعف اراده است.

یکی از نعمت‌های بزرگی که خداوند به انسان‌ها عطا فرموده است، اراده است، در قرآن راهکارهای بسیاری برای تقویت اراده آمده است تا افراد با بهره‌گیری از آن‌ها در مسیر رسیدن به اهداف و شکوفایی توانایی‌هایشان موفق شوند که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۲-۱. نماز

هر عبادتی که فرد انجام می‌دهد اثرات خاص بر نفس فرد دارد، طوری که این اثرات در نفس به وجود می‌آید و به تدریج اراده فرد را تقویت می‌کند تا توان آن کامل شود، به این ترتیب هر

چه قدر عبادت فرد بیشتر سختی داشته باشد، پسندیده تر است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۷۹، ص. ۲۲۹). نماز خواندن اثرات فراوانی دارد، یکی از آن‌ها اثرات روان‌درمانی آن است، در واقع این اثر علاوه بر اینکه باعث می‌شود قدرت روحی - روانی فرد از چنگال اضطراب‌رهایایی یابد اثرات و الاثری هم دارد که می‌توان به ارتباط معنوی بین انسان و خداوند در حین نماز خواندن اشاره کرد طوری که به فرد قدرت معنوی می‌بخشد و همین امر سبب تقویت امید، اراده و رهایایی قدرت و توانایی‌های بزرگ فرد می‌شود (نجاتی، ۱۳۸۱، ص. ۳۹۳).

حضرت علی (ع) از پیامبر گرامی (ص) نقل می‌کند که پیامبر فرمودند: آیه ۱۱۴ سوره هود امیدوارکننده‌ترین آیه قرآن است که می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ آمَنُوا» (هود/۱۱۴) «در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چراکه حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) از بین می‌برند؛ این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند!» چه توقع و دارویی فراتر از این موضوع وجود دارد که افراد بدانند زمانی که دچار لغزش شدند و تمایلات نفسانی بر آن‌ها غالب شد می‌توانند با یاری و پشتیبانی نماز بر نفس خود چیره می‌شوند و با یقین و قطعیت کامل آن را رد کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص. ۲۷۰).

بر طبق تحقیقات آماری که در رابطه با اثرات نماز بر ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان انجام شده، نتایج به دست آمده حاکی از این است که: نماز می‌تواند بر خصوصیات شخصیتی افراد جوان و دانشجویان اثرات مستقیمی داشته باشد، به خصوص آن دسته از افرادی که نمازهایشان را به موقع می‌خوانند از خصوصیات شخصیتی آشکارتری برخوردارند، به همین خاطر است که در فعالیت‌های مختلف از جمله فعالیت‌های فرهنگی، مسئولان دانشگاه به سراغ این افراد می‌روند چون این افراد همت و اراده قوی‌تری در انجام امور مختلف دارند (احمری، احمدی ازغندی، ۱۳۹۰، ص. ۲۸).

رسول خدا (ص) برای اینکه رسالت و مسئولیت والای خود را به خوبی انجام دهد، به اراده‌ای قوی و مصمم در بیانات خود نیاز داشت، بدین لحاظ خداوند بزرگ در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً» (مزمّل/۶) اگر می‌خواهی اراده‌ات قوی و تقویت شود تا بتوانی در انجام امور زندگی‌ات پیروز شوی و همچنین اگر می‌خواهی تمام سختی‌ها را با موفقیت پشت سر بگذاری، نماز شب بخوان و شب‌زنده‌داری کن که انجام این اعمال یکی از بهترین راه‌ها برای تقویت اراده است (مظاهری، ۱۳۸۹، ص. ۲۳).

زمانی که فرد در یک‌شب زمستانی سرد از خواب نازش بیدار می‌شود تا به عبادت پروردگارش بپردازد، اگرچه در آغاز امری سخت و دشوار است اما زمان که می‌گذرد به تدریج سختی آن کم می‌شود و بدن بهتر از نفس پیروی می‌کند، همان‌گونه که می‌بینیم افراد اهل نماز و عبادت به راحتی و بدون هیچ سختی از خواب بیدار می‌شوند و نماز می‌خوانند، در واقع سختی و دشواری‌اش بدین علت است که فرد برای آن امر تلاش و اقدامی نمی‌کند و همین امر سبب کاهلی و سستی او می‌شود؛ زیرا اگر فرد عملی را چند مرتبه انجام دهد به تدریج آن عمل برای او امری عادی و به‌دوراز سختی می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۲۶).



این ارتباط قوی معنوی انسان با خداوند در حین نماز خواندن باعث می‌شود، فرد امواجی از انرژی و فیض الهی را دریافت کند که همین امر سبب آزاد شدن قدرت‌های مخفی در آدمی شده و عزم و اراده‌اش را قوی‌تر می‌کند و در نهایت برای قبول کردن دانش و معرفت آمادگی بیشتری پیدا می‌کند و می‌تواند امور بزرگ‌تری را با قدرت والاتری انجام دهد، لذا یکی از پزشک‌های فرانسوی به نام (الکسیس کارل) اثبات کرده است که خواندن نماز باعث می‌شود در درون فرد شادی و نشاط درونی ایجاد شود به گونه‌ای که این امر باعث می‌شود بسیاری از بیماران در معده‌ها و مکان‌های زیارتی شفا پیدا کنند (کارل، ۱۹۸۰م، صص. ۱۷۱-۱۷۰).

در سوره بقره آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۳). در این آیه به دو موضوع به‌عنوان تکیه‌گاه مهم اشاره شده است که یکی از آن‌ها نماز است، به گونه‌ای که در یکی از احادیث آمده است: حضرت علی (ع) زمانی که با مشکلات مواجه می‌شد، ابتدا نماز می‌خواند و بعد از آن به دنبال راه‌حلی برای مشکل می‌گشت. در واقع انسان‌ها زمانی که با مشکلات و یا حوادث سخت روبه‌رو می‌شوند، توان خودشان را برای روبه‌رو شدن با آن مشکلات و حوادث کامل نمی‌دانند، چرا که آن‌ها به یک تکیه‌گاه نیاز دارند که از هر طرف محدودیت نداشته باشد بلکه بی‌انتهای و نامحدود باشد، نماز این گونه است؛ زمانی که فرد نماز می‌خواند و به آن تکیه می‌کند با روحی سرشار از اطمینان و آرامش می‌تواند آن موج‌های منفی و ناراحت‌کننده مشکلات را از بین ببرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص. ۵۲۰).

## ۲-۲. روزه

روزه از جمله اعمال عبادی است که روح و روان آدمی را تصفیه می‌کند، یکی از فلسفه‌های مهم روزه گرفتن توبه و طلب بخشایش نفس و تلاش کردن برای پرهیزگاری و ترک کردن گناهان است، وقتی فردی روزه می‌گیرد از انجام هر گناهی دوری می‌کند، در واقع او از انجام اعمال مشروعی مثل خوردن، آشامیدن و ... دوری می‌کند و به‌منظور رسیدن به مرحله ریاضت نفس و جسم این امر را یک ماه ادامه می‌دهد بنابراین چنین شخصی دارای اراده قوی شده است که بعد از گذشت این یک ماه هم می‌تواند تقوا و پرهیزگاری خودش را حفظ کند و همچنان باتقوا بماند (امینی، ۱۳۸۸، ص. ۶۵). روزه گرفتن دارای یک برنامه کلی است، اینکه فرد چه زمانی از خوردن و آشامیدن پرهیز کند و در چه ساعتی می‌تواند بخورد و بیاشامد همگی دال بر یک برنامه است که بر طبق آن فرد باید به مدت یک ماه آن را تکرار کند و این تمرین بزرگی است برای این که فرد نفس خود را به انجام کارهایی عادت دهد که در ماه‌های دیگر به آن عادت نکرده بود، در نهایت این عمل عزم و اراده انسان را تقویت می‌کند (گروه محققان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۳۴).

قرآن کریم در سوره بقره به این موضوع اشاره کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/۱۸۳) «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیز کار شوید.»

یکی از مهم‌ترین اثرات روزه، پرهیزگاری و ترس از خداست، روزه عبادتی است که اراده را تقویت می‌کند، فردی که روزه می‌گیرد یک ماه خوردن، آشامیدن و ارتباط جنسی را کنار می‌گذارد و این نشانه اراده قوی و بالابودن درجه صبر فرد است، همچنین قرآن برای اینکه مردم از نتایج اعمالشان باخبر شوند فلسفه بعضی از حکم‌ها را بیان می‌کند تا با این کار افراد در انجام دادن آن احکام شور و نشاط زیادتری داشته باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۲۸۲-۲۸۱).

روزه با این محدودسازی‌ها به افراد قدرت اراده، توانایی و ایستادگی در مقابل سختی‌ها و مشکلات را می‌دهد. به‌خاطر همین است که خداوند روزه را واجب کرده است تا با انجام آن در مقابل سختی‌ها و مشکلات زندگی سر خم نکنیم، بلکه صبور باشیم و با عزم و اراده‌ای قوی با مشکلات مبارزه کنیم تا در نهایت موفق شویم.

با توجه به مطالب گفته‌شده: انجام تکالیف الهی یکی از عوامل تقویت اراده است، فرد باید در تمام لحظه‌ها خدا را ناظر و حاضر بر اعمالش ببیند. رعایت قوانین و موازین الهی، به‌موقع خواندن نماز، دوری از خبط و گناه از عوامل مهم تقویت اراده به حساب می‌آید، برای مثال: فردی که روزه می‌گیرد در حقیقت او با تمایلات و خوی‌های ناشایست می‌جنگد، در نهایت فردی که خدا را عبادت می‌کند، به آرامش روانی خاصی دست می‌یابد و این یکی از عوامل مؤثر تقویت اراده محسوب می‌شود (وینست پیل، ۱۳۹۰، ص. ۴۸).

### ۲-۳. جهاد

جهاد در جهان آفرینش یک قانون کلی و عام است، به گونه‌ای که تمام موجودات دنیا از جمله حیوانات و نباتات را شامل می‌شود؛ در واقع همه آن‌ها برای اینکه موانع را از مسیر خود بردارند جهاد می‌کنند تا در نهایت به کمال مطلوب برسند، رسیدن به کمال مطلوب به فرد عزت نفس می‌دهد و اراده او را تقویت می‌کند تا بتواند با عواملی که باعث نابودی او می‌شود مبارزه کند (قویدل، ۱۳۸۳، ص. ۴۱).

جهاد به معنای مبارزه کردن است، حال این امر به ۲ گونه است: مبارزه با دشمنان، مبارزه با نفس خود. برای جهاد با نفس تعبیر (جهاد اکبر) آمده است که بر تلاش کردن نفس فرد برای مبارزه با هوا و هوس و شیطان دلالت می‌کند (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۱، ص. ۳۰). زمانی فرد با نفس خود یا با دشمنان اسلام مبارزه می‌کند که اراده‌ای قوی داشته باشد؛ زیرا شخص بدون اراده نمی‌تواند مبارزه کند، بنابراین هر دو حالت از عوامل تقویت اراده به حساب می‌آید.

در سوره عنکبوت آمده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/۶۹) «و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است»

هر تلاش و کوششی که در راستای رضایت خداوند و در نهایت جهاد به‌منظور پیروزی دین باشد از اهمیت والایی برخوردار است به این صورت که آن‌ها را شامل نعمت هدایت و حمایت خود می‌کنیم تا در کارهایشان موفق و پیروز شوند (خرم‌دل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص. ۸۴۸).

## ۲-۴. دوری از گناه

یکی از راه‌هایی که در تقویت اراده بسیار مؤثر است این است که فرد از گناه دوری کند، در دین اسلام نظریه‌ای وجود دارد که می‌گوید: به کارهایی که می‌خواهی انجام دهی عمل کن تا معنا و مفهوم و منشأ تقویت اراده را بدانی، بر طبق مبانی اسلام دوری از گناه باعث می‌شود انسان اراده‌اش تقویت شود، همچنین از نظر معنوی آدمی بسیار قوی می‌شود به گونه‌ای که فرد می‌تواند با قدرت عالی در برابر خواسته‌ها و غرایز نفسانی بایستد و در نهایت در این نبرد درونی که بزرگ‌ترین نبردهاست و به جهاد با نفس معروف است، موفق و پیروز می‌شود (مظاهری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۱۴۳).

## ۲-۵. تقوا

یکی از عوامل تربیتی مهم در به‌دست آوردن اخلاق درست است که سبب تقویت و پروراندن اراده فرد می‌شود، برای رسیدن به هدف و موفقیت در آن فقط روشن بودن راه کافی نیست، بلکه فرد باید قدرت و توان حرکت کردن را داشته باشد، بنابراین تقوا به‌عنوان عامل تقویت کننده اراده اخلاقی فرد توان و قدرت برای حرکت کردن در مسیر فراهم می‌کند، تقوا از ریشه «وقی» در معنای پرهیزگاری آمده است؛ در واقع حالتی است که فرد می‌تواند اعمالش را کنترل کند به طوری که بین قدرت و توان درونی و کارهای بیرونی فرد هماهنگی به وجود آورد (سلطانی، ۱۳۷۸، ص. ۵۴). خداوند در آیه‌های بسیاری صبور و باتقوا بودن را به‌عنوان یکی از نشانه‌های اراده معرفی می‌کند و این دلالت می‌کند بر اینکه اراده داشتن فرد لازمه شکیبایی و پرهیزگاری است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۳، ص. ۴۵۳).

در قرآن در رابطه با تقوا آمده است: «... إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران/۱۸۶) «اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است.» در آیه فوق دو لفظ صبر و تقوا به‌عنوان عوامل مهم در تصمیم‌گیری صحیح آمده است، چرا که برخی از افراد اگرچه صبر و پایداری دارند؛ اما ناشکری می‌کنند و به شکوه می‌پردازند، در حالی که افراد مؤمن و باایمان صبر و پایداری را همراه با تقوا ترکیب می‌کنند و از این چنین اموری دور هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص. ۳۰۵).

خداوند در آیه فوق صبور و باتقوا بودن را به‌عنوان یکی از نشانه‌های اراده معرفی می‌کند و این دلالت می‌کند بر اینکه اراده داشتن فرد لازمه شکیبایی و پرهیزگاری است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۳، ص. ۴۵۳).

در رابطه با اثرات تقوا در نهج البلاغه آمده است: «فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا... وَ هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكِرَامَةُ بَعْدَ فُحُوطِهَا، وَ تَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا، وَ تَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا، وَ وَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبُرْكََةُ بَعْدَ إِرْدَائِهَا» (نهج البلاغه / خطبه ۱۹۸) «هر کس تقوا را پیشه ساخت، سختی‌ها از وی دور و ناپدید شد و کرامت بر او باریدن گرفت، پس از آن که از وی بریده بود و رحمت خداوندی با لطف و محبت به او روی آورد پس از فرار و نفرت از وی و چشمه‌سارهای نعمت‌ها برای او شکافت و روان گشت، بعد از فروکش کردن و نایاب شدن آن‌ها و باران برکت پس از کم شدن آن بر او باریدن گرفت.»

همچنین امام علی (ع) از تقوا به عنوان یکی از عامل‌های مهم در تقویت اراده و تسلط نفس بر اینکه نقش گسترده‌ای در ترک کردن گناهان و رفتارهای زشت و ناپسند دارد یاد می‌کند، گناهان و اشتباهات همانند اسب‌هایی چموش هستند که افسارشان گسیخته شده است و افراد گناهکار سوار آن اسب‌ها هستند که در نهایت آن‌ها را در عمق دوزخ نگونسار خواهند کرد، ولی تقوا همانند مرکب‌های آرامی هستند و افرادی که بر آن‌ها سوار هستند افسارشان را در دست دارند و آن‌ها را به بهشت می‌برند (نهج البلاغه / خطبه ۱۶).

## ۲-۶. عفو و بخشش

طبق دیدگاه اسلام یکی دیگر از راه‌هایی که باعث تقویت اراده در افراد می‌شود، عفو و بخشش است. فرد وقتی که بتواند قصور و اشتباهات دیگران را نادیده بگیرد نشان‌دهنده این است که او شخصی قوی و تواناست، زیرا فرد وقتی دیگران را می‌بخشد حقوق خود را نادیده می‌گیرد، در واقع از حق خود گذشتن امر راحتی نیست و هر کسی نمی‌تواند این کار را انجام دهد بلکه در ادلی می‌خواهد، بنابراین همین مشقت و سختی است که سبب افزایش نیروی اراده فرد می‌شود؛ شاید یکی از دلایلی که خداوند دارای اراده مطلق است این است که ایشان پروردگاری غفور و رحمان است، پس ویژگی عفو و بخشش، داشتن قدرت اراده را در افراد رشد و پرورش می‌دهد و او را به فردی با اراده تبدیل می‌کند.

هر امری که آرامش را در روح و روان فرد به وجود آورد، استرس را از زندگی او دور می‌کند و در نهایت این امر باعث می‌شود که فرد در کمال آرامش برای رسیدن به اهدافش تلاش کند و به تدریج عزم و اراده‌اش را تقویت می‌کند. بر طبق آیات قرآن مجید خداوند متعال عفو و بخشش را به عنوان یکی از نشانه‌های قدرت اراده بیان می‌کند: «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ شُورَى» (شوری/۴۳) «مَا كَسَانِيَّ وَ عَفُو كُنْتُمْ، این از کارهای پرارزش است!»

عزم به معنای تصمیم گرفتن برای انجام دادن کارها می‌باشد و به اراده قوی اشاره دارد، حال کلمه عزم الامور به اموری اشاره دارد که خداوند به آن دستور داده و اصلاً باطل نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص. ۴۷۱). دعوت به شکیبایی و عفو به این معنا نیست که ظلم از باطل دور شود، بلکه دعوت به کمال برتری است که از همه کمالات برتر است؛ زیرا در بخشش و مغفرت صبر و شکیبایی وجود دارد که از مصداق‌های اراده راسخ در کارهاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص. ۹۶).

در سوره نور آمده است: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور: ۲۲) «آن‌ها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است!»

آیه اهمیت عفو و بخشش را بیان می‌کند به این صورت: همان‌طوری که شما هنگام لغزش در سختی‌ها و مشکلات انتظار دارید مورد عفو و بخشش خداوند قرار گیرید پس باید در رابطه با اطرافیان هم عفو و بخشش را فراموش نکنیم، در واقع این آیه پند بزرگی را به تمام مسلمانان در

زمان‌های مختلف (حال، آینده) می‌دهد و آن این است: زمانی که افراد در زندگی دچار گناه و اشتباه شدند، آن‌ها را بیشتر از حد اعتدال مجازات نکنید، از جامعه اسلامی آن‌ها را دور نکنید و به آن‌ها کمک کنید؛ در غیر این صورت آن‌ها به سمت دشمنان کشیده می‌شوند و در ردیف آن‌ها قرار می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، صص. ۴۱۵-۴۱۶).

عفو و بخشش به قدری اهمیت دارد که؛ پیامبر آن را یکی از راه‌های به دست آوردن عزت نفس بیان می‌کند. «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا بِعِزِّكُمْ اللَّهُ» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص. ۳۲۸) (بر شما باد به گذشت، زیرا گذشت نیفزاید برای بنده جز عزت، از هم بگذرید، خدا به شما عزت دهد).

مطالب گفته شده بر اهمیت عفو و بخشش دلالت می‌کند، فردی که گذشت و بخشش داشته باشد نشان‌دهنده این است که او از اراده‌ای قوی برخوردار است.

## ۲-۷. توکل

توکل به‌عنوان مهم‌ترین راه‌های تقویت اراده به شمار می‌آید، یکی از مواردی است که در فرد انگیزه ایجاد می‌کند و همچنین او را به تلاش و کوشش تشویق می‌کند. واژه توکل به این معناست که فرد، شخصی را در کارهای خود و کیل قرار دهد، حال طبق دیدگاه اسلام زمانی که فرد به خداوند توکل می‌کند در واقع امور خود را به خداوند می‌سپارد و او را پایه و اساس کارهای خود می‌داند (حقانی زنجانی، ۱۳۹۰، ص. ۳۹).

البته ناگفته نماند، توکل کردن به این معنا نیست که فرد از تلاش و کوشش دست بردارد و از قدرت اختیارش استفاده نکند، بلکه به این معناست که شخص به قدرت مادی و دنیوی خود محدود نشود و به آن اکتفا نکند؛ و نظر اصلی‌اش به لطف و محبت خداوند متعال باشد. فرد در انجام کارهایش نهایت تلاش و کوشش را می‌کند و در نهایت بر خداوند توکل می‌کند؛ و نتیجه آن را به خدا می‌سپارد. چرا که همین امر اعتماد به نفس فرد را در انجام کارهایش بالا می‌برد و در نهایت اراده فرد را تقویت می‌کند.

«وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بُدْئُوبِ عِبَادِهِ خَيْرًا» (فرقان ۵۷) «و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد؛ و تسبیح و حمد او را بجا آور؛ و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است»

آیه اشاره می‌کند به این که توکل کردن بر فرد ضعیف یا فانی یا جاهل عملی لغو و بیهوده است، چرا که فرد باید بر وجودی نامحدود و توانا که همان خداوند قدیر و بزرگ است توکل کند؛ همچنین توکل باید قلبی و با ذکر و نیایش عملی همراه باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص. ۲۷۴). اگر افراد به خداوند توکل کنند خداوند برایشان کافی است ولی اگر توکل آن‌ها با خلوص نباشد، چون خداوند بنده‌های خود را دوست دارد امید آن افراد به دیگری را به ناامیدی تبدیل می‌کند (باقری، ۱۳۸۹، ص. ۲۵). توکل در افراد باایمان سبب می‌شود که در هنگام مشکلات



باروحیه‌ای قوی و پایدار راه را ادامه دهند، زیرا وقتی فرد مؤمن وظایفش را به‌درستی انجام داده باشد دیگر برای نتیجه کار نگران نیست، چون نتیجه کار را به خداوند واگذار می‌کند تا هر آنچه خداوند برایش مقرر کرده و می‌پسندد همان شود و او در برابر آن راضی و تسلیم است (عالم زاده نوری، ۱۳۹۶، ص. ۳۳).

در یکی از آیات قرآن در رابطه با امر توکل آمده است: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق/۳) «و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!»

هر اراده و خواسته‌ای از تمام افراد یا حکومت‌ها ممکن است با شکست مواجه شود و درست پیش نرود، تنها اراده‌ای که دچار شکست نمی‌شود، اراده و خواست پروردگار است؛ بنابراین افراد در انجام کارهایشان به‌خاطر قدرت نامحدود الهی بر خداوند توکل می‌کنند، البته ناگفته نماند توکل کردن ما و قدرت بی‌پایان الهی به این معنا نیست که افراد به همه نیازها و خواسته‌هایشان می‌رسند؛ چرا که تمام رویدادهای جهان هدفمند است و طبق قانون و مقررات است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص. ۱۰۷).

## ۲-۸. صبر

یکی دیگر از راه‌هایی که در تقویت اراده مؤثر است صبر است؛ در آیات و روایات بسیار به آن اشاره شده است.

حال به آیات قرآن که در این رابطه آمده است اشاره می‌کنیم تا اهمیت این مسئله را در بیابیم: «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری/۴۳) «اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است!»

در آیه فوق عزم به معنای تصمیم گرفتن برای انجام کاری است، همچنین به اراده راسخ و پایدار اطلاق می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص. ۴۷۰)؛ بنابراین آیه بیان‌کننده این است که برای داشتن اراده‌ای راسخ و قوی باید صبر و شکیبایی داشته باشیم.

«وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران/۱۸۶) «و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است.»  
دو عاملی که همراه باهم به‌عنوان رمز پیروزی و موفقیت معرفی شده صبر و تقوا است، به‌گونه‌ای که استقامت داشتن بدون تقوا، در انسان‌های لجباز دیده می‌شود (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۶۶۹).

خداوند می‌فرماید: شخصی که صبور است، نشان‌دهنده این است که در انجام کارهایش اراده ثابتی دارد، بنابراین افراد باید سعی کنند که در امور مختلف زندگی شکیبا باشند تا بتوانند با عزم و اراده قوی و ثابت به زندگی‌شان ادامه دهند. با توجه به آیاتی که ذکر شد درمی‌یابیم: صبر یکی از عواملی است که در تقویت اراده و رشد و پرورش آن نقش به‌سزایی دارد؛ به‌گونه‌ای که اگر

بخواهیم فردی با عزم و اراده قوی باشیم، باید در ابتدا صبر داشته باشیم.

## ۲-۹. تزکیه نفس

تزکیه در قرآن از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که در سوره شمس بعد از ۱۱ بار قسم خوردن، تزکیه نفس را به‌عنوان تنها عاملی که در رسیدن به سعادت و رستگاری فرد اثر دارد می‌شناساند و فساد کرداری را به‌عنوان مبدأ بدبختی و سرچشمه ضرر و زیان معرفی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص. ۳۹).  
«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها» (شمس/ ۹) «بی‌تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد»

توضیحات فوق دال بر این است که اگر کسی می‌خواهد از گناهان خود را پاک کند و در نهایت از آن‌ها دور باشد باید اراده‌ای قوی و عزمی راسخ داشته باشد تا دیگر مرتکب گناه نشود؛ بنابراین نبرد با هواوهوس که یکی از راه‌های تقویت اراده است در تزکیه نفس فرد اثر مستقیم دارد، پس بین آن‌ها ارتباط مستقیمی وجود دارد به گونه‌ای که هوس ستیزی با تزکیه نفس و تقویت اراده رابطه مستقیم دارد، یعنی کسی که با هوای نفسش مبارزه می‌کند در واقع هم برای تزکیه نفسش تلاش کرده و هم موجب تقویت اراده‌اش می‌گردد.

آیات فراوانی از قرآن مجید به موضوع تزکیه نفس و مبارزه با هواوهوس اشاره می‌کند، از جمله: در سوره ص خداوند به حضرت داوود (ع) می‌فرماید: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ يَمَّا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/ ۲۶) «ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم به‌حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی به‌خاطر فراموش کردن روز حساب دارند!»

آیه تزکیه نفس را به‌عنوان وظیفه مهم و بزرگ یک حاکم عادل بیان می‌کند، چرا که هر جایی گمراهی باشد، اغراض نفسانی وجود دارد و هر جا که اغراض نفسانی هست سرانجام آن گمراهی خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص. ۲۶۳).

پس یک حاکم برای این که هم خودش به راه راست هدایت شود و هم جامعه‌اش را از انحراف دور کند باید یکسری ویژگی‌ها داشته باشد که یکی از مهم‌ترین آن ویژگی‌ها تزکیه نفس است؛ زیرا همین امر به نوبه خود سبب پاک‌سازی و دوری از رذائل اخلاقی می‌شود، جامعه‌ای که از هر گونه آلودگی به‌دور باشد نتایج خوبی در بردارد یکی از آن‌ها این است که: فرد دارای عزم و اراده‌ای راسخ و قوی می‌شود.

## ۲-۱۰. دعا و رازونیا

انسان‌ها برای اینکه غم و اندوه را از خود دور کنند و اراده قوی داشته باشند؛ به یک پشتیبان نیاز دارند،

دعا کردن و مناجات با خداوند سبب می‌شود که روزه‌های امید در دل فرد نمایان شود، البته ناگفته نماند دعا کردن به این معنا نیست که فرد در رسیدن به خواسته و هدف‌هایش هیچ تلاشی نکند و فقط دست به دعا شود، بلکه هدف این است که: فرد از تمام امکاناتش نهایت استفاده را داشته باشد و در رسیدن به آن تلاش کند، زمانی که فرد در مسیر رسیدن به اهدافش دچار مشکلی شد؛ آن موقع می‌توان دعا کند و با استعانت و پشتیبانی خداوند امیدوار باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص. ۶۳۹).

در ضمن جمله فوق به این معنا نیست که فقط در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها دعا کنیم، بلکه سعی کنیم بخشی از اوقات فراغت خود را به دعا کردن اختصاص دهیم (رضایی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۷).

در قرآن مجید، آیات متعددی به این موضوع اشاره دارد؛ از جمله:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَالْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/۱۸۶) «او هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند) و به مقصد برسند!»

در آیه‌ای دیگر از قرآن مجید آمده است: «... اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر/۶۰) «... مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم ...»

این امر علاوه بر اینکه سبب ایجاد آرامش در افراد می‌شود، در جنبش و حرکت‌های مغزی افراد یک نوع شکوفایی و گستردگی درونی و گاهی خوی شجاعت و رشادت را ترغیب و تشویق می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص. ۶۴).

در واقع دعا کردن به معنای کسب و کار نیست، چرا که به معنای توکل کردن به پروردگار توأم با تلاش است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۲۸۹). همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم توکل کردن به خدا عملی است که باعث تقویت اراده می‌شود، حال دعا کردن امری است که با توکل کردن به خدا هم همراه است؛ بنابراین دعا کردن عاملی قوی در تقویت اراده فرد به شمار می‌آید.

### ۳. راه‌های تقویت اراده در نظر راجرز، مازلو و ویکتور فرانکل

روان‌شناسان فوق به جایگاه و مقام انسان‌ها، ویژگی‌های برجسته آدمی از جمله: خلاقیت و ابتکار، قدرت اختیار و انتخاب، حرمت نفس و توانایی بالای انسان‌ها در حل مشکلات خود تأکید دارد که این موارد به اراده انسان‌ها ارتباط دارد، بنابراین برای داشتن جامعه سالم باید اراده افراد تقویت شود و این امر زمانی میسر می‌شود که راهکارهای درستی برای تقویت اراده به افراد ارائه شود. اکنون به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### ۳-۱. خود و خودشناسی

خودشناسی به‌عنوان مقدمه‌ای برای قوی شدن اراده، انسان‌ها در رسیدن به نیازهایشان است، به این صورت که اگر فردی خواهان به‌دست آوردن چیزی است باید در ابتدا خودش به دیگران



چیزی ببخشد، اگر احترام و حرمت می‌خواهد، ابتدا باید به خودش و دیگران احترام بگذارد، اگر می‌خواهد موقعیت و کارهایش را مطلوب‌تر کند، نباید پیرسد که رئیس برای من چه کارهایی را می‌تواند انجام دهد، بلکه باید بگوید خودم چه کاری را می‌توانم انجام دهم؛ زیرا اگر خود فرد نهایت تلاش و کوشش را که از توانش برمی‌آید برای خود انجام دهد و به امور نیک گرایش پیدا کند و همچنین اگر بیشتر از نیازهایی که از او درخواست کرده‌اند را انجام دهد، سرانجام نسبت به خود و توانایی‌هایش ایمان داشته باشد، مطمئناً موفق خواهد شد (رومن، ۱۳۷۹، ص. ۲۳۳).

یکی از بنیادی‌ترین بخش‌ها که در انسان‌ها قابل تغییر است، بخش خودآگاهی آن‌هاست، چرا که هرچقدر انسان‌ها بهتر و بیشتر خودشان را بشناسند و از ویژگی‌های خود آگاه باشند، سبب می‌شود که اعتماد به نفس آن‌ها افزایش یابد که این‌ها زمینه‌ای برای افزایش قدرت اراده انسان‌ها و رابطه بهتر و مؤثرتر آن‌ها با دیگران است (رادفر، ۱۳۸۷، ص. ۸۹).

در روان‌شناسی به آگاه شدن انسان‌ها از ضعف و قوت‌هایشان «خویشتن‌پذیری مطلوب» گفته می‌شود، خویشتن‌پذیری مطلوب یعنی خود را به طور صحیح درک کنیم (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۹).

دیدگاه افرادی چون راجرز و مازلو در مکتب انسان‌گرایی حاکی از این است که خود در وجود همه انسان‌ها به صورت فطری وجود دارد؛ اما اینکه این خود را چگونه بارور و پرثمر کند به عوامل مختلفی از جمله شرایط و موقعیت فرد بستگی دارد، هرچقدر فرد در کشف خود و رسیدن به خودشناسی تلاش کند به تدریج اراده‌اش قوی‌تر می‌شود، در واقع اشخاصی که به خودشناسی رسیده‌اند دارای عزم و اراده‌ای قوی هستند، زیرا توانایی‌ها و استعداد‌های خود را کشف کرده‌اند و همین امر سبب می‌شود در مواقعی که نیاز دارند از آن‌ها استفاده کنند و در نهایت در رسیدن به هدف‌هایشان موفق می‌شوند (مازلو، ۱۳۷۴، ص. ۲۰۹).

ویکتور فرانکل عقیده دارد: «تعالی خود» از جمله نیازهای مهم آدمی است، او می‌گوید: اگر این تعالی خود محقق نشود سبب می‌شود که گوهر وجود آدمی از بین رود (ویکتور فرانکل، ۱۳۸۳، ص. ۴۴).

### ۲-۳. تلقین مثبت

تلقین از جمله راه‌هایی است که در تقویت اراده بسیار مؤثر است، فرد باید به خود تلقین کند که قدرت و اراده انجام کارها را دارد که با این عملش شکست دیگر معنا و مفهومی ندارد (ژاگو، ۱۳۸۰، ص. ۱۱۶).

برای تقویت اراده افراد ضعیف و ناتوان در انجام کارهایشان راهکارهایی وجود دارد، یکی از این راهکارها یادداشت کردن تلقین‌هاست، یعنی فرد به جای اینکه مدام در ذهنش آن‌ها را تکرار کند، بهتر است آن‌ها را بنویسد؛ مثلاً جملاتی از قبیل توانایی‌های من هر روز بیشتر می‌شود؛ زیرا وقتی فرد این جمله را چندین مرتبه می‌نویسد این حرکت نوشتن به صورت غیرارادی به ناهشیاری فرستاده می‌شود، حرکت کردن مکرر دست و اثرات دیدن این کلمات تکراری سبب تلقین به اندیشه می‌شود (ژاگو، ۱۳۹۵، ص. ۵۶).

### ۳-۳. هدف

تعیین هدف از جمله اساسی‌ترین راه‌ها در امر تقویت اراده است، تحقیقات نشان داده است افرادی که دارای الگوی مشخص در زندگی خود هستند، موفق‌تر و سعادتمندتر از کسانی هستند که بدون الگو یا نقشه، تصمیم به انجام کاری می‌گیرند (آنتونی، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۶).

یکی از مشکلاتی که در میان افراد جامعه وجود دارد، این است که اهدافشان را به درستی مشخص نکرده‌اند، زیرا امروزه بیشتر اشخاص مخصوصاً جوانان بدون اینکه تشخیص دهند چه توانایی‌هایی در خود می‌یابند تا برحسب آن هدفشان را مشخص کنند، به اطرافیان‌شان نگاه می‌کنند و آن را از دیگران تقلید می‌کنند، حال در این مسیر اکثر افراد از نتیجه تصمیم خود خشنود نیستند چون این اهداف را برحسب توانایی‌هایشان انتخاب نکرده‌اند که در نهایت همین امر سبب می‌شود فرد خود را شخصی ضعیف و ناتوان بداند به گونه‌ای که اراده فرد ضعیف می‌شود.

هدف یکی از مهم‌ترین عوامل برای تشخیص و گزینش راه و روش اعمال و رفتار انسان‌هاست، زیرا اراده توسط هدف تحریک می‌شود و تمام سرشت و فطرت انسان‌ها را به هم ارتباط می‌دهد. (آنتونی، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۰)

مازلو بر این باور است: انسان‌ها نیازهای متعددی دارند که رأس آن‌ها نیاز به خودشکوفایی است، بنابراین هر شخصی که می‌خواهد به اهدافش برسد ابتدا توانایی‌ها، استعدادها و همچنین نقاط ضعف خود را شناسایی کند و بر اساس آنچه شایستگی‌اش را دارد می‌تواند اهداف را شناسایی و برای رسیدن به آن‌ها تلاش کند.

دو واقع فرارنگل اراده معطوف به معنا را به‌عنوان اصلی برای شخصیت سالم افراد مشخص کرده است، اگرچه این امر یک مسئولیت بزرگ و سنگین است و سبب فزونی کشمکش درونی می‌شود، درواقع فرد سالم همیشه برای رسیدن به هدف‌هایش تلاش می‌کند؛ البته فرد سالم هر چیزی را به‌عنوان هدف خود نمی‌داند، بلکه او به دنبال اهدافی می‌رود که به‌وسیله آن‌ها زندگی‌اش معنا پیدا می‌کند (فرانکل، ۱۳۹۰، ص. ۹۸).

اگرچه فرانکل نظریه مازلو را موردنقد قرار داده است و عقیده دارد که در نظریه مازلو بین اهداف و وسیله تفاوت بارزی وجود ندارد و به‌احتمال زیاد اختلاط میان این دو، دیدگاه را از مسیر اصلی خود بیرون می‌کند، او می‌گوید: ابتدا فرد باید به جایگاه مطلوب زندگی برسد (نیازهای پایین را برآورده کند) و سپس برای رسیدن به معنای والای زندگی تلاش کند، زیرا برآورده کردن هیچ کدام از خواسته‌ها نمی‌تواند زندگی را معنادار کند، سپس درمی‌یابیم: هیچ‌یک از آن‌ها هدف محسوب نمی‌شود، بلکه وسیله‌ای در جهت رسیدن به اهداف یا معنای حقیقی زندگی هستند (فرانکل، ۱۳۹۰، ص. ۷۹).

### ۳-۴. قدرت تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری امری است که از جمله بخش‌های مهم زندگی به حساب می‌آید، افراد بایستی در

امور زندگی خود تصمیم‌گیری کنند تا موفق شوند، آن چیزی که باعث می‌شود فرد به موفقیت برسد علم و هوش او نیست بلکه اراده قوی، مصمم و تلاش و پشتکار فرد در انجام آن کار است، زیرا افراد پیروز از سرانجام کار خود نمی‌ترسند، چون اگر موفق نشوند آن را به‌عنوان آغازی برای موفقیت خود می‌دانند؛ آن‌ها از خطاهایی که مرتکب می‌شوند تجربه می‌گیرند (شریف‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۹).

راجرز بر این باور است که انسان‌های کامل در زندگی، درست تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند، زیرا هم از قوه هوش و تفکر خود استفاده می‌کنند و هم با عملکرد «ارزش‌گذاری ارگانسمی» در ارتباط هستند، یعنی فرد زمانی درست تصمیم‌گیری می‌کند و کارهایش را انجام می‌دهد که علاوه بر بهره‌بردن از هوش و منطق و درک خود همچنین از تجربه‌هایش به‌صورت ارگانسمی، آزادانه استفاده می‌کند (شکرکن، ۱۳۸۴، ص. ۴۴۹).

مازلو بر این باور است که فقط یک درصد انسان‌ها به مرحله خودشکوفایی می‌رسند، زیرا تا مراحل قبلی انجام نشود، نمی‌توان به مرحله بعدی رسید، بنابراین مازلو می‌گوید: باید انسان‌ها طبق هرم نیازهایشان را تأمین کنند و تا نیازهای پایه را تأمین نکنند، وارد شدن به مراحل بعدی امکان‌پذیر نیست، یعنی فرد زمانی می‌تواند به مرحله تصمیم‌گیری در کارهایش برسد که نیازهای قبلی را تأمین کرده باشد (مازلو، ۱۳۷۴، ص. ۲۶۷). در واقع از این جمله مازلو برداشت می‌شود که فرد قبل از تصمیم‌گیری باید مراحل خودشناسی، تعیین هدف و... را طی کرده باشد.

بر طبق نظریه فرانکل گرایز و تجربه‌های دوران کودکی عواملی هستند که در مسیر رسیدن فرد به آزادی روحانی قرار دارند، اما باید توجه داشته باشیم که این گرایز فقط پیشنهاد می‌دهند و آنچه تصمیم می‌گیرد (من) است؛ پس خود فرد تصمیم می‌گیرد، تحلیل می‌کند و در نهایت با اراده آزاد خود انتخاب می‌نماید، (من) مجسم‌کننده اراده برای فرد تصمیم‌گیرنده است که به پویایی و فعالیت غریزه نیاز دارد، در واقع (من) هیچ‌وقت از بین نمی‌رود؛ برای مثال: قایق‌رانی فقط به این نیست که اجازه دهیم باد به هر طرف که می‌خواهد، قایق را براند، بلکه هنر و خلاقیت قایق‌رانی در این است که نیرو و قدرت باد را برای به حرکت در آمدن قایق برخلاف جهت حرکت باد پیش ببرد (فرانکل، ۱۳۶۸، ص. ۱۶۵).

فرانکل بر این باور است: اگرچه عوامل مختلفی مانع از تصمیم‌گیری فرد می‌شود، اما فرد با توجه به مقام و جایگاه انسانی‌اش همواره از موضع تصمیم‌گیری برخوردار است. پس می‌توان گفت آنچه در امر تصمیم‌گیری مهم است فرایند آن است، اینکه فرد ابتدا اهدافش را مشخص کند و سپس جوانب کار را بررسی کند و در نهایت تصمیم‌گیری کند و برای رسیدن به اهدافش تلاش کند، سیر طی کردن این مراحل توسط یک فرد دارای اراده قوی که برای رسیدن به اهدافش تلاش می‌کند، عملی می‌شود ولی فردی که بدون مشخص کردن هدف و تحلیل کردن، تصمیم‌گیری می‌کند دارای ضعف اراده است و در نهایت تصمیمش ممکن است به نتیجه صحیحی منتهی نشود.



### ۳-۵. احترام به خود

احترام امری است که سبب می‌شود: فرد احساس باارزش بودن کند، احترام به قدری مهم است که جوانان، برای حضور در جامعه ابتدا باید مقبول خودشان باشند و به خود احترام بگذارند و بعد از آن مورد قبول و احترام جامعه باشند، این امر سبب بالارفتن ارزش فردی و اجتماعی آن‌ها می‌شود و در نهایت سبب افزایش اعتماد به نفس و قدرت اراده آن‌ها می‌شود (شرفی، ۱۳۹۱، ص. ۴۶) یکی از مرحله‌های هرم مازلو احترام است و این بر اهمیت موضوع احترام تأکید دارد. مازلو می‌گوید: تمام افراد (به جز بعضی بیماران) به یک سنجش ثابت و عالی از خود به نام «احترام به خود» یا «عزت نفس» و «احترام به دیگران» نیاز دارند، وقتی که نیاز به احترام ارضا شود، سبب به وجود آمدن ارزش، لیاقت، قدرت و مفید بودن در جامعه می‌شود، اما بی‌توجهی نسبت به آن سبب ایجاد احساساتی از جمله کوچک شدن، ضعف و ناتوانی می‌شود (کاوایی، ۱۳۹۰، ص. ۹۱).

مازلو درباره اهمیت احترام و حرمت به نفس می‌گوید: پایدارترین و صحیح‌ترین حرمت به نفس بر احترامی که از طرف دیگران به دست می‌آید بناست، نه به تعریف و تکریم بی‌مورد دیگران و شهرتی که به صورت ظاهری به دست آمده باشد. حتی بهتر است، لیاقت و کارکرد حقیقی را که بر اساس عزم و اراده و تعهد قرار دارد از هر آنچه به صورت طبیعی و به راحتی از فطرت و سرشت انسان‌ها (خود واقعی) سرچشمه می‌گیرد، متمایز بدانند (مزلو، ۱۳۷۲، ص. ۱۶۵).

راجرز می‌گوید: «نیاز به توجه مثبت و حرمت نفس مثبت به فرایند خودشکوفایی وابسته است.» یعنی زمانی که خودپنداره فرد شکل می‌گیرد این خواسته و نیازها در دوران کودکی به وجود می‌آید، کودکان در آن دوران نیاز دارند که از طرف پدر و مادر و همچنین اشخاص مهم مورد توجه و تأیید قرار گیرند، دوستشان داشته باشند و نوازششان کنند، در نهایت راجرز، رشد نهایی را در «تجربه کردن و داشتن حرمت نفس مثبت نامشروط» می‌داند که به آن «وضعیت ایده آل خودپذیری کامل» می‌گویند (لان‌دین، ۱۳۸۳، ص. ۳۱۷).

فرانکل بر این باور است که اموری مانند ستایش خداوند، اثرات هنری، عشق به خانواده و احترام به دیگران روش‌هایی هستند که هر شخصی می‌تواند از طریق آن‌ها با امور ارزشمند ارتباط برقرار کند و در نهایت زندگی خود را معنادار کند (محمدپور یزدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۴).

### ۴. بررسی تطبیقی تقویت اراده در قرآن با نظریه‌های راجرز، مازلو و ویکتور فرانکل

در قرآن و نظریه‌های روان‌شناسان ذکر شده راه‌های بسیاری برای تقویت اراده آمده است که فقط به تعدادی از آن‌ها اشاره شد، بر طبق دو دیدگاه، اراده اصلی مهم در موفقیت انسان‌ها برای رسیدن به اهدافشان است، اگرچه دو دیدگاه در بعضی موارد و به صورت کلی نسبت به همدیگر شباهت دارند، اما در اصول جزئی بسیار اختلاف است، حال در رابطه باینکه این اصل اراده از چه زمانی در فرد به وجود می‌آید؟ نقش آن در زندگی انسان‌ها به چه صورت است؟ اراده در افراد امری مطلق است یا نسبی؟ و همچنین اصل مهم که راهکارهای تقویت اراده است، در هر دو دیدگاه مطالبی بیان شده که نیاز به تحلیل و بررسی دارد. از جمله نکات مشترک بین دو دیدگاه این است که هر دو دیدگاه به کرامت و مقام برتر انسان‌ها تأکید دارند،

هر دو دیدگاه معتقدند که انسان‌ها در مقابل انتخاب‌ها و تصمیم‌هایی که می‌گیرند، مسئول هستند. با وجود اشتراکات فوق، تفاوت‌هایی بین این دو دیدگاه وجود دارد:

۱. در قرآن محور اصلی همه فعالیت‌های آدمی خداوند است، در حالی که در دیدگاه روان‌شناسان محور اصلی خود شخص است، همان‌گونه که نظریه راجرز، نظریه‌ای خودمحور است.

۲. قرآن بیان می‌کند که آزادی اراده انسان‌ها امری مطلق نیست، بلکه نسبی است. به این صورت که انسان‌ها اعمالشان را در چارچوب قوانین الهی انجام می‌دهند، هر چند این امر نفی‌کننده آزادی اراده انسان‌ها نیست، بلکه بیان می‌کند که انسان‌ها در آزادی اراده خود دارای محدودهای هستند که خداوند ناظر بر اعمال و افعال آن‌هاست. در حالی که در نظر روان‌شناسان اراده انسان‌ها امری مطلق است که از هرگونه قیدوبندی خالی است، به گونه‌ای که انسان‌ها می‌توانند هر فعلی را که بخواهند با اراده آزاد خود انجام دهند.

۳. در نظریه راجرز آمده است که سرشت انسان‌ها نیک است، به گونه‌ای که اگر به فرد آزادی مطلق بدهیم و او را رها کنیم، می‌تواند رشد و ترقی کند و در مسیر درست وارد شود، بدون اینکه به شخص دیگری نیازمند باشد، او عقیده داشت: پدر و مادر، معلم و اجراکنندگان قانون از جمله افرادی هستند که در امر پیشرفت و رشد آدمی دخالت می‌کنند و با این عملکرد سبب ایجاد مشکلاتی در رسیدن انسان‌ها به اهدافشان می‌شوند و مازلو هم با او هم عقیده بود، در حالی که در قرآن آمده است: انسان‌ها به خاطر وجود اشتباهات عقلی و محدودیت‌ها نمی‌توانند به کمال برسند و شیوه رسیدن به آن‌ها را پیدا کنند، بنابراین اگر خداوند راه رسیدن به کمال و آگاهی از هدف آفرینش را به انسان‌ها نشان نمی‌داد، آفرینش امری بیهوده می‌شد، پس خداوند پیامبران را برای هدایت انسان‌ها مبعوث کرده تا به رشد و کمال برسند (نصری، ۱۳۷۶، ص. ۵).

ویکتور فرانکل معتقد بود: خداوند در چگونه زندگی کردن انسان‌ها نقشی ندارد در حالی که منبع به تعالی رسیدن در قرآن خداوندی است که دارای ویژگی‌های بی‌شماری از قبیل عظمت، باندیر، ناظر و ... می‌باشد و قرآن برنامه زندگی هدایت انسان‌هاست.

مازلو به نقش محیط، وراثت و همچنین دوران کودکی در تعیین سرنوشت افراد توجه دارد، ولی معتقد است که خود فرد در مشخص کردن سرنوشتش نقش اصلی و مهم را دارد همچنین عقیده داشت: انسان‌ها زمانی که تلاش می‌کنند تا استعدادهایشان شکوفا شود، به کمال می‌رسند، در واقع او می‌گوید شکوفاندن توانایی‌ها برابر است با به کمال رسیدن.

ویکتور فرانکل می‌خواهد برای درمان بیماران روانی خود از هر روش و معنایی که برای فرد قابل پذیرش است استفاده کند، حتی اگر نادرست باشد، اما قرآن می‌خواهد: خود فرد معنای زندگی‌اش را پیدا کند و زندگی را همان‌گونه که هست، بیابد نه فریب آن را بخورد.

ویکتور فرانکل عقیده داشت که همه انسان‌ها در مقابل کارهایی که انجام می‌دهند مسئول هستند و برعهده خودشان است که مشخص کنند به چه چیزی و یا چه شخصی جواب بدهند، در حالی که در قرآن آمده است: اگرچه همه افراد در مقابل وظایف و کارهایی که انجام می‌دهند، مسئول هستند اما وظیفه‌دارند در برابر این مسؤولیت‌ها به خداوند پاسخ دهند.

ویکتور فرانکل می گوید: اگر افراد فناپذیر بودند دیگر برای رسیدن به اهدافشان تلاش نمی کردند و باعث می شد که فعالیت‌ها و کارهایشان را به تعویق اندازند، بنابراین با توجه به این که فرد پایانی مطلق دارد و آن پایان مرگ است، باید از فرصت‌های زندگی اش نهایت بهره را ببرد و وقت خود را هدر ندهد، چرا که همین امر در تقویت اراده فرد بسیار مؤثر است، حال آن که در قرآن هم به این مسئله «فناپذیری» بسیار تأکید شده و بیان می کند: دنیا و زندگی کردن در آن مقدمه‌ای برای زندگی آخرت است، در حقیقت ارزش و اعتبار این دنیا به قدری است که به مثابه مسیری برای رسیدن ما به آخرت است، بنابراین هدف زندگی کردن در دنیا، کسب آمادگی فرد در دنیا برای استنباط نعمت‌ها و رحمت‌های الهی یا عقوبت می باشد (خسروی، ۱۳۸۹، ص. ۶۵). اگرچه خودشناسی در دو دیدگاه باهم تفاوت‌هایی دارند، اما آن گونه هم نیست که آن‌ها را در مقابل یکدیگر قرار دهیم، در واقع آن‌ها در اصول و پایه به طور کلی دیدگاهی شبیه هم دارند، ولی خودشناسی در نظریه مازلو و راجرز آنجا که مرحله تازه‌ای شروع می شود، در وسط راه متوقف می شود، ولی در قرآن به افق‌های بالاتری از خودشناسی توجه شده است، و ویکتور فرانکل هم به فراتر از خود در رشد و کمال فرد بسیار اهمیت می دهد.

### نتیجه‌گیری

هدف از تقویت عزم و اراده انسان‌ها در قرآن علاوه بر شکوفایی استعدادها و توانایی‌های آدمی رسیدن به مقام قرب الهی است، از نظر قرآن انسان توانمندی‌های نامحدود دارد و به سوی خداوند در حال حرکت است، در حالی که در به توانمندی‌های شناخته شده انسانی توجه می شود. در قرآن انسان اشرف مخلوقات است و دارای ویژگی‌هایی است که دیگر موجودات از آن بی بهره‌اند و اعمال عبادی و اخلاقی مهمی بر تقویت اراده انسان‌ها تأثیر گذار است که اگر فرد آن‌ها را انجام دهد، دیگر عوامل را نیز پوشش می دهد؛ راهکارهای تقویت اراده در قرآن که شامل: نماز، روزه، جهاد، دوری از گناه، تقوا، توکل، صبر، تزکیه نفس، دعا و راز و نیاز با خداست نسبت به موارد ذکر شده است، حال آن که در نظر روان شناسان به اعمال عبادی جهت تقویت اراده اشاره‌ای نشده است و به تمرین‌های کاربردی اراده چون ضرورت خودشناسی، تلقین مثبت، هدف گذاری و احترام به خود تأکید کرده و عواملی چون وراثت، محیط، خانواده و... نقش کم‌رنگی در تقویت اراده دارند. مطالعات نشان می دهد که نظریه ویکتور فرانکل به دلیل تأکید به لزوم معنایابی در زندگی - احساس مسئولیت در زندگی - لزوم تلاش و استفاده از فرصت‌های زندگی نسبت به راجرز و مازلو کامل تر و وسیع تر است و شباهت زیادی با دیدگاه قرآن نسبت به دو دیدگاه دیگر بیشتر است.

### منابع

قرآن

نهج البلاغه

ابن منظور، محمد بن کرم (۱۴۰۴ ق). لسان العرب، محقق/مصحح: هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.  
ابن بابویه. محمد بن علی (۱۳۶۷ ش). توحید صدوق، بی جا، تهران: نشر صدوق.

- امینی، ابراهیم (۱۳۸۸ ش). آشنایی با اسلام، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).  
آنتونی، رابرت (۱۳۷۶ ش). رموز اعتماد و اتکاء به نفس، مترجم: اسماعیل کیوانی، تهران: انتشارات گلریز.  
باقری، محمد مهدی (۱۳۸۹ ش). مهارت‌های زندگی، مشهد: آستان قدس رضوی.  
جبران، مسعود (۱۳۷۲ ش). فرهنگ‌های الفبایی الراءد، مترجم: رضا انزابی نژاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.  
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۶۸ ش). تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دارالعلم ملایین.  
حقانی زنجانی، حسین (۱۳۹۰ ش). «توکل از دیدگاه قرآن»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۲۷۷.  
خسروی، حسین (۱۳۹۰ ش). پایان‌نامه «بررسی نقش وراثت، محیط و اراده در تربیت با استناد به نهج البلاغه»،  
دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بیرجند، ایران.  
خسروی، حسین، اسلامی، سهراب (۱۳۸۹ ش)، تمایز عالم ملک و ملکوت از نگاه قرآن و روایات، فصلنامه  
علمی-پژوهشی علوم اسلامی، ش ۱۹.  
دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵ ش). لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.  
راجرز، کارل (۱۳۹۰ ش). هنر انسان شدن، مترجم: مهین میلانی، تهران: فرهنگ نشر نو.  
رادفر، صادق و همکاران (۱۳۸۷ ش). راهنمای تجربی مهارت‌های زندگی برای نوجوانان، تهران: موسسه تحقیق  
پزشکی و ترانس.  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن کریم، محقق: صفوان عدنان داوودی،  
بیروت: دار الشامیه.  
رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۵ ش). پرسش‌های قرآنی جوانان، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.  
رومن، سانایا (۱۳۷۹ ش). فتح گنج، مترجم: گیتی خوشدل، تهران: نشر بیکان.  
زمخشری، جارالله محمود (۱۳۹۷ ش). أساس البلاغه، القاهرة: دارالکتب و الوثائق القومیه.  
ژاگو، پل (۱۳۸۰ ش). غلبه بر کم رویی، مترجم: حسین بنی احمد، تهران: ققنوس.  
ژاگو، پل (۱۳۹۵ ش). قدرت خود تلقینی: روشی کاربردی برای دستیابی به ثبات شخصیت، آرامش، روشن بینی  
و تسهیل درمان بیماری‌ها، مترجم: نیلوفر خوانساری، تهران: ققنوس.  
سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۲ ش). رفتار اخلاقی انسان با خود، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.  
سقا، فرشته (۱۳۹۱ ش)، پایان‌نامه «نقش اراده انسان در تحقق آینده موعود از منظر قرآن و مقایسه آن با نظریه  
پایان تاریخ»، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده الهیات، تهران، ایران.  
سلطانی، غلامرضا، (۱۳۷۸ ش). تکامل در پرتو اخلاق، قم: دفتر انتشارات اسلامی.  
شرفی، محمدرضا (۱۳۹۱ ش). جوان و نیروی چهارم زندگی؛ اراده خودساز شخصیت، تهران: سروش.  
شریعتمداری، جعفر (۱۳۷۴ ش). شرح و تفسیر قرآن بر اساس تفسیر نمونه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی  
آستان قدس رضوی.  
شریف‌زاده، یوسف و همکاران (۱۳۹۵ ش). مهارت تصمیم‌گیری، مشهد: بی‌نا.  
شکر کن، حسین و همکاران (۱۳۸۴ ش). مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن، تهران: انتشارات سمت.  
صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳ ش). شرح اصول کافی، مترجم: مصحح: محمد خواجوی، تهران:



- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ ش). تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ ش). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- عمید، حسن (۱۳۷۱ ش). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرانکل، ویکتور امیل (۱۳۸۳ ش). فریاد ناشنیده برای معنا، مترجم: مصطفی تبریزی، علی علوی نیا، تهران: انتشارات فراوان.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۳۵۲ ش). قاموس المحيط، القاهرة: المطبعة المصریه.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۶ ش). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قویدل، مصطفی (۱۳۸۳ ش)، «جهاد و مجاهدان در قرآن»، نشریه پاسدار اسلام، ش ۲۷۴.
- کارل، الکسیس (۱۹۸۰ م). الانسان ذلک المجهول، مترجم: شفیق اسعد فرید، بیروت: مکتبه المعارف.
- کاویانی، محمد، محمدرضا کریمی، (۱۳۹۰ ش)، «منابع انگیزش اخلاقی با رویکرد تطبیقی بین دیدگاه علامه طباطبایی و مازلو»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۹.
- کلانتری، مهرداد؛ مانی، مهنوش؛ نجفی، زهره (۱۳۹۴ ش). «بررسی دیدگاه‌های روان‌شناختی عطار بر اساس مکتب انسان‌گرایی با رویکرد میان‌رشته‌ای»، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ش ۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۵ ش). اصول کافی، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، گروه محققان (۱۳۸۹ ش). دفتر نهم (پرسش‌ها و پاسخ‌های برگزیده ویژه ماه مبارک رمضان) پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، قم: دفتر نشر معارف.
- لان‌دین، رابرت ویلیام، (۱۳۸۳ ش)، نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی؛ تاریخ مکتب‌های روان‌شناسی، مترجم: یحیی محمدی، چ سوم، تهران: بی‌نا.
- مزلو، آبرهام اچ، (۱۳۷۲ ش)، انگیزش و شخصیت، مترجم: احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۳ ش). جهاد با نفس، قم: فدک فاطمی.
- مظاهری، حسین (۱۳۸۹ ش). سیر و سلوک، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات الزهراء (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸ ش). چهل حدیث، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۱ ش). قرآن و روان‌شناسی، مشهد: آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۹۸۱ ش). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دارالفکر.
- نصری، عبدالله (۱۳۷۶ ش). تکامل انسان؛ هدف بعثت انبیا، مجله کتاب نقد، ش ۲ و ۳.
- نیک صفت، ابراهیم (۱۳۷۸ ش). انسان از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات پیام نور.
- فرانکل، ویکتور؛ امیل، ویکتور (۱۳۸۳ ش). فریاد ناشنیده برای معنا، مترجم: مصطفی تبریزی، علی علوی نیا، تهران: انتشارات فراوان.
- وینست پیل، نورمن (۱۳۹۰ ش). معجزه اراده، مترجم: وحیبه آذر، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.





# The Will and Ways to Strengthen it from the Perspective of the Qur'an and the Humanist School in Psychology

**Ma'sumah Qanbarpoor:** Assistant Professor, University of Sciences and Education of Holy Quran, Department of Quranic Study, Khoy, Iran

**Shahin Nalbandi GooyAqaj<sup>1</sup>:** Master of University of Sciences and Education of Holy Quran, Department of Quranic Study, Khoy, Iran

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 13. No. 1, March\_ September 2022, pp 97 -120**

**Date of Receiving the Paper: 9, August, 2021**

**Date of Acceptance: 22, December, 2021**

## Abstract

In today's world, willpower is one of the efficiency factors in different dimensions of life, which increases the exposure to mental challenges and causes the growth and development of personal and work life. This issue is considered one of the basic issues of humanistic psychology, which is used to strengthen human self-awareness. On the other hand, the study of the verses of the Quran shows that a large number of verses are related to the will and ways to strengthen it. In the current research, it has been tried to express the necessary solutions in the matter of strengthening people's will by the analytical-descriptive method and by referring to the verses of the Quran and the theory of psychologists of the humanist school. From the point of view of the Qur'an, man is the best of God's creations and is moving towards God with infinite capabilities. Human talents flourish only in the path of divine approach; Therefore, according to the Qur'an, factors such as divine piety, jihad, fasting, prayer, patience, self-cultivation, etc. strengthen human will and movement. But the humanist school only pays attention to the known human capabilities and takes steps to strengthen the will to reach those capabilities. According to the humanist school, things such as self-knowledge, positive indoctrination, goal setting, determination, decision-making power, and self-respect influence human will.

**Keywords:** Quran, psychology, strengthening of will, human, school of humanism.

---

1. Corresponding Author: Shnalbandi1374@gmail.com.



# An Analytical Study of the Rights of Future Generations from the Perspective of the Holy Quran

**Mustafa Karamipour**<sup>1</sup>: Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Al-Mustafa Al-Alamiya University, Qom, Iran.

**Aadel Sarikhani**: Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 13, No. 1, March\_ September 2022, pp 85-96**

**Date of Receiving the Paper: 24, June, 2021**

**Date of Acceptance: 11, November, 2021**

## **Abstract**

One of the topics of intergenerational justice is the rights of future generations, whereby the divine gifts that have been inherited from the previous generation to the current generation are transferred to the next generation, and each generation has the right to use divine gifts; This means that nature and the resources in it belong to all people and generations and were created to meet their needs, and there is no evidence that divine gifts belong to the current generation and their superiority to future generations. The verses of the Holy Qur'an contain important teachings in this field, and the general Qur'anic speeches are based on the fact that what is in the heavens and the earth belongs to all humans in every generation. Because the divine verses are expressed in the form of true cases, in addition to the current generation (the existing ones), it also includes the future generation (the absent ones) and emphasizes the necessity of protecting the rights of the future generations and divine gifts. In addition to paying attention to the spiritual dimension, the Quran has encouraged humans to respect the rights of future generations and has established principles and rules to protect this matter. This article seeks to deal with the rights of future generations in the Holy Quran with a descriptive and analytical method.

**Keywords:** Rights, Current Generation, Future Generation, Divine Gifts, Holy Quran.

---

1. Corresponding Author: mmkpour@yahoo.com.



# Analysis of Educational Methods of Dealing with Children based on Surah Yusuf; a Qualitative Study

**Fatima Farhadyan**<sup>1</sup>: Master of General Psychology, Department of General Psychology, University of Raqib, Isfahan, Iran

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 13, No. 1, March\_ September 2022, pp 67-84**

**Date of Receiving the Paper: 20, January, 2022**

**Date of Acceptance: 6, March, 2022**

## **Abstract**

Educational methods are one of the most important parts of the Islamic educational system in which the instructor uses a translator from the current situation to the desired one. In this study, content analysis method was used to extract the themes of child-rearing methods in Surat Yusuf, which, due to the nature of the topic and the limitations of the research community, were removed from the sampling and the whole analytic community was studied. The results showed that cultivation methods with 51% had the highest frequency, field methods with 28% and insight methods with 21% had the least frequency. According to the findings, reflection and role playing methods play a major role in nurturing virtues and refining syntactic vices, and affection and reverence methods provide more effective grounding for educational growth, and sermons and reminders play an important role in translational insight.

**Keywords:** Educational Method, Surah Yusuf, Insight method, Tendency method, Action method.

---

1. Corresponding Author: f.farhadyan.169@gmail.com.



# Proving the scientific miracle of the verse A'raf :189 and using it in explaining the topic of fertilization of sperm and ovule in 11th grade biology textbook

**Sina Aghaei**<sup>1</sup>: M.S of plant physiology, University of Gilan, Teacher of School in Chaboksar, Gilan, Iran

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 13, No. 1, March\_ September 2022, pp 49-66**

**Date of Receiving the Paper: 27, October, 2021**

**Date of Acceptance: 9, February, 2022**

## **Abstract**

In the scientific interpretation of the Qur'an, the verses whose miraculous aspects are examined are more important. The miracle of the Quran is one of the favorite topics of commentators and religious researchers in the present era; Because by means of it, the truth of this divine religion can be proved. The presentation of religious topics, especially the miracles of the Qur'an, in the classroom can also be of great help in attracting students to religious education. So far, various scientific points from the verses of the Holy Quran have been discovered in connection with the topic of human creation. In this research article, based on library sources, a comparative comparison is made between the opinions of commentators, linguists and embryologists about verse 189 of Surah Al-A'raf, and using solid reasons, it is shown that the Quran tells a secret about the way in which the egg is contained by the sperms, fertilization between Their nucleus and zygote formation is mentioned. It should be mentioned that we have used the materials related to the subject mentioned in the 11th grade biology textbook for the purpose of effective and attractive teaching, so that students can be introduced to Quranic concepts through it.

**Keywords:** Miracles of the Qur'an, sperm, Ovule, fertilization, 11th grade biology textbook.

---

1. Corresponding Author: Hadisnow@gmail.com.



# Tactics of the enemy's infiltration into the Islamic society from the perspective of the Holy Quran

**Morteza Soltani**<sup>1</sup>: PhD Student of Quran and Hadith Studies, Faculty of Theology, University of Imam Sadiq (pbuh), Tehran, Iran

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 13, No. 1, March\_ September 2022, pp 29-48**

**Date of Receiving the Paper: 12, September, 2021**

**Date of Acceptance: 20, February, 2022**

## **Abstract**

The influence of foreigners and enemies in the land and thought of Muslims has precedents in the history of Islam. Since the beginning of Islam, hypocrites, people of the book and other enemies of religion have been trying to find an opening in any way to influence the beliefs, culture, economy, etc. of the Islamic society. Enemies, when they do not see in themselves the power of military and direct confrontation, try to take full advantage of the weak points of Muslims and make the best use of them for their nefarious purposes. In other words, the influence of the enemy mostly refers to their imperceptible and secret tactics to carry out their conspiracy, but in the meantime, the Holy Quran has dealt with the problem of influence and its types with a special look. The studies carried out showed that in the Holy Quran, the use of spies, intimate relations with foreigners, spreading rumors, propaganda and inducing suspicions, exile or physical removal of religious leaders of the society, assassination of leaders, deceiving Muslims by pretending to be friends, revealing the secrets of Muslims, Incorrect understanding of moral virtues, creating economic bottlenecks, abusing legitimate figures in society, disobeying the orders of the leader of society, destroying cultural centers and infiltrating them, psychological warfare and putting the masses of people in intellectual weakness are the most efficient tools and tricks of the enemy to It is an influence that is collected in detail in this article.

**Keywords:** Infiltration, Infiltrator, Enmity, Aliens, Conspiracy, Soft War.

---

1. Corresponding Author: mashmorteza313@gmail.com.



# The Correspondence between Quranic Expressive Approaches and Modern Western Art Schools In Virtue Of Concept

**Zahra Abdollah**<sup>1</sup>: PhD in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Art Research Institute, Institute of Culture, Art and Communication, Tehran, Iran

**Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies**

**Vol 12, No. 1, March\_ September 2022, pp 7-28**

**Date of Receiving the Paper: 2, June, 2021**

**Date of Acceptance: 12, October, 2021**

## **Abstract**

Taking account of some Quranic explications and verses, present paper regards western art creations in virtue of “concept” worthy of reflection and reconsideration. It unearths the basic ideas and fundamental principles of modern art schools and explores their relation to the Holy Quran’s expressive approaches in reflecting intended issues. Thus, the question here would be “what is the correspondence between Quranic styles of representation and modes of expression in modern art schools?” We restrict ourselves to the influential Euro-American movements of late 19th to early 21st century influencing the contemporary art currents. The methodology of this qualitative and exploratory research is descriptive and analytical, and it benefits from critical theory of Deleuze and Guattari. The investigated schools and their related “concepts” include Romanticism, Naturalism, Realism, Impressionism, Pointillism, Symbolism, Expressionism, Cubism, Futurism, Dadaism, Constructivism, Surrealism, Hyperrealism, Conceptualism, Participative/Interactive art, Abstractionism, Minimalism, and Deconstructivism. According to this research, there is certain congruity and correspondence between Quranic expressive approaches and modern art school’s methods of expression or representation in virtue of “concept”.

**Keywords:** Quranic expressive approaches, modern art schools, traveling concepts.

---

1. Corresponding Author: zahraabdollah123@yahoo.com.



## Index

- The Correspondence between Quranic Expressive Approaches and Modern Western Art Schools In Virtue Of Concept** **7-28**  
Zahra Abdollah
- Tactics of the enemy’s infiltration into the Islamic society from the perspective of the Holy Quran** **29-48**  
Morteza Soltani
- Proving the scientific miracle of the verse A’raf :189 and using it in explaining the topic of fertilization of sperm and ovule in 11th grade biology textbook** **49-66**  
Sina Aghaei
- Analysis of Educational Methods of Dealing with Children based on Surah Yusuf: a Qualitative Study** **67-84**  
Fatima Farhadyan
- An Analytical Study of the Rights of Future Generations from the Perspective of the Holy Quran** **85-96**  
Mustafa Karamipour, Aadel Sarikhani
- The Will and Ways to Strengthen it from the Perspective of the Qur’an and the Humanist School in Psychology** **97 -120**  
Ma’sumah Qanbarpoor, Shahin Nalbandi GooyAqaj



## In the Name of Allah

Quran Interdisciplinary Studies Journal  
Vol. 12, No. 2, October, 2021 - February, 2022  
ISSN: 3327-2383

**Managing Director:**

Hamid Saber Farzam

**Editor- in- Chief:**

Bagher Ghojari Bonab

**Internal Manager:**

Mohammad Parsaiyan

**Executive Director:**

Hossein Shojaei

**Assistants:**

Mohammad Hosein Akhavan Tabasi,

Najmeh Kazemi

**Editorial Board:**

Mohammad Ali Mahdavi-rad (Ph.D.)

Mohammad Ali Rezaei Esfahani (Ph.D.)

fathiyeh Fatahizade (Ph.D.)

Ali Nasiri (Ph.D.)

Mohammad Reza Shahrodi (Ph.D.)

Mohsen Ghasempoor (Ph.D.)

Abbas Musallaipoor Yazdi (Ph.D.)

Seyed Mohammad Ali Ayazi (Ph.D.)

Hossein Ali Ghobadi (Ph.D.)

Ali Montazeri (Ph.D.)

Farzaneh Maftoon (Ph.D.)

Faranak Farzadi (Ph.D.)

Zhila Sedighi (Ph.D.)

**Designer:**

Alireza Ebadi

Address: No. 85, Bozorgmehr St., Qods  
St., Enghelab Ave., Tehran, Iran  
Iranian Academics Quranic Organization  
P.O.Box:1417844391  
Tel :+982166485663  
Fax :+982166485657

Indexed and abstracted in  
Scientific Information Database  
isc.gov.ir  
noormags.com  
magiran.com  
srlst.com  
sid.ir  
iska.ir

For any contribution please contact editorial office or  
send your papers to the following email address:  
quranjournal@gmail.com  
Site: jiqs.ir